



Ketabton.com



15521/02714

توقدون
داعالامو و کلتور و زان

های سرگانی خاص گنر، اسمار، چو کی، نورگل و نرنگ که در باغ ولایت کتر گرد آمده بودند رسانیده شد.

• • •

جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای ناحیه اول حزبی ساعت پنج بعد از ظهر ۲۹ نور در قصر ستور وزارت امور خارجه تشکیل و در مورد نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحث صورت گرفت.

در آغاز بعد از آنکه هیات رئیسه جلسه به اتفاق آراء تایید گردید سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر پلان جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه منحل و جامعه ای ايراد کرده و نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب و بیانیه تاریخی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شو رای انقلابی و صدراعظم را در

دومین پلینوم کمیته مرکزی با اوزش اریزایی نمود.

• • •

نمایشگاه عکاسی مربوط به 'المپیا ۱۹۸۰' مسکو تحت عنوان مسکو والمپیک عصر ۳۰ نور از طرف سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به همکاری وزارت اطلاعات و کلتور در سالون بشاروالی کابل افتتاح شد.

در مراسم افتتاح این نمایشگاه دکتراناهینا راتب زاد وزیر تعلیم و تربیه و رئیس انجمن دوستی افغان و شوروی شاه محمد دوست وزیر امور خارجه بعضی از اعضای شورای انقلابی، کدرهای برجسته حزبی و کارمندان عالی رتبه دولتی، سفیر کبیر اتحاد شوروی و بعضی از سفرای کبار کشور های دوست مقیم کابل اشتراک نموده بودند.



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه رام سانی معین وزارت خارجه هند را برای ملاقات بحضور پذیرفتند

باساس پیشنهاد وزارت فواید عامه خریداری وسایط و پروژه جات طرف ضرورت ریاست میخائیک فواید عامه به قیمت اضافه از پنج

میلیون و نهصد و هشتاد و چهار هزار دالر از کمپنی های اتحاد شوروی، چکوسلواکیا، رومانی و جاپان منظور گردید.

نظر بدرخواست وزارت معادن و صنایع خریداری شصصد هزار خریطه پولی اتیلین ضرورت فابریکه کود مزار شریف با افتتاح لیتراف کریدت آن از کمپنی توزای جاسپانی منظور شد.

• • •

دروها و شادباش های صمیمانه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲۹ نور توسط نظام الدین تهذیب عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو شورای انقلابی به مشران و نمایندگان مردم ولوالی

ولایت هرات بر گزار شد به مردم زحمتکش آن ولایت ابلاغ گردید.

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۲۸ نور رام سانی معین وزارت امور خارجه هند را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند.

• • •

تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران روز ۲۹ نور درمقر شورای انقلابی جلسه نمود. شورای وزیران در جلسه همان روز خود ضمن غور و صدور فیصله روی یک سلسله پیشنهادات وزارت ها، درباره مسائل آتی تصمیم اتخاذ نمود:

اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد، از طرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه به مناسبت انتخاب چوین میانوویچ بهیشت رئیس ریاست جمهوری جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا عنوانی موصوف به بلگراد مخابره گردیده است.

• • •

سلام های گرم ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم روز ۲۶ نور توسط عبدالمجید سر بلند عضو کمیته مرکزی حزب، عضو شورای انقلابی و وزیر اطلاعات و کلتور طی گردشم آبی وسیعی که در باغ



سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی، معاون صدر اعظم و وزیر امور پلانگذاری هنگام ايراد بیانیه در جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای ناحیه اول الف حزبی

وفقاً: حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارگتیزم زنده است که بشکل دایمی با

ارتباط نامستثنی به تغییرات انقلابی جا معه تکامل می نماید.

بیرک کارمل

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹-۲۴ می ۱۹۸۰

دست نیر و مند صلح و دوستی بسوی همسایگان

را برای خود ایجاد نمایند. خلق افغانستان مصمم است تا از آزادی و استقلال کشور و از حقوق خود برای تعیین نظام اقتصادی و اجتماعی شان دفاع نمایند.

بعد از پخش این اعلامیه یکبار دیگر برای جهانیان به المات رسید که مردم و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان واقعاً موضع صلح و ستانه در منطقه داشته و آنچه را اعلام مینماید صادقانه در جهت تلاش می ورزد. چنانچه مطبوعات جهان بصورت وسیع و گسترده از آن استقبال نمودند.

بگذار در مقابل هر عمل انقلابی دولت ما و در مقابل آرمان های والای مردم ما در جهت تامین صلح و آرامش در منطقه که همه به آن واقعا نیاز دارند عمل بالمثل صورت گیرد و این دست صلح و دوستی، صفا و صمیمیت راستی و صداقت که عملاً دراز گردیده خلق های کشور های منطقه را هر چه بیشتر با هم متحد سازد و مساعی مشترک نیرو های انقلابی صلح استوار و جاودان را به ارمغان آورد. ما یقین داریم که عمل ویر خود انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان هر گز بی تأثیر بوده نمی تواند و اگر چه تخریبی در مقابل پیاده گردد باز هم شش انسانی ما را در پاره دو ستی با مردم منطقه تغییر نداده و این روابط بالاخره جوشش خورده و استحکام می یابد.

آنچه درین میان روشن است شکست ارتجاع و امپریالیزم می باشد که عاملین اصلی ایجاد تنش و نا آرامی، تشویش و دهشت افکنی در منطقه و جهان است.

به پیش در جهت انکشاف روابط دوستانه خلق های منطقه.

زنده باد مردم سر بلند افغانستان

بر فراشته باد درفش صلح و دوستی میان ملل.

افغانستان راه اصولی را در پیش گرفته بودند. یکجا با مردم به یکبار ادامه دادند و قدرت جبار امین فاشیست و باند تسکانش را بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ سرنگون نمودند که بعد از آن نیز مداخلات ارتجاع و امپریالیزم باز هم بیشتر از پیش وسعت یافت و بد بخانه این دست درازی تاکنون نیز ادامه دارد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از مرحله نوین انقلاب ثور که با قیام ۶ جدی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردید، از همان روز اول با تشریفات انقلابی حسن نیت خود را در جهت دوستی با کشورهای منطقه و جهان اعلام داشت و درین مسیر باز هم لحظه ای آرام نه نشست چنانچه به ارتباط اسناد موثق مداخلات خارجی در امور داخلی افغانستان، یکبار دیگر دولت انقلابی افغانستان در روشنی شش صلح و ستانه و انسانی خویش با نشر اعلامیه ای در زمینه انکشاف روابط افغانستان با ایران و عادی ساختن روابط میان افغانستان و پاکستان اعلامیه ای را به نشر سپرد که خود دست نیرو مندیست که از طرف مردم و دولت افغانستان بسوی کشور های همسایه دراز گردیده و این عمل انقلابی از منافع و پایداری و خصلت انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان سر چشمه میگیرد که اهمیت و مقامش در تاریخ معاصر منطقه با ارزش بوده و نیت صادقانه دولت انقلابی افغانستان را در زمینه دوستی با کشور های منطقه و جهان می نمایاند.

چنانچه در همین اعلامیه می خوانیم «خلق افغانستان می خواهد در شرایط صلح، انکشاف مناسب دوستانه و همکاری با همسایگان کشور های مسلمان و تمام نول جهان حیات نوینی

نیازی به المات ندارد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت قانونی مردم این سر زمین کهنسال و تاریخی می باشد که اکنون با کام های جدی و انقلابی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و غیره همسایس توطئه ها شاناز و تهدید قدرت های ارتجاعی و عقبگرد او شبکه های تخریبی امپریالیستی به پیش میروند و این نیاز مبرم زمان است که باید افغانستان انقلابی به پیش رود و هر خس و خاشاک را که در مقابلش قرار گیرد از سر راهش جاروب نموده و طبق پلان در جهت ترقی و تعالی مردم این وطن اهداف انقلابی را تطبیق نماید.

به این ارتباط، بعد از انقلاب شکوهمند ثور، آنگاه که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان شش و پروگرام دگرگونی ها را در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت نول جهان افغانستان انقلابی را بر سمیت شناخت و روابط افغانستان آزاد و مستقل در کام اول بسادول همسایه تامین گردید و افغانستان هر مانانه در چوکت پروگرام های سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های بین المللی در خشید. این پیروزی و کامکاری مردم ستمدیده و داغ دیده افغانستان آتش بجان دشمنان سوگند خورده خلق افکند و از داخل و خارج شبکه های تخریبی امپریالیستی بصورت مشخص در امور داخلی افغانستان مداخله نمودند تا آنجا که انقلاب از مسیر اصولی آن به بیراهه کشانده شد و حقیقت الله امین در رأس قدرت قرار گرفت و تا توانست در سر کوبی نیت و انقلاب و درمندان واقعی و سر سپردگان راه آزادی و استقلال و سعادت مردم کوشید و چه چنانای ناپسندونی و شرم آوری که باباند آدمکش و چلاش مر تکب نگردید؟ اما مبارزان، فرزندان آگاه و صدیق مردم آتپایی که در حزب دموکراتیک خلق

درین شماره

افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه کشورهاست

تخریش کوتاه و ستابنده به دو نشریه تازه کشور

زموډ دموکراتیک جمهوری دولت اساسی اصول به دموکراتیکو

سلسله گفت و شنود ها و نشست های اختصاصی ژوندون دمیژگرد

زندگی نامه هوچی مین

اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان

دکور په لاری

تصویب اصول اساسی ج. د. ا.، تمام فراخی است در جهت پیروزی

زنان آزادهای ما این مشعل داران راه آزادی

در محکمه لایلی چه خبر است؟

عشق به انسان

شرح پشني موم:

هيوطنان سلخشور زحمتکش و وطنپرست کوچی ما دوباره به آغوش گرم و پراز محبت در وطن برمی گردند و با حزب و دولت ملی و دموکراتیک خود یکجا در کار و یکپارگان انقلابی در راه اعمار وطن همدست می شوند.

گڼه

هوچي مين، د زيار کښانو دلاري ستور سو غندوي



د هاجي په ۱۹۷۵ کال د وینتام د خلکو په میرانه او د شوروي اتحاد په مادي او معنوي مرستې سره د امریکې امپریالیزم د قهرمان وینتام څخه وشل شو تر ټولو نه مخکې او زیات د آزادۍ خوښونکو خلکو له خولې نه د هوچي-مین نوم اوږدېدل کیده دا ځکه چې دغه ستر شخصیت دغه لاره کې یعنی د خپل هیواد د خلاصون او خپلواکۍ په لاره کې نه ستړی-کیدونکي مبارزې یې تر سره کړې و .

د قهرمان وینتام خلک د څو لسیزو په اوږدو کې د څو یرغلګرو او نیری کونکو امپریالیستي او استعماري قوتونو په وړاندې په قهرمانۍ سره جنگیدلي دي او د دغو زړه وړو مبارزو په ترڅ کې یې نه یواځې د خپل هیواد ، پوځي ، ارضي تمامیت او خپلواکۍ تر لاسه کړې ده بلکې د سیمې یعنی د آسیا د جنوب ختیځې سیمې انقلابي غورځنگونه او لښتونه یې هم پیاوړي او غوړولي دي . د امریکا لیزم او نوډو تیسری کونکو قوتونو پر ضد د جګړو کې هوچي مین تر ټولو نه لویو سترو او د درناوي لویه څیره بلل کیږي دا ځکه چې دغه ستر شخصیت د وینتام د خلکو عادلانه او قهرمانانه مبارزې رهبري کړې دي . هوچي مین د یو ستر ملي قهرمان په څیر خپلو د خلکو قهرمانانه مبارزې قدم په قدم په وړاندې اوږدې تریولي پورې رسولې دي . هوچي مین خپل ژوند د خپل وطن او خپلو خلکو د لیکل شوي په لاره کې وقف کړ او له همدې امله دغه نوم د وینتام لاسه نوم سره جوخت په تاریخ کې ثبت شوی دی او دغه کار نامې د وینتام د خلکو په زړونو کې خاص ځای لري . هوچي مین د خپلو خلکو د مبارزو د ښکونکو لیکو په سر کې لږوالو ته دغه حقیقت په ډاګه کړه چې د خلکو داراندی او قوت نه پورته هیڅ بل قوت نشته ، دا ځکه چې د خلکو ولسیزو په اوږدو کې سره له دې چې وینتام څو ځلې د نېری کونکو استعماري قوتونو له تیرې سره مخامخ شو او ان د نېری ستر امپریالیستي هیواد خپل ټول قوت او قدرت سره و نشو کړای چې د وینتام د خلکو تصمیم او اراده د آزادۍ په لاره کې ماته کړي .

هوچي مین ۱۸۸۵ کال د یې په نو لسمه نیټه «د رنگی نین» په ولایت کې نه یوه منوره کورنۍ کې زیږدلی و . دغه ولایت د فلورالیزم او استعمار د لاس پوځي حکومتونو سره په مقاومت کې ډیر لومړی و . هوچي مین کله چې د فکر کولو سر ته ورسید تصمیم یې ونيو چې د خپلو خلکو د ژغورنې په لاره کې فعالیت وکړي .

۱۹۱۵ کال د جون په میاشت کې هوچي مین له خپل هیواد نه بهر لاړ هغه فرانسې ، اود آسیا او امریکا نورو هیوادونو ته سفر وکړ او هلته یې هم د کارګرانو او استعمار خپلو خلکو سره یوځای ژوند او د خپل ژوند

د هاجي په ۱۹۷۵ کال د وینتام د خلکو په میرانه او د شوروي اتحاد په مادي او معنوي مرستې سره د امریکې امپریالیزم د قهرمان وینتام څخه وشل شو تر ټولو نه مخکې او زیات د آزادۍ خوښونکو خلکو له خولې نه د هوچي-مین نوم اوږدېدل کیده دا ځکه چې دغه ستر شخصیت دغه لاره کې یعنی د خپل هیواد د خلاصون او خپلواکۍ په لاره کې نه ستړی-کیدونکي مبارزې یې تر سره کړې و .

د قهرمان وینتام خلک د څو لسیزو په اوږدو کې د څو یرغلګرو او نیری کونکو امپریالیستي او استعماري قوتونو په وړاندې په قهرمانۍ سره جنگیدلي دي او د دغو زړه وړو مبارزو په ترڅ کې یې نه یواځې د خپل هیواد ، پوځي ، ارضي تمامیت او خپلواکۍ تر لاسه کړې ده بلکې د سیمې یعنی د آسیا د جنوب ختیځې سیمې انقلابي غورځنگونه او لښتونه یې هم پیاوړي او غوړولي دي . د امریکا لیزم او نوډو تیسری کونکو قوتونو پر ضد د جګړو کې هوچي مین تر ټولو نه لویو سترو او د درناوي لویه څیره بلل کیږي دا ځکه چې دغه ستر شخصیت د وینتام د خلکو عادلانه او قهرمانانه مبارزې رهبري کړې دي . هوچي مین د یو ستر ملي قهرمان په څیر خپلو د خلکو قهرمانانه مبارزې قدم په قدم په وړاندې اوږدې تریولي پورې رسولې دي . هوچي مین خپل ژوند د خپل وطن او خپلو خلکو د لیکل شوي په لاره کې وقف کړ او له همدې امله دغه نوم د وینتام لاسه نوم سره جوخت په تاریخ کې ثبت شوی دی او دغه کار نامې د وینتام د خلکو په زړونو کې خاص ځای لري . هوچي مین د خپلو خلکو د مبارزو د ښکونکو لیکو په سر کې لږوالو ته دغه حقیقت په ډاګه کړه چې د خلکو داراندی او قوت نه پورته هیڅ بل قوت نشته ، دا ځکه چې د خلکو ولسیزو په اوږدو کې سره له دې چې وینتام څو ځلې د نېری کونکو استعماري قوتونو له تیرې سره مخامخ شو او ان د نېری ستر امپریالیستي هیواد خپل ټول قوت او قدرت سره و نشو کړای چې د وینتام د خلکو تصمیم او اراده د آزادۍ په لاره کې ماته کړي .

هوچي مین ۱۸۸۵ کال د یې په نو لسمه نیټه «د رنگی نین» په ولایت کې نه یوه منوره کورنۍ کې زیږدلی و . دغه ولایت د فلورالیزم او استعمار د لاس پوځي حکومتونو سره په مقاومت کې ډیر لومړی و . هوچي مین کله چې د فکر کولو سر ته ورسید تصمیم یې ونيو چې د خپلو خلکو د ژغورنې په لاره کې فعالیت وکړي .

۱۹۱۵ کال د جون په میاشت کې هوچي مین له خپل هیواد نه بهر لاړ هغه فرانسې ، اود آسیا او امریکا نورو هیوادونو ته سفر وکړ او هلته یې هم د کارګرانو او استعمار خپلو خلکو سره یوځای ژوند او د خپل ژوند

د هاجي په ۱۹۷۵ کال د وینتام د خلکو په میرانه او د شوروي اتحاد په مادي او معنوي مرستې سره د امریکې امپریالیزم د قهرمان وینتام څخه وشل شو تر ټولو نه مخکې او زیات د آزادۍ خوښونکو خلکو له خولې نه د هوچي-مین نوم اوږدېدل کیده دا ځکه چې دغه ستر شخصیت دغه لاره کې یعنی د خپل هیواد د خلاصون او خپلواکۍ په لاره کې نه ستړی-کیدونکي مبارزې یې تر سره کړې و .

د قهرمان وینتام خلک د څو لسیزو په اوږدو کې د څو یرغلګرو او نیری کونکو امپریالیستي او استعماري قوتونو په وړاندې په قهرمانۍ سره جنگیدلي دي او د دغو زړه وړو مبارزو په ترڅ کې یې نه یواځې د خپل هیواد ، پوځي ، ارضي تمامیت او خپلواکۍ تر لاسه کړې ده بلکې د سیمې یعنی د آسیا د جنوب ختیځې سیمې انقلابي غورځنگونه او لښتونه یې هم پیاوړي او غوړولي دي . د امریکا لیزم او نوډو تیسری کونکو قوتونو پر ضد د جګړو کې هوچي مین تر ټولو نه لویو سترو او د درناوي لویه څیره بلل کیږي دا ځکه چې دغه ستر شخصیت د وینتام د خلکو عادلانه او قهرمانانه مبارزې رهبري کړې دي . هوچي مین د یو ستر ملي قهرمان په څیر خپلو د خلکو قهرمانانه مبارزې قدم په قدم په وړاندې اوږدې تریولي پورې رسولې دي . هوچي مین خپل ژوند د خپل وطن او خپلو خلکو د لیکل شوي په لاره کې وقف کړ او له همدې امله دغه نوم د وینتام لاسه نوم سره جوخت په تاریخ کې ثبت شوی دی او دغه کار نامې د وینتام د خلکو په زړونو کې خاص ځای لري . هوچي مین د خپلو خلکو د مبارزو د ښکونکو لیکو په سر کې لږوالو ته دغه حقیقت په ډاګه کړه چې د خلکو داراندی او قوت نه پورته هیڅ بل قوت نشته ، دا ځکه چې د خلکو ولسیزو په اوږدو کې سره له دې چې وینتام څو ځلې د نېری کونکو استعماري قوتونو له تیرې سره مخامخ شو او ان د نېری ستر امپریالیستي هیواد خپل ټول قوت او قدرت سره و نشو کړای چې د وینتام د خلکو تصمیم او اراده د آزادۍ په لاره کې ماته کړي .

هوچي مین ۱۸۸۵ کال د یې په نو لسمه نیټه «د رنگی نین» په ولایت کې نه یوه منوره کورنۍ کې زیږدلی و . دغه ولایت د فلورالیزم او استعمار د لاس پوځي حکومتونو سره په مقاومت کې ډیر لومړی و . هوچي مین کله چې د فکر کولو سر ته ورسید تصمیم یې ونيو چې د خپلو خلکو د ژغورنې په لاره کې فعالیت وکړي .

۱۹۱۵ کال د جون په میاشت کې هوچي مین له خپل هیواد نه بهر لاړ هغه فرانسې ، اود آسیا او امریکا نورو هیوادونو ته سفر وکړ او هلته یې هم د کارګرانو او استعمار خپلو خلکو سره یوځای ژوند او د خپل ژوند

اعلامیه حکومت ج، دایکبار دیگر ثابت می کند که:

افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه کشورهاست

مردم افغانستان در طول تاریخ به دوستی و صلح بین همه مردمان و کشور های گیتی علاقمند بوده و است همانطوریکه می دانیم زمانی افغانستان محل عبور کاروان های طویل تجارنی که در تاریخ بنام راه ابریشم نامیده شده است، بود و مردمان سایر کشور ها این کشور را بچیت یک کشور دوست شناخته و بااطمینان کامل به این کشور رفت و آمد نموده و هکذا در نتیجهی این رفت و آمد ها علاقیت نزدیک و دوستانه بین مردمان افغانستان و سایر کشور ها بخصوص کشور های همجوار قایم می شد. ولی با تاسف باید اظهار داشت که در گذشته ها چون حکومت ارتجاعی و فئودالی نمایندگان واقعی مردم ما نبودند و تنها از طبقات حاکمیه ارتجاعی وقت نمایندگی می کردند نمی توانستند و نمی خواستند روحیهی صلح جویانه و حسن نیت مردم ما را در قبال مردمان و کشور های جهان انعکاس دهند از همینرو دولت های ارتجاعی سابق بهیچ صورت سیاست صانقانه و واقعی را پیش نمی بردند بلکه سیاست ترو-پروریا و تأمین کنندۀ منافع خود و متحدین بین المللی خود را پیش می بردند.

مردم افغانستان در طول تاریخ برای اولین بار موفق شدند تا با به پیروزی رسیدن انقلاب زنجیر شکن نور حکومتی را بمیان بیاورند که واقعا از خود آنها، نمایندگی خود شان و انعکاس دهندهی آرمان ها و احساسات خود شان باشد. آری دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان که با پیروزی انقلاب نور تشکیل گردید در تاریخ اولین دولت واقعا ملی و واقعا مردمی در افغانستان میباشد و اما با تاسف باید گفت که چون اتحادچنین سیاستی مخالف منافع امپریالیزم و ارتجاع بود بعد از چندین نسبت به طوطه هاو نسیمه های ارتجاعی و امپریالیستی این سیاست به بیراهه رفت و حیض الله امین این جاسوس خائن و سفاک نه تنها نمی توانست و نمی خواست مطابق خواست مردم ما عمل نماید لذا برخلاف ارادهی مردم دولت افغانستان را چه در ساحهی سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست بین المللی به گمراهی کشانید بطور مثال موضع گیری امین جاسوس در قبال انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی مردم ایران عینا مطابق خواست امپریالیزم

در رأس امپریالیزم امریکا بود این اجنت سی، آی، ای خیره سرانه و پیشرفته از سیاست امپریالیزم در برابر مردم ایران پیروی می نمود. ولی چون امین و باند فساد پیشه اش خلاف روند تاریخ و خلاف خواست مردم عمل می کرد بسیار زود طوفان خشم مردم او را از ریشه برکند و نا بود ساخت، آری مردم افغانستان به پایمردی ارتوی رهایی بخش خود و به ابتکار و رهبری زعامت انقلابی حزب و دولت مرفقی توسط قیام پیروز مندانهای ششم جدی ۱۳۵۸ یکبار دیگر در عمل ثابت کردند که خواست و ارادهی شان محور و اساس تحول و عمل است و هر آنکسی که بتاحق بر سریر قدرت و ارادهی شان تکیه بزند بزیر می افتند و نابودش می کنند. زعامت مرحلهی نوین و تکاملی انقلاب نور دوباره افغانستان انقلابی را به راه اصلی و صراط المستقیم سوق دادند. چنانچه ببرک کارمل طی بیانیهای ملی و تاریخی شام ششم جدی ۵۸ خویش ضمن ارائه خط مشی سیاسی دولت در ساحهی سیاست خارجی منجمله فرمودند:

«... دولت افغانستان در حالیکه انقلابی ملی و اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی توده های عظیم خلق های برادر ایران را شاد باش می گوید، ابتکار نزدیکی و تحکیم دوستی میان دو کشور دوست را که رشته های مشترک تاریخی بهم بسته دارند و در ماهیت امر کوچکترین اختلافی در بین نیست، در دست خواهد گرفت...» هم چنان درین بیانیه موضع سیاسی و همسایگی نیک افغانستان انقلابی در قبال کشور همسایه ی ما پاکستان با حسن نیت فراوان چنین ابراز شده است: «...ملل افغانستان و پاکستان باهم رشته های جدا ناپذیر برادری دارند. دولت افغانستان از طریق مذاکرات دوستانه با زمامداران مسؤول پاکستان، در راه رفع هر گونه اختلافات و سوء تفاهات، صانقانه و برادرانه سعی و تلاش خواهد کرد...»

از تاریخ نشر این بیانیه در حدود پنج ماه می گذرد جمهوری دموکراتیک افغانستان با دید عینی و حوصله ی فراخ منتظر عمل باالمثل و دوستانه بودولی بکمال تاسف باید اظهار داشت

که این حسن نیت دولت و حکومت ما با رویه ی غیر دوستانه و نا عاقبت اندیشانه ی محافل حاکمیه پاکستان مواجه گشت و آن دولت نه تنها در برابر این موضع گیری صلح جویانه حسن نیت نشان نداد بلکه خاك پاکستان را محصل تریه و مسلح نمودن عناصر ارتجاعی و شرور ساخت و پیاده کنندۀ نقشه های سوء امپری-

الیزم، شوینیزم و صهیونیزم در قبال افغانستان مردم افغانستان و انقلاب ملی و دموکراتیک نور گردید و با این اعمال خود صلح منطقه را با خطر جدی مواجه ساخت. از جانب دیگر در عرصه ی تبلیغات نیز سرو صداهای پروپاگاندی و دودوغین فراوانی را برآم انداخت. امپریالیزم امریکا و عظمت طلبان مرند چینی و سادات و بیگین و غیره توام باین رویه ی خصمانه از هیچ نوع توطئه و نسیمه و تبلیغ رو گردان نشدند. حوادث سوم حوت در شهر کابل، دست گیری جاسوس مصری بنام ضیال الدین محمود که از طریق پاکستان در وطن ما داخل و فعالیت جاسوسی می نمود و چندین سند انکار ناپذیر دیگر همه و همه نمایانگر موضع گیری خصمانه و موقف تجاوز کلرانه ی زمامداران پاکستان، امریکا، چین و سایر کشور های ارتجاعی امپریالیستی و تجاوز گر می باشد. این محافل در تبلیغات دودوغین خود اولامسته اسلام و بخطر بودن اسلام در افغانستان را طرح اوتیلیغ می کنند، نالیا آنها کمک های متعدد مائی و معنوی کشور دوست و برادر افغانستان یعنی اتحاد شوروی را بخصوص کمک نظامی اعزام دسته های محدود نظامی آن کشور را که به اراده و خواست خود مردم افغانستان و برای طرد تجاوز بیگانه بخصوص از خاك پاکستان و به اساس معاهده ی دسمبر ۱۹۷۸ صورت گرفته است، قلب جلوه داده و آنرا به اصطلاح تجاوز بر افغانستان قلمداد می کنند و بالاخره بسیار پیشرفته تبلیغ صورت می گرفت و صورت می گیرد که گویا افغانستان از طرف اتحاد شوروی اشغال شده است. این تبلیغات و تحریکات و روغ پراگنی ها بحدی وسیع و لحام کمیخته صورت گرفت که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان یکبار دیگر جهت برعلا شدن واقعیت تاریخی

لذا آن همه چرنیدات و دودوغ پردازی هاییکه از طرف محافل ارتجاعی و امپریالیستی جهانی علیه مردم و انقلاب مردم افغانستان می شود همه و همه بسبب بزرگ شدن منافع و مواضع آنها در کشور ما می باشد. حزب و دولت و حکومت انقلابی، برای اینکه یکبار دیگر موضع اصولی، صلح جویانه و صانقانه ی خود را برای ایجاد تفاهم و اراده سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشور های دیگر و خواهان بودن دوستی و حسن هم جوار با کشور های همسایه اعلام میدارد حکومت و مردم افغانستان بابه پیروزی رسالیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و ضد کمپرادوری یعنی انقلاب نور تصمیم راسخ، قاطع و خلل ناپذیر دارند که به پیش بسوی آ زمان های والای انسانی بروند اگر امپریالیزم و

۲۴ نور ضمن نشر اعلامیهی موضع اصولی، صلح خواهانه و واقع بینانه ی مردم افغانستان را توضیح نمود. یعنی همانطوریکه ما بارها گفته ایم ارتش محدودیکه بنا برخواست مردم و حکومت قانونی افغانستان به کشور ما آمده برای تجاوز و اشغال نمی بلکه برای یاری رسانیدن به مردم افغانستان در راه دفع و طرد تجاوزات ارتجاع منطقه، ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع شوونیستی صورت گرفته است و هر زمانیکه این تهدیدات مرتفع شود ضرورت موجودیت این قوا نیز از بین می رود. نالی اینکه اسلام برای اولین بار در افغانستان بشکل واقعی و راستین آن ساحه ی فعالیت یافته است و دولت و زعامت انقلابی ما بار ها طی اعلامیه ها با بیانیه ها و بالخصوص در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که می توان آنرا قانون اساسی موقت جمهوری دموکراتیک افغانستان نامید مؤکدا طر فسادری دفاع و احترام بدین اسلام و مناسک مذهبی، اظهار شده است. چنانچه در ماده (۵) اصول اساسی ج، د، ا چنین گفته شده است: «در جمهوری دموکراتیک افغانستان احترام، رعایت و حفظ دین مبین اسلام تأمین می شود و آزادی اجرای مراسم مذهبی و دینی برای تمام مسلمانان تضمین می گردد...»

بقیه در صفحه ۲۳

نگاهی کوتاه و تشابیه‌دار به دین و سیاست

تا پذیر امور عسکری را از رفقای شوروی خوش فراگیرند و از تجارب ارزنده شان استفاده ببرند، دروسی که در کوه‌ها و صحراها، پولیگوها میدان‌های انداخت و میدان‌های در یوری تا کک‌ها پیش برده میشود با یاد با مهارت و توانایی قابل ملاحظه ای توأم باشد...

«د افغانستان دخلک دموکراتیک گوند
د ملی آزادی پخپلو لکي اردو د لارښود په

توگه، عنوان مضمون با ارزش دیگر...

است پیرامون رهبری خرد مندانه و علمی
واصولی حزب از اردو که برید جنرال
گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی جمهوری
دموکراتیک افغانستان آفرای به نگارش آورده
است.

«صحبتی با خوانندگان عنوان

د افغانستان و قادیان ملگری، شعری زیر
عنوان «به لنین» «اطلاعات» و قادیان، حوانات
در چپان، پنهان»

«رویداد های مهم کشور های مترقی»
«در قلمرو فرهنگ و هنر» «مسابقات المپیک ۱۹۸۰»
و «اهمیت سواد» عناوین دیگری است که در
نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» به
چشم می خورد و نشان میدهد که گردانندگان
گازت این روزنامه نه تنها کوشیده اند
در مثنی نشراتی این نشریه را از روش به
آگاهی رسانی در زمینه های مسلکی و
پهلوی های سیاسی و اجتماعی او لیت هارا
در نظر بگیرند - بلکه با گره آوری های
جالبی که در بخش های فرهنگی و هنر،
ورزش، خا طره نویسی به یوگرافسی
و موضوعات اطلاعاتی و خبری دارند هیچ
گونه توقع خواننده مشکل پسند را از یک
روزنامه خبری و آموزشی از یک لبرده
اند تا آنجا که اگر شماره های این
نشریه کلمکسیون شود خواننده در اخیر
سال در واقع صاحب دایره المعارف
شده است که ارزش نگهبانی در کتابخانه
ها را دارا میباشد.

نشر نشریه «حقیقت سرباز» که به زودی
حیثیت روزنامه را خواهد یافت به وزارت
دفاع ملی - به همه روشنفکران جامعه به
سربازان و افسران اردوی قهرمانان
افغانستان و خوانندگان و علاقمندان آن
و کارکنان باذوق آن صمیمانه شادباش
میگویم و آرزو داریم این روزنامه را به روز
در رساندن پیام های انقلاب و اهداف فواید
آن هر روز پیروز تر از روز پیش باشد.

بقیه در صفحه ۱۹
ژوئنون

و اردوی قهرمانان ما نقش شایسته خود را
ایفا نماید.

انقلاب و وطن و مردم ما با دشمنان گوناگون
و محیل در نبرد اند، روزنامه «حقیقت
سرباز» در امر افشای جنایات ها،
تجاوزات، تو طئه ها و دسائیس امپریالیزم
و دیگر دشمنان مردم ما بر علیه منافع حیاتی

ملی خلق ما، در امر انعکاس و قف و فدا
کاری، دلبیری و قهرمانی های افسران
سربازان و خرد فداکاران از دوی آزادی
بخش ما که در سنگر دفاع از انقلاب و وطن
و مردم مر دانه می رزمند و در امر تقویت
روحیه شریکانه و فاداری بوطن، مردم
و انقلاب نقش بس عظیمی را ایفا
نمایند.

روزنامه «حقیقت سرباز» با دید باز
بی تکلیف و ساده حقیقت گوی خود، آموزه
گاز، رفیق و یار و یاور خوبی برای سربازان
و افسران قوای مسلح ملی ما باشد...
برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی
با نگارش زیر عنوان «از میهن انقلابی
تا ن دفاع کنید» با تحلیلی همه جا به
از او ضاع و شرايط کنونی انقلاب در
برابر با ندهای خراب کار و ضد انقلاب
موجودیت قطعات محدود کشور دوست ما
اتحاد شوروی را به خاطر جلوگیری از نفوذ
امپریالیزم خونین در کشور ما امری
ضروری میداند و در این مورد چنین می
نگارد:

«... قواماندانان، کارکنان سیاسی
و فعالین سازمان های جوانان و فعالین
حزبی با دید به افسران، خرد فداکاران
و سربازان معاونت های سیاسی،
معنوی، اقتصادی و نظامی اتحاد جماهیر
شوروی را به میهن ما تشریح و توضیح
نموده در تربیت همه جا به پر سوز
مربوط با روحیه دوستی و برادری با
عساکر قوای مسلح شوروی بگوشتند.
عساکر ما مکلف اند به صورت خستگی

نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» در
هشت صفحه به قطع روزنامه از نشر برآمد
این نشریه تازه که حیثیت ارگان مرکزی
وزارت دفاع کشور ما را دارا بوده و عهده
دار بخش و گسترش آگاهی و دانش در
میان سربازان، افسران و کارکنان
امور نظامی کشور میباشد - بدون شک
با جهت گیری مثبت و فعال نشراتی خود
بعد از این موفق پر خواننده ترین روزنامه
کشور را در میان سربازان و افسران
و همه دست اندر کاران امور نظامی
و دفاعی کشور خواهد داشت.

بسر کار ملل منشی عمومی گمشته
مسرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان - رئیس شورای انقلابی
و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
با توجهی که به نقش سازنده مطبوعات
در این مطلع خاصی تا ریخبر شکوه کشور
ما دارند، در پیای عنوانی این نشریه
که در صفحه اول آن به نشر رسیده
است خاطر نشان می سازند که:

«... قبل از پیروزی انقلاب نور - در دوران
زمامداری رژیم های فاسد فئودالی سختی
از روزنامه نگاری در میان نبود، زیرا
حیات های حاکم و قوت از نقش چنین
ارگان نشراتی در امر بسیج و روشنگری
سیاسی در میان نظامیان در هراس بودند،
آنها از ره آورد فکری این چنین ارگانی
در میان توده های سرباز و افسر می تر
سیدند...»

ببرک کارمل بعد از تحلیل او ضاعی
که در مجموع خود موجب پیروزی انقلاب
نور در کشور ما گردید در مورد رسالتی
که این نشریه با دید آفرای به عنوان منشی
نشراتی خود پذیرد چنین تاکید می
کنند:

«... روزنامه «حقیقت سرباز» با پسند
بازتاب صادق حقیقت پیروزی انقلاب نور
در برابر ضد انقلاب باشد.
روزنامه با دید در راه تطبیق نظریات
انقلابی، حفظ دست آورد های انقلاب نور،
فراخوانی مردم در راه ساختن افغانستان
نوین، آباد، مرفه، مترقی و سر بلند،
تحکیم رشته های گسسته نا پذیر عینی
بین توده های ملیونی مردم زحمت کش



بگذارد حقیقت سرباز، مظهر ظفر مندی بخیا نه سربازان و افسران و سپه با باشد: «بیرک کارمل»

اول می روز همبستگی کارگران در سراسر کشور تجلیل گردید

افغانستان در روز اول می، روز همبستگی کارگران، تجلیل و تکریم گسترده‌ای را در سراسر کشور تجربه کرد. در تمام شهرها و روستاها، کارگران و افسران و سربازان با لباس‌های متحد، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت کردند. در کابل، تظاهرات در محله‌های مختلف و در شهرهای دیگر مانند هرات، کاندوز، پکتیا و... برگزار شد. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند.

پیام‌شان باش قوای مسلح همبستگی زحمتمکشاران جهان به کارگران افغانستان

که از طرف کارگران افغانستان به قوای مسلح و افسران و سربازان افغانستان، پیغام‌های تبریک و تحیات ارسال شد. در این پیغام‌ها، کارگران افغانستان از افسران و سربازان برای دفاع از استقلال و آزادی افغانستان تشکر و قدردانی کردند. کارگران افغانستان از افسران و سربازان برای دفاع از استقلال و آزادی افغانستان تشکر و قدردانی کردند.

کارگران و افسران و سربازان افغانستان، در این روز، به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، کارگران و افسران و سربازان به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند.

بیرک کارمل کارتهای افسرانی را که به رتبه جمرالی ترفیع کرده اند توزیع نمود



تسلی عمومی گشته مرکز حزب دموکراتیک افغانستان - رئیس شورای انقلابی و
معاونت عمومی دموکراتیک افغانستان برکت کارمل که تعدادی از کارتهای ترفیع را به
افسران سپاه پاساژ نظامی تحویل داد.

بیرک کارمل، رئیس شورای انقلابی و معاونت عمومی دموکراتیک افغانستان، در این روز، به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، بیرک کارمل به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، بیرک کارمل به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، بیرک کارمل به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این روز، بیرک کارمل به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند.

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی در کنفرانس تیوریک - نظامی که در قرارگاه وزارت دفاع ملی برگزار شد اشتراک ورزید

جنرال محمد رفیع، وزیر دفاع ملی افغانستان، در این روز، در کنفرانس تیوریک - نظامی که در قرارگاه وزارت دفاع ملی برگزار شد، شرکت کرد. در این کنفرانس، جنرال محمد رفیع با افسران و سربازان گفتگو کرد و به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند. در این کنفرانس، جنرال محمد رفیع با افسران و سربازان گفتگو کرد و به پاس خدمات ارزنده‌شان تجلیل شدند.

دور در غورنده انقلاب دو همه کایز به شاندار و مراسم سره و نماز نخل شوه

در روز یکشنبه، مراسم گرامی و باشکوهی در شهر غورنده برگزار شد. در این مراسم، دو همه کایز به شاندار و مراسم سره و نماز نخل شوه برگزار شد. در این مراسم، دو همه کایز به شاندار و مراسم سره و نماز نخل شوه برگزار شد. در این مراسم، دو همه کایز به شاندار و مراسم سره و نماز نخل شوه برگزار شد. در این مراسم، دو همه کایز به شاندار و مراسم سره و نماز نخل شوه برگزار شد.

دور در تعیین انقلاب دور دور کایز لایله افغانستان دور دور جمهوریت ملی دفاع دور دور

در این روز، دور دور در تعیین انقلاب دور دور، کایز لایله افغانستان دور دور، و جمهوریت ملی دفاع دور دور برگزار شد. در این روز، دور دور در تعیین انقلاب دور دور، کایز لایله افغانستان دور دور، و جمهوریت ملی دفاع دور دور برگزار شد. در این روز، دور دور در تعیین انقلاب دور دور، کایز لایله افغانستان دور دور، و جمهوریت ملی دفاع دور دور برگزار شد. در این روز، دور دور در تعیین انقلاب دور دور، کایز لایله افغانستان دور دور، و جمهوریت ملی دفاع دور دور برگزار شد.



دور دور در تعیین انقلاب دور دور، کایز لایله افغانستان دور دور، و جمهوریت ملی دفاع دور دور برگزار شد.

سا
سا
۳۵۸
نموده
نا
شفا
تکمیل
بر
لغمان
آورد
شفا
گرد
سا
بود
آغاز
وجو
شرو
داده
ولا
وسفت
ش
ایر
کک
کند
تکمیل
مهند
امضا
آیند
شود
کار
۱۳۶۰
مذکور
مردمان
استفاد
که
فنی

منطوقی به کجا اینجا میده است با تو چه به
ارزش که این شفاخانه ها مخصوصا
در شرا یط کنونی در معا لجه بیما را ن
ولایات دارند وزارت صحت عامه چه
نجا ویزی را برای تکمیل آن سر
است ؟

چون شفا خانه های فعلی در ولایات
نمیوانست بصورت صحیح جوابگو یی
نیازمند یهای مردم گردند و نا گریز
مجبور بودند برای تدای خو یش بجه
شفاخانه های مراکز مراجعه نمایند و وزارت
صحت عامه دو لک چشوری دیو گرا یکت
الغانستان با پیروی از خطوط اساسی
کشور برای جلو گیری از تراکم مرا جمعی
در شفا خانه های مرکز و عدم سرگردانی
مردم تصمیم گرفت در پنج ولایت کشور
شفاخانه های حوزوی بتر فیت ۲۰۰ الی
۲۵۰ بستر اعمار نماید.

با اعمار این شفاخانه ها نه تنها خدمات
صحتی به بیمانه و سیتر و خو بستر بمرودم
صورت خواهد گرفت بلکه بجهت یسک
مرکز دیسر ج و تر یننگ فعالیت نموده
در مساحت مختلف از آنها استفاده خواهد
آمد.

شفاخانه - حوزه کند هار- در اواخر سال
۱۳۵۷ بتر فیت ۲۵۰ بستر تکمیل وافتتاح
وشروع به فعالیت نموده است از این شفاخانه
بر علاوه اها لی ولایت کند هار مردمان
ولایت ارزگان هلمند - نیمروز و زابل
استفاده مینمایند.

شفاخانه حوزوی هرات :
کار مساحتی شفاخانه مذکور
بتر فیت ۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۵ ذریعه
دستگاه مساحتی بنائی شروع و ا لی
اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد
پیشرفت نموده است امیدمیرود در اواخر
سال ۱۳۶۰ کار مساحتی آن خاتمه یو
آماده بهره برداری گردد.

از این شفاخانه بر علاوه اها لی ولایت
هرات مردمان ولایات فراه با نفیس وغور
استفاده می نمایند.

شفاخانه جلالاباد -
کار مساحتی شفاخانه مذکور بتر فیت
۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۱ ذریعه دستگاه
مساحتی بنائی آغاز گردید و امسور



یکی از راه های حمایه طفل ومادر توزیع مواد به مادران حامله است.



وزیر صحت عامه در حالیکه تصادق شاگردان نرس قابلگی را توزیع میکند

وزیر صحت عامه میگوید :

از پنج تا ده سال دیگر تعمیم

صحت در کشور عاملی میگردد

ها هم چنان بلند است که دو کتور آن
با آن دقتی که مرغان را در معا یسه
خانه های شخصی خود می بینند در کلینیک
های مجانی مورد معا ینه قرار نمیدهند.
چگونه میتوانیم نقش این کلینیک هارا مو تر
تر بسا زیر شما نباید انتظار داشته باشید
هعی امور و از جمله امر مهم علمی
شدن طبایع که بصورت تد ریجی به عمل
پیاده میگردد یکباره یسی حل شود این
درست است که تا اندازه انتظار شما اینجا
میا شد. اما ماند قدم نخست کیفیت موضوع
را بیشتر از کمیت آن در نظر داریم. به
این مفهوم که ایجاد رو حیه طبایع در
خدمت مردم قرار گرفتن است که در این
مر حله ارزشوا قردارد. اینکه بعضی از
دو کتور آن در کلینیک های مجانی بماران
را درست مورد معا ینه قرار نمیدهند -
ما تا کنون با چنین اتفاقا دانی بجه
وسيله مر یفی داران موا جه نشده ایم
واگر بشوریم.

آلرا زیر تعقیب اصولی قرار میدهم.
واگر بشوریم آنرا زیر تعقیب اصولی قرار میدهم
از طرف دیگر شما نقش اقتصادی این
کلینیک ها را زیاد مو تر نمیدانید چرا
موضوع را به این شکل طرح می کنید ؟
چرا نمی خواهید قبول کنید که در اقتصاد
ور شکسته مردم ما بیش از ده تا بیست
با رازان شدن اتویه و مجانی بودن
معاینه بر تا لیر نمیا شد ؟ و استقبال مردم

تبلیغات و تعلیمات صحتی در سال
۱۳۵۹ تو سعه نموده تا با وسایل و مبتود
های جدید تبلیغ و تعلیم صحتی را گسترش
دهودر سال های آینده به دیگر ولایات
کشور نیز واحدهای تعلیمات صحتی تاسیس
خواهد شد وهم درکنترول امراض ساری
که یک جزء ایید یعی لوی میا شد
از قبیل اسهالات موسمی دیفتری ترا خیم
امراض مقاربتی تو بر کلوز گام های
وسیع بر داشته شده و امسال جهت رفع
نقص به کم آبی اطفال جهت هایدرشن
اطفال شهر کابل و تمام ولایات مراکزی
تا سیس گردید. تا اطفال معاب به کم
آبی اسهالات دوام دار تو سط پاکت
های مخصوص دوباره احیاء گردند همچنان
در قسمت صحتی مساحتی فابریکات شهر
ها و منازل پرو گرام های در دست اجرا
است که در سال جاری به فعالیت آغاز
می نمایند به این ترتیب در قسمت عرصه
مواد غذایی سالم بعد از معاینه و کنترول
اقدامات میشود و در زمینه پلان های ساخته
شده عملی میگردد.

کلینیک های مجانی با اینکه در خدمت
مردم قرار دارد اما نقش اقتصادی قوی ندارد
به این دلیل که بیماری که مجبور است
به خاطر معا لجه و خرید دوا بول هنگفتی
را بپردازد پرداخت فیس دو کتور برایش
زیاد مشکل نیست - از این گذشته اعتراض



نمایی از گرسنگی و بی غذایی کودکانی که به سوء تغذی مصاب بوده اکثر آنها محکوم به مرگ بودند

ما ختمانی در حله اول آن خانه با تهر
ما ختمانی در حله دوم آن الی اخیر سال
۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد پیشرفت
نموده است.

تا گفته نباید گذاشت که کار ساختمانی
شفا خانه مذکور در اواخر سال ۱۳۵۹
تکمیل خواهد گردید. از شفا خانه مذکور
بر علاوه اهالی ولایت ننگرهار مردمان ولایات
لغمان و کنر ها استفاده بعمل خواهند
آورد.

شفاخانه حوزوی هزار شریف :

نقشه ها و زمین شفاخانه مذکور آماده
گردید و قرار داد ساختمانی آن با دستگاه
ما ختمانی بنا می عقد شده است قرار
بود کار ساختمانی آن در سال ۱۳۵۹
آغاز یابد لیکن بنا بر عدم موجودیت
وجوه کمک از جانب دولت عربستان سعودی
شروع کار شفاخانه مذکور معطل قرار
داده شد از شفاخانه مذکور بر علاوه اهالی
ولایت بلخ و ولایات جوزجان و ریاب
و سنگان استفاده خواهند نمود.

شفاخانه حوزوی کندهار :

این شفاخانه بطرفیت ۲۰۰ متر مساحت
کمک دولتی دو ست اتحاد شوروی در ولایت
کندهار احداث میگردد اسناد تخنیک آن
تکمیل و پروتوکل تهیه نقشه های
مهندسی آن با مقامات اتحاد شوروی
امضاء گردیده و قرار است طی ۱۴ ماه
آینده بدسترس مقامات افغانی گذاشته
شود.

کار ساختمانی آن در اوایل سال
۱۳۶۰ آغاز خواهد یافت از شفاخانه
مذکور بر علاوه اهالی ولایت کندهار
مردمان ولایات بدخشان، بغلان، و تخار
استفاده می نمایند.

کمبود نرس قایله مخصوصا در دهات
که اکثر تولدات بوسیله دایه های غیر
قانونی صورت می گیرد عواقب ناگوار و زیار

می آورد برای رفع این معضله شما چه
می کنید ؟

سدر این مورد باید بگوئیم که جهت
حل این معضله علاوه بر اینکه به تربیه
بیشتر معاونین نرس قابله پرورش
میشود وزارت صحت عامه تحت پروگرام
مراقبت های اولیه صحتی به تربیه کارگران
صحتی انا لیه و دایه های محلی می پردازد
به اماس این پروگرام تا فعلا بیش از
۷۰۰ نفر دایه های محلی در ولسوالی
های مختلفه مملکت تربیه گردیده و قرار



بالعالمیت گسترده بی که در راه امحای جیچک صورت گرفت بالاخره این مرض ساری از کشور

مارخت بریست

شماره ۹

آن محاکمه شوند.
علاوه از آن با توجه به اینکه موسسات
مختلفی صحت عامه رو به تزايد بسبب
و قوای بشری مورد نیاز در حال رشد و
انکشاف میباشند و هم اینکه موسسات مذکور
از نگاه کیفیت علمی و مسلکی بررسی
و مواظبت شده بتوانند وزارت صحت عامه
روی همین اصل ریاست قوانین صحتی و
بررسی را در داخل تشکیل مستقل در سال
جاری روی کار آورده که البته اگر گان
مذکور حینکه قانون صحت عامه مفروضات
و لوایح و سایر ضمایم آن یکی پس
دیگر طرح، ترتیب، تجدید و مورد
تطبیق قرار گیرد میتواند در برابر بی
عیالاتی ها که شما از آن متذکر
شده اید معاف و بر خورد نماید که
خوشبختانه این معمول ارزو میروند تقرب
بر آورده گردد.

یکی از پروژه های که بعد از پیروزی
انقلاب در افغانستان در دست اجرا گرفته
شد تبدیل ساختن مراکز معالجویی به
مراکز تربیوی و معالجویی بود که با این
اقدام تا حدودی جلو نارسائی های
کمبود متخصصان طب در مساحت مختلف
گرفته می شد اکنون این پروژه در حله
موقتی قرار دارد و برای توسعه بیشتر
آن چه اقداماتی را در طرح و اجرا
دارید ؟

سدر روغتوئی های مرکز و انستیتوت
های مربوطه طب معالجویی در پهلوی
عرضه خدمات معالجویی خدمات لابراتواری
و سایر خدمات متمم معالجویی پروگرام
های تربیوی برای کنگوری بر سوسل
مختلفه مورد نیاز از پیشبرده میشود.
در روغتوئی ها و موسسات مذکور نظریه
بقیه در صفحه ۴۵

است تاختم پروژه در تمام قرای کشور دایه
های محلی تربیه گردند. جهت عرضه
بیشتر خدمات صحتی اماسی در مراکز
صحتی اماسی و مخصوصا خدمات جماعیه
طفل و مادر که از جهت کمبود معاونین نرس
قایله از نظر کیفی و کمی نواقص را در
پرورش دختران با سواد و سوا لیه ها و
علاقه داری های کشور با تدریس نظری
کوتاه مدت تحت پروگرام تربیه
کارگران انا لیه صحتی تربیه خواهند
گردید تا کمبود معاونین نرس قایله
را در این مراکز تکمیل نمایند.

سدر افغانستان هیچ موسسه و جود ندارد
که از حقوق بیمه در برابر بی تو جهی
و بی عیالاتی و یا احینا نا خیرات و کتوران
و بر سوسل طب به بیمه دفاع کنند
دو کتوران و بر سوسل طب انجمن و یا
اتحادیه یی ندارند که از حقوق و امتیازات
شان دفاع بتوانند طب عدلی ساخته کار
بسیار محدود دارد به عقیده شما
آیا ضرورت نیست که اتحادیه های نو
کتور را در دفاع از حقوق صحتی شان و
مراجع عدلی اختصاصی برای دفاع از حق
بیمه بوجود آید ؟

طب عدلی بصورت يك ریاست مستقل
به همین منظور تا میسر گردیده و برای
اینکه در آینده این ریاست در زمینه
مسواری که شما از آن یاد کردید اقدام
تواند انکشاف بیشتر خواهد یافت.

در مورد اینکه دو کتور را ن اتحادیه
صحتی داشته باشند تا اکنون اقدامی
نشده اما در نظر است که زیر نظر مشاوران
خارجی و با در نظر داشت اینکه ایس
انجمن ها در کشور های مترقی نحوه
گما و شان بر چه پایه هایی استوار
است تا میمانی از این قبیل را بسبب
وجود آوریم که دو کتور را ن خلای کار در

زموږ د دموکراتیک جمهوري دولت اساسي اصول په دموکراتیکو ارزښتونو ولاړدی



د ټور دېر تمین انقلاب د نوی
پړاو په بر یالیتوب سره زموږ
زیار ایستونکی ولس د خپل ټولنیز
ژوند نه په یو نوی تکاملی مرحله
کی قدم کیښود او پدی ټول سره د
حفیظ الله امین د ترور او وحشت
دوره چی دیوی لنډی مودی له پاره
بی زموږ په شر یفو او بی دفاع
خلکو ظالمانه استبدادو چلاوه پای
ته ورسیده ، او د ټور دېر تمین انقلاب
چی زموږ زیار ایستونکو او خواړ
یکښا نو له پاره دنوی ، هو سا او
پتمن ژوند زیوری گپل کیږی لــه
ماتی او سر کوپ څخه بچ کړی شو.
د کار گری طبقی دایم پالوژی د
عاموقوا نینو له مخی یو هیرو
چی دهر انقلاب د بر یالیتوب له پاره
عینی او ذهنی شرایط لازم دی اود ټولو
انقلاب ونو اساسی مسئله دسیاسی
واک تر لاسه کول دی . کله چی یو
گوند اود هغه رهبری به ټول لــه
کی د انقلاب عینی شرايطسم درک
کړی او د هغه څخه د استفادی سره
سیاسی واک تر لاسه کړی نو
د انقلاب د بر یالیتوب او دوام
له پاره وظیفه لری څو د خلکو پراخی
پر گنی سیاست ته جلب او په
اجتماعی ، اقتصاد دی بند لونو
کی دهغوی مستقیم گډون تا مین
کړی . خو څر نگه چی غذا رحفیظ الله
امین یوازې په څو له د انقلاب

ناری وعلی او په واقعیت کی یی
دامیر یا لیزم دیو وفا دار نو کــر
په صفت دجها نی امیر یا لیزم او
داخلی ارتجاع په خوښه د خلکو او انقلاب
د گټو په ضد عمل کاوه . نوی همدی دلیل
سره دیر ژر به هیواد کی د زیار
ایستونکو پر گنو د کرکی سبب
وگرځید . اود خلکو په خو زوړو پر
گنو کی زموږ اکثر وطنوا لو هغه ته
په خپلی کر کی او نفرت سره ځواب
ورکاوه .

خو له نیکه مر غه د ټور انقلاب د
نوی پړاو په رڼا کی دهیواد د ټولو
زیار کښو پر گنو او متر قی قشرونو
اواصنافوته د زمینه برابره شوه چی
دپلارو وطنی پراخی ملی جیبی په شاوو
خوا راټول شی ، چی له یوی خوا
خپل گران هیواد اود ټور دېر تمین
انقلاب د گټو څخه د دفاع په سنگر
کی اوله بلی خوا د خپل هیواد د آبادی
په لاره کی په داو طلبا نه تو گــه
پراخه برخه واخلي .

زموږ ددی خبری رښتینوا لی او
واقعیت تر هر څه زیات دافغانستان
ددموکراتیک جمهوریت په اساسی
اصولو کی دیرښه ثابت کیدای شی .
داځکه چی په دی اساسی اصولو
کی د هیواد د ټولو شر یفو او میړنیو
خلکو ټولی مادی او معنوی اړتیاوی

په نظر کی نیول شوی دی او ددوی
دهیلو او آرزو گا نو سره سم تدوین
اوتصویب شوی دی .
دغه اساسی اصول زموږ دهیواد
پالو خلکو د ټولو لنیز ، سیاسی ، اقتصاد
دی نظام د ټینګښت اود هغوی په
ورځنی ژوند نه کی ددوی د آزاد دیو
اساسی حقو قو او همدا رنگه
ددوی دمسو لیتو نو او وظیفو په
ټاکنه کی عمده او اساسی رول لوــی
بوی .

ددی اساسی اصولو په تصویب
سره خود سری او سر کشی له منځه
خی او هیڅوک به دا حق ونه لری
چی د خپلو شخصی گټو او غرضونو
څخه دافغانی ټولنی دنورو غــړو
قانونی حقوق او آزادی تر پښو
لاندی کړی او یادا چی ددوی سوو
کاله او آرام ژوند ته خطر پیل
کړی .

څرنگه چی زموږ زیار ایستونکی
او میړنی هیواد وال د ټور دېر تمین
انقلاب له بر یالیتوب څخه د
مخه فیو دا لی او ما قبل فیو دا لی
شرايطو سخت ځورو لی او کړو لی
دی نو په دی لحاظ سره دافغانستان
ددموکراتیک جمهوریت په
اساسی اصولو کی څه شوی ده چی
دزیار ایستونکو پر گنو له پاره دهر
اړ څیزی ودی او دموکراتیکو آزادیو
پراخه زمینه برابره کړی . لکه څنگه

چی دافغانستان د خلکو ددموکراتیک
گوند دمر کزی کمیټی عمومي
منشی او دافغانستان ددموکراتیک
جمهوریت د انقلابی شورا رئیس
اوسدر اعظم ببر ک کار مل
په خپل هغه رپوټ کی چی د حمل
په پنځه ویستمه نیټه یی د انقلابی
شورا فوق العاده غو ندی ته دافغان
نستان ددموکراتیک جمهوریت
اساسی اصولو دتصویب په
منا سبت وړا ندی کړی په دی باب
داسی اشنا ره کړی ده :
«اساسی اصول زموږ په هیواد کی
دملی دموکراتیک انقلاب دراتلونکی
ودی او بشپړ تیا اود هغه دوروستی
بری په برخه کی دافغانستان د خلکو
ددموکراتیک گوند دسیاسی
کړنلاری مستقیم ښکار ندوی دی او
په هیواد کی ددموکراتیک ژوند
دعملی کولو اود خلکو ددموکراتیک
تیک دولتی دټینګو لو له پاره کلک
او ټینګی ستنی پیدا کوی .

داسا سی اصولو تصویب دافغان
نستان د خلکو تر منځ پیوستون د
ټینګښت او زموږ د هیواد دسیاسی
نظم دگډوډ و لو د پاره دکور نیس
اوبهر نیو دښمنانو د هلو ځلو
دشنه و لو په لاره کی یومهم
دی .

وکړه چی :

..... هغه اسما سی اصول چی د
افغا نستان نظام پری ټینګیری اود
دافغا نستان دمو کراتیک جمهوري
دولت ، دافغا نستان دکارگری طبقی
او ټولو زیار ایستو نکو گو ند یعنی

دټولودو لټی ار کا نو نو اوساز-
مانو نو فعالیت ، دورگیو قوا-
ټینو زیا توا لی او پراختیا ، دنو یو
حقو قی مو سسو جوړیدل بڼه د
اساسی اصولو دا حکما مو له مخی
وټی ، دافغا نستان ددمو کرا تیک
جمهوریت په اسما سی اصولو
کی دا اصل هم په گوته شوی دی چی
دافغا نستان په دمو کراتیک جمهور-
ریت کی دولتی قدرت دښار او کلی
په زیار کښانو پوری اړه لری ، او
همدا رنگه دولت به څخه وکړی چی
دخپلو هیواد والو خدمت په لاره
کی ددوی دژوندنا نه بیلو بیلو-
اپ خونو ته ددمو کراتیک نظام اوله
هغه څخه دزیو نده اسما سی تو په رڼا
کی سا لمه وده ورکړی . ددی اسما-
سی اصولو په دوهمه ماده کی لیکل
شوی دی :

دافغا نستان په دمو کرا تیک جمهوري دو-
ست دپورتني اصل په نظر کی
نیو لو سره جوخت د ملی وحدت
لاټینګتیا او زیات کلکوالی په منظور
اوزموږ دوروږو خلکو دلایسو -
موقی کیدو او متشکل کیدو په
غرض څخه کړی ده چی دی مهمی او
اساسی مو ضوع ته زیاته پاملرنه
وکړی او او کوشښ پی کړی دی چی
حتی دقا نون بڼه ور ته ور کړی
زموږ ددمو کرا تیک جمهوري دو-
لت داسما سی اصولو په دریمه
ماده کی داسی لیکل شوی دی :

دافغا نستان په دمو کرا تیک
جمهوریت کی دزیار کښانو قدرت
دپلار وطنی په پراخه ملی جبهه متکی
دی . چی کارگران ، بزگران ،
کسبگران ، کوچیان ، روستنکران
ښځی ، خوانان اود هیواد دټولو
ملیتو نو او قومو نو ، ټولو مترقی
او وطن پالونکو قوتو نو او ټولنیزو او
سیاسی ساز ما نو نو نما یند گان د
افغا نستان د خلک ددمو کرا تیک
گوند تولا رښوونی لاند دنوی آزادی
اودمو کرا تیکي ټولنی دجوړ و نو
ترعمو می پرو گرام لاندی سره یو
مو قی کوی . دپلار وطنی ملی
جبهه مو ظفه ده چی دهیواد د ملی
پراختیا او دمو کرا تیکو دندو په

دټولودو لټی ار کا نو نو اوساز-
مانو نو فعالیت ، دورگیو قوا-
ټینو زیا توا لی او پراختیا ، دنو یو
حقو قی مو سسو جوړیدل بڼه د
اساسی اصولو دا حکما مو له مخی
وټی ، دافغا نستان ددمو کرا تیک
جمهوریت په اسما سی اصولو
کی دا اصل هم په گوته شوی دی چی
دافغا نستان په دمو کراتیک جمهور-
ریت کی دولتی قدرت دښار او کلی
په زیار کښانو پوری اړه لری ، او
همدا رنگه دولت به څخه وکړی چی
دخپلو هیواد والو خدمت په لاره
کی ددوی دژوندنا نه بیلو بیلو-
اپ خونو ته ددمو کراتیک نظام اوله
هغه څخه دزیو نده اسما سی تو په رڼا
کی سا لمه وده ورکړی . ددی اسما-
سی اصولو په دوهمه ماده کی لیکل
شوی دی :

تعمیل ، په وطن یا لو نکي رو حیثه
خلکو په روز نه دودټولنی او دولت
چارو په ادا ره کی داتبا عو دپراخه
جلب له پاره د خلکو دټولو قومو په
یومو قی کو لو کی مرسته وکړی .
داخو ټولو ته ښکاره وه چی د
نور دپر تمین انقلاب یو شعرا ر او
هدف داسلام مقدس دین ته کلک
درنا وی او احترام و اود نور دپر-
تمین انقلاب په پریا لیتوب سره هغه
توبیرو نه چی دنا در ، داود غدا ری
کورنی زموږ د خلکو په عقیدو اومذ-
هبونو کی را منځته کړی وو او
خیننی یی په ځینو نو رو
بر گیل اوپا داچی په آزاد ټول سره
یی نه شول کو لای چی خپل مذ هبی
مرا سم او منا سک بی له قید او
شرطه اجرا کړی ، بیخي له منځه
لاړل اود افغا نستان ټولو شر یفو
هیوادوا لو ته په دی برخه کی له
تبعض څخه بر ته یو ټول حق

ور کړای شو . خو په خوا شینی
سره باید ووا یو چی امین اود هغه
بانډو په خپله لټنه دو ره کی دافغا-
نستان د خلکو ددین او ددی
سپیڅلو دینی معتقدا تو په خلاف
ستر جنا یثونه وکړل . شیعیه یی
دسنیا نو ، یو قوم یی د بل قوم او
همدا رنگه یو ولایت یی د بل ولایت
په خلاف ولمسول او په دی ټول
سره یی زموږ په خلکو کی بی اتفاقی
واجوله . اوبه خاینا نه ټول سره یی دپر
مذهبی عالمان ، ملا یان ، شیخان
خطیبان ، پیران اود بیلا بیلو
قومو نو سپین ټبري و څو رول ،
زندانونو ته یی ټپل وهل او شپیدان
بی کړل . خو کله چی د۱۳۵۸ کال
دجدي دشپږ می نیټی بریا لی قیام
سرتو ورسید او دټول پر تمین انقلاب
دخپل تکامل په دویم پړاو کی ودرول
شو زموږ ددمو کرا تیک جمهور -

ری دولت دپر ژر دغی مو ضوع ته
په جدی ټول سره توجه وکړه .
زموږ دمو کراتیک جمهوري دولت
په دی برخه کی یوازی په همدی اکتفا

ونه کړه ، بلکی په دی مورد یی خپله
وظیفه په عمل کی هم سر نه ورسوله .
اوهغه داچی نو مو ږی مو ضوع ته
یی دافغا نستان ددمو کرا تیک جمهور-
ریت په اسما سی اصولو کی ، چی
په او سنی وخت زموږ ددمو کرا تیک
جمهوري دولت قا نونی بنسټ
تشکیلوی ، هم خای ور کړ . ددی اسما-
سی اصولو په پنځمه ما ده کی په
څرگند ټول سره لیکل شوی دی
چی :

دافغا نستان په دمو کرا تیک
جمهوریت کی داسلام دسپیڅلی دین
درناوی رعایت او ساتنه تا مینځی .
اود ټولو مسلمانانو له پاره ددینی او
مذهبی مرا سمو دپای ته رسو لو
آزادی تضمینځی . د نورو اد یا نو
پیروان د خپلو دینی او مذ هبی
مرا سمو په سر ته رسو لو کی چی د
ټولنی مو سایی او امنیت ا خلال نه
کاندی بشپړه آزادی لری . له اتباعو
نه هیڅوک حق نلری چی له دین نه د
ملی ضد او خلکو ضد تبلیغا تو او
دافغا نستان ددمو کرا تیک جمهور-
یت اود افغا نستان دخلکو دگټو
خلاف دنوو اعمالو دار تکاب دوسیلي
په مقصد استفاده وکړی .

دولت درو خا نیو نو او دینی عا-
لمانو وطنپر ستا نه فعلا لیتو نو
سره دهغوی ددندو او مکلفیتونو
په پای ته رسو لو کی مرسته اومسا-
عدت کوی .

لټنه دا چی ددغو اسما سی اصولو
عمو می رو حیثه دپره دمو کرا تیکه
ښکار یی او داسی هیلی او امیدونه
ورڅخه کیدای شی چی ددی اسما سی
اصولو په رڼا کی به زموږ دمو کرا-
تیک جمهوري دولت د خپلو هیواد-
پالو خلکو په بی دریغه مرستی سره
په دی بریا لی شی چی دشرا یطو په
مساعد والی سره به دپر ژر لویه
جرگه جوړه کړی تر څو چی زموږ د-
تلونکی اساسی قانون تصویب
کړی او په یی ټول سره به دقا نونیت
په لور یو بل اسما سی قسم هم پور ته
کړی او په دی تر تیب به زموږ د
خوړید لو خلکو دآرزو گا نو یوه
بله غوټی هم و غوړی پری اود خپلوی
شمیره ارما نو نو په بهیر کی به یی
دا ارمان هم ترسره شی .

سلسله گفت و شنودها و نشست های انتصابی ژوندون در زیر نظر

مسایل

سیاسی و اجتماعی ، فرهنگ و

هنر، نم و نمادان ، جوانان و خانواده ها

در این دور سخن:

- ۱- دکتر عبد الغفار لکنوال معین
اصلا حات ارضی .
- ۲- بهادر آفتاش رئیس تصفیہ
و ثبت .
- ۳- عبد المقصود شکو ری رئیس
تنظیم امور ارضی .
- ۴- نجیر و هاب آصفی رئیس
بانک انکشاف زراعتی
- ۵- عبد الطیف معا و ن ریاست
عواید و زارت مالیه

از این دور این نکته و انتقاد

زیر نظر : گروه مشورتی ژوندون

در تطبیق مرحله نخست

اصلاحات ارضی چه

اشتباهاتی رخ داد؟



نمای کامل از طرح و تطبیق مرحله

دوم اصلاحات ارضی در کشور و جدلی پیرامون آن

- ۶- عبد الجبار ثابت مشا و ر
ریاست تقنین و زارت عدلیه
- ۷- حسین وفا سلجوقی مدیر
نشرات و زارت زراعت و اصلاحات
ارضی
- ۸- علی احمد عضو کمیته ولایتی
حزبی کابل
- ۹- غلام سخی
- ۱۰- محمد رحیم
- ۱۱- رجب علی
- ۱۲- محمد انور
- ۱۳- شاه ولی نماینده های دعقا-
نان ولسوالی های ولایت کابل
اشتراک داشتند .

بسم الله الرحمن الرحيم

زعید شریف و رحمتکش

دولت ملکیت شمار درج این سند و دفتر اسباب ثبت نیز مرشد مطابق ماده ترمهم
اصول اساسی جمهور و در ملک افغانان تعیین میکند.

این سند و سحر حق فروش، ترک، تضمین، اجاره و سایر حقوق شمار بر سر زمین و زمین مطاوت
الحکم تا قفسه زمین میناید.

دولت ملکیت شمار درج این سند حفظ و در بهره برداری و دفتر اسباب ثبت مرشد میکند.

مطابق که شمار در دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت
جمهور و در ملک افغانان سحر و زمین و در دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت

با کار و در دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت

جمهور و در دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت

و در دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت

برک کارمل

نشر عمومی کتب و روزنامه و نشریات

در دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت و دفتر اسباب ثبت

فرهنگ و هنر و ، نو جوانان، جوانان
و خانوادها دایر گردد و در هر
زمینه زنده ترین دانشمندان و مسو-
ولان با صلاحیت به بحث نشینند.
نخستین دور سخن ما در این-
نو بت گشایش، به بررسی شیوه
های کارمر حله اول تطبیق اصلا-
حات ارضی در کشور و اشتباها تی
که در نحوه پیا ده شدن آن وجود
داشته است ، اختصاص می یابد، و
شنا سایی دو مین مر حله این-
اصلا حات که به زودی کار آن
آغاز خواهد گردید .

ما در این گرد هم یی جمعی از
نمایندگان دهقانان را با مسوولان
اصلا حات ارضی دور یک می-
نشانده ایم تا به گونه درو یی
دشواری ها به طرح آید و به آن-
سخ داده شود که امید و ایم این
کار مورد توجه خواننده آگاه و با
ذوق ما قرار گیرد .

در انتظار پرسش ها انتقادها و نظردهی
های فرد فرد شما هستیم و آرزو-
یم مسایلی را که از نظر شما به
عنوان یک دشواری همگانی زندگی
مردم میتواند تلقی گردد ، با مادر
میان گذا رید . اما آنرا به شور
و جدل گذاریم و بل های را بطه میان
ماستحکام بیشتر بیا بد .
شاد و پیروز مند باشید .

• • •

سخن را در این دور جدل راحله راسخ خرمی
بامروزی کوتاه و گذرا از مردم آیی های قبلی
ژوندون و برای نتایج آن به آغاز می گردید و بعد
از گفتاری پیرامون اهداف این مجله از تدویر
چنین مردم آیی های یاد آوری میکند که جدل
در دور این نیز کاملاً آزاد است و هیچ پیرایه
یی از تشریفات ندارد و هر يك از اشتراك
کننده هابدون در نظر داشت مقام اداری و یا اجتماعی
همدیگر میتوانند روی گفته ها به نقد و انتقاد نظر
دهی بپردازند را حله راسخ گوشزد میکند که
بعد از نشر این سخن پراکنی هاهر گوینده
مسوول گفته های خود بوده و ژوندون نه تنها
در رد و یا تایید آن نقشی ندارد بلکه هر اظهار
نظر و یا احیاناً انتقادی را که از گفته ها به اداره
برسد نشر خواهد کرد . او بعد از این مقدمه
باز آله این پرسش از معین اصلا حات ارضی بحث
را به تطبیق اصلا حات ارضی میکشاند .

اهداف مرحله دوم اصلا حات ارضی درجه
مواردی خلاصه میگردد و در مجموع کدام بخش
دشواری های امور زمینداری با تطبیق این مرحله
اصلا حات ارضی حل میگردد . از نظر شمارد
نخستین مرحله تطبیق اصلا حات ارضی چه اشتبا
حات رخ داده و اثرات این اشتباهات اکنون
چگونه به بررسی گرفته میشود ؟
لطفا ورق بزنید

و اینک باز بعد از یکسال و اندی که از
سائنسور بی رحمانه سلسله گفت
و شنود های مادر دور میز گرد ژوند-
ون میگردد ، بار دیگر آنرا به آغاز
می گیریم و با همان مشی ژرف نگری
و عمیق گرای بی به طرح همگانی
ترین دشواری های زندگی مردم
در بخش های گونه گونه آن می-
پردازیم ، تا با بررسی و انگیزه یابی
همه جا نبه کا ویشگر راه ها و روش
های اصلا حی باشیم که حلال
مشکلات در زمینه های به جدل آورده
شده باشد .
برای باز گو یی نقش اساسی این
گرد هم آیی ها و آنچه از گفتنی ها
که در دور میز های پیشین ما به
طرح آمده است شاید بهتر ین گواه
این باشد که از آغاز کار این جدل ها تا
کنون ، هیچ بحثی در سا حه
مطبوعات نه به انداز این سلسله
جدل ها جنجال بر انگیز بوده است
و نه هم با قیچی سا نسور چیا نیسی
که از پلذیرش رو حیه انتقاد پذیری
هراس داشته اند ، آشنا شده است .
سخن را کو تاه بگیریم ، ژو-
ندون این تنها هفتگی نام هه
خانوادها های کشور اگر زبان
احساس و اندیشه خانوادها های
افغانستان نباشد و باز گو کننده
دشواری ها ، تا بسا ما نیما ونا
هنجاری های که دختران ، و پسران
ما و مادران و پدران ما ، با آن رو برو
اند ، دیگر نشریه خانوادها ها
نخواهد بود .
و ما این جدل هارا به این جهت
دنبال می کنیم که می خوا هیم مجله
ماموقف پر خواننده ترین نشریه
خانوادگی را بیا بد و آنرا حفظ
کند .
برای اینکه جدل های ما در گرد
هم آیی که بعد از این مرتباً دا یر
خوا هیم کرد یك رخ و یك جهت
نیابد و در آن عمده ترین دشواری
های زندگی همگانی مردم در بخش
های فرا وان به طرح آید گر وه
مشورتی ژوندون تصمیم گرفت
این گفت و شنود ها بیشتر پیرامون
مسایلی ، سیاسی واجتماعی ،

باتطبیق اولین مرحله اصلاحات امور زمین داری برای بیش از سه صد هزار خانواده های دهقانان مستحق به اندازه سه میلیون و سه صد و بیست و هشت هزار چریب زمین توزیع گردید که خود نمایی از مبارزه علیه فیردالیزم مسلط در کشور و ضوابط غیرعادلانه آن به شمار می آید .

مسوولان این میز گرد از انتقاداتی نام گرفتند که در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به وقوع پیوست - این انتقاد باتاسف کاملاً به مورد است - در تطبیق این مرحله اصلاحات عمداً و به صورت شعوری چنان مشی تطبیقی در دست اجرا گرفته شد که محتوای اساسی و مترقی اصلاحات - تحریف و دگرگون گردید، چنانکه :

باید پیش از آغاز کار اصلاحات ارضی جنبش های دهقانی باتاسیس و حمایت اتحادیه ها - صندوق عاو کمیته های دهقانی شروع میشد تا تقسیم عادلانه زمین با اشتراک خود دهقانان و بدون اعمال زور و قوه عملی شده میتوانست و تمام اقتدار و گروه های وسیع مردم به صورت شعوری و آگاهانه در مقام دفاع آن میبرآمدند که چنین نشد .

۲- در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به رسوم و عادات و رواجهای عثمونی و حتی اعتقادات مذهبی مردم وقتی نهاده نشد .

۳- در این مرحله تطبیق خلاف مقرر اول فرمان شماره هشتم دولت نسبت به حقوق بسیاری از هموطنان مایه توجیه های صورت گرفت که موجب حق تلفی های فراوان گردید و امروز این مساله که حقوق تلف شده آن عده ای که در جریان تطبیق مرحله اول تطبیق اصلاحات ارضی خلاف فرمان متصور شده اند و باید ضرر شان جبران گردد یکی از دشواری های عمده ای است که ما با آن روبرو میباشیم .

۴- در جریان تطبیق و پیروم برای تعداد بیشمار دهقانانی که زمین داده شد، هیچگونه کمک کوپراتیوی تکنیکی و فنی صورت نگرفت که به این دلیل سطح تولید پائین آمد و دهقان نتوانست از زمین زیر کشت خود بهره کافی بردارد .

۵- جنبش کوپراتیوی نه تنها تقویت نشد بلکه بانحوه عملی که صورت گرفت ضعیف نیز ساخته شد .

۶- از طرح عملیاتی يك پلان علماً تنظیم شده به منظور تولید حاصلات زراعتی عملاً جلوگیری شد .

۷- با لفظ اداره اصلاحات ارضی کوشش به غلظت آمد که از تطبیق فرا حل بعدی اصلاحات ارضی در افغانستان جلوگیری شود .

۸- با ختم دوره اول اصلاحات ارضی که با بد ختم هر حله نخست اعلام میگردد پایان تطبیق اصلاحات ارضی در کشور اعلام گردید .

و بدین ترتیب بود که در دوره حکومت خود کاملاً همین این نما ینده امیر یا لیزم خو بخوار به صورت شعوری از تمام ارزش ها و دست آورد های که از تطبیق و ففانه اصلاحات ارضی متصور بود جلو گیری



د افغانستان دموکراتیک جمهوریت

د جمعیت د ملکیت سرچشمه

اصل

قیمت (۱۰۰) افغنی

بلند رفتن سطح تولید و رشد و انکشاف سریع پهلوهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما و به سود بیش از نود و هشت درصد مردم ما میباشد .

برای يك بررسی مقایسوی از وضع دهقانان و امروزه زمینداری در کشور پیش از انقلاب و بعد از تطبیق مرحله نخست اصلاحات ارضی چگونگی وضع ملکیت های زمین را مرور میکنیم:

در کشور ما پیش از پیروزی انقلاب نور سه در صد زمینداران يك سوم از مجموع تمام زمین های زیر کشت را در ملکیت خود داشتند در حالیکه ششصد و شصت و یک در هزار دهقانان ماحی صاحب يك وجب زمین هم نبودند در حالیکه

هم میبشان مالکهای دارنده که انقلاب شکوعمند نور بعد از آنکه در کشور ما به پیروزی رسید و قدرت سیاسی را از طبقات مرتجع حاکم به طبقات زحمت کش محروم انتقال داد همانگونه که وظیفه هر انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی میباشد تا اساس تمام تحولات بنیادی قرار گیرد به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب پیش آهنگ طبقه کارگر کشور سلسله رفارم های را در دست اجرا گرفت که اصلاحات ارضی در شمار آن میباشد .

این اصلاحات که اکنون مادر آغاز دومین مرحله تطبیق آن قرار داریم، کاملاً به نفع دهقانان کم زمین و بی زمین بوده و اثراتی انکارناپذیر در

معین اصلاحات ارضی :

به اجازه شما نخست سیاست را از کارکنان و زمین نامه ژوندون ابراز میدارم که باز میباید سازی برای این گردهم آیی که در آن مسوولان اصلاحات ارضی عدلیه و عالییه به ارتباط مسائل اصلاحات ارضی کشور دور یک میز گرد آمده اند - نقش و رسالت بزرگ مطبوعاتی خود را در آگاهی رسانی به مردم به انجام میرسانند - به اجازه شما پیش از آنکه سخنانی بپردازم چگونگی تطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی به بیان آورم به پاسخ يك بخش از پرسش پرسشده محترم نکاتی در مورد مرحله اول این اصلاحات را باز گو میکنم .

نوم طبق اصلاحات ارضی به و سبیل
هفتاد نفر از آماران عملیات به صورت
مرحله و در مدت سه سال به انجام خواهد
آمد.

را حله راسخ خرمی :

تعدادی پرسش را دهقانان عزیز شرکت
کننده در این جدول که به سمت نماینده های
دهقانان و کسانی های خود را نیز
دارند به طرح آورده اند که اینک یک یک
آنها به نوبت مطرح می سازیم و از مسؤولان
امور در این مورد هم آری می خواهم

۱- نصفه ساحات پراکنده و قطعات
کوچک زمین به اشتراک و سهم گیری فعال
دهقانان.

۲- ترتیب یک سند متحد الشکل رسمی
برای تمام ملکیت های زمین و نو کردن
و تجدید نام املاک ملکیت زمین.

۳- فراهم آوردن تسهیلات لازم در امور
خرید - فروش - تبدیل - بخشش - تقسیم
و دیگر امور انتقالی زمین.

۴- همپا ساختن زمین های مساعده
برای تقسیم و التزام.

۵- تنظیم عادلانه امور مربوط به اجاره

حق مالکیت با لای زمین.
۱- تشویق زمیندار و دهقان برای بهره
برداری بیشتر از زمین و بالا بردن سطح
محصول.

۵- سهم گیری فعالانه دهقانان در
ایجاد و تقویت کورهای دهقانان
با استفاده از زمین های مساعده که
نولت به وجود می آید.

۶- تأسیس مراکز کزرا به دهند
تراکتور ها و سایر ماشین آلات زراعتی
به منظور کاهش زحمت طاقت فرمای
دهقانان و ماشین شدن زراعت طبیعی

شد و باید کثیف او قصداً گوسپند
جهت مترقی این اصلاحات رابه انحراف
گشاند - اما با قیام ششم جدی که باید
فایده های زمین را به دهقانان
طبقه های اجتماعی دهقانان
رضی که در برگیر حل کامل تمام
معضلات و دشواری های امور مربوط به
زمینداری، محو کامل بقایای فئودالیسم،
بلند رفتن سطح تولید زراعتی در کشور و
تأمین رفاه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
همه دهقانان و زحمت کشان ما می باشد
میباشد گردید اهداف عمومی طبقه هر حله



گوشه ای از میز گرد ژوندون که پیرامون مرحله دوم طبق اصلاحات ارضی دایر گردید

که به ارتباط مسئولیت های اناری خود
آنها پاسخ گویند.
نخستین سوال از غلام سخی دهقان
و سوالی ده سبز است که از خود شان
میخواهیم آنها در میان گذارند.
غلام سخی :

معین صاحب اصلاحات ارضی در گفتار خود
یاد آوردند که سند مربوط به ملکیت
زمین نباید و تجدید میگردند سوال من
این است که چرا این اسناد مورد تبادله
و تمدید قرار می گیرد ؟
بقیه در صفحه ۳۳

مرحله دوم اصلاحات ارضی این اهداف را
به ثمر می رساند :

۱- ترتیب و تنظیم امور مربوط به
استاد زمین و زمین داری.

۲- تأمین مناسبات عادلانه در امور
زراعتی.

۳- ترتیب احصای های دقیق زمین
در کشور.

۴- مساعد ساختن زمینه برای اکتشاف
زراعت.

در مرحله دوم طبق اصلاحات ارضی
بصورت مرحله ای با در نظر داشت اهداف
بالا این امور به انجام می آید:

۱- ترتیب و تنظیم امور مربوط به
چربی موافق با عدالت اجتماعی.

۷- طرح پلان های اکتشافی به منظور
بالا رفتن سطح و حجم تولید زراعتی.

۸- تنظیم دفاتر امور زمینداری مانند دفتر
ثبت املاک زمین، دفتر املاک مالی -
دفتر املاک زمین های دولتی و غیره.

۹- تقسیم حق مالکیت بر اساس پانیه
موجوده دلو ۵۸ بزرگ کارمل رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم و ماده نزد هم اصول
املاک میسر جمهوری دموکراتیک افغانستان.
با رعایت موازین علمی و اصولی هر حله

نوم اصلاحات ارضی را در این نکات
میتوان خلاصه یافت :

۱- توزیع عادلانه آب و زمین و بهره
کمی و کیفی حاصل و بالا رفتن سطح
تولید به کمک نولت و به نفع دهقانان
گونه ای که سطح زندگی در بخش های
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بلند رود و در
مجموع مسائل مربوط به اکتشاف عمومی
کشور ما تحقق یابد.

۲- یکپارچه ساختن هر چه بیشتر دهقانان
و کارگران به منظور دفاع از انقلاب.

۳- پیاده ساختن طرح های علمی به
منظور اکتشاف سریع زراعت و تقسیم

هوچی مین هنگا میکه
جیبه جنگ قوای آزادیبخش
ویتنام را رهبری میکرد



بمنا سبت نود مین سالگرد تولد هوچی مین فقید

«۱۹ می ۱۸۹۰ - ۱۹۸۰»

زندگی نامه مختصر هوچی مین

تحت استعمار ژند می میکرد
و در حالی که نظریات
گوناگون انقلابی را مطالعه
می نمود برای گذران معاش
کار می کرد. در سال های
۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ انقلاب کبیر
اکتوبر بر هوچی مین را به
دانش انقلابی رهنمایی
کرد و به وی اطمینان بخشید
که این تنها راهی است به
سوی آزادی اجتماعی و ملی.
در همان سال وی سازمان
وطن پرستان ویتنامی را
تشکیل داد که هدفش
ایجاد وحدت میان ویتنامی
های مقیم فرانسه بود. وی
در ۱۹۱۸ به حزب سوسیالیست
فرانسه جلب شد.

هوچی مین در ۱۹ می
۱۸۹۰ در شهر نگین
در یک خانواده وطن پرست
وروشتر فکر که اصل روستایی
داشتند به دنیا آمد. نگین
شهری است که مردم آن سابقه
طولانی مقاومت علیه
استعمار و فیهو دارند.
هوچی مین از کودکی زیر
تأثیر عمیق محیط اجتماعی
و تربیه خانوادگی خویش
در آمده بود.

هوچی مین در ماه جسون
۱۹۱۱ عازم خارج شد و به
فرانسه و دیگر کشورهای
اروپا، آسیا، آفریقا و
امریکا سفر کرد. وی درین
شهرها با کارگران و مردم

اشتراک نمود و در ۱۹۲۲ به
انتشار هفته نامه «بی نوایان»
در فرانسه پرداخت. در
جون ۱۹۲۳ از فرانسه عازم
نخستین کشور سوسیالیستی
جهان یعنی اتحاد شوروی
گردید و به مطالعه دانش
انقلابی ادامه داد و در فعالیت
های انترناسیونال کمونیست
نستی سهم گرفت و در همان
سال در هیات رئیسه دهقانان
جهانی انتخاب شد. در ۱۹۲۴
در پنجمین کنگره کمیترون
اشتراک نمود و به حیث
عضو دیپارتمنت شرق
انتخاب گردید و مسوولیت
بخش جنوب را نیز به عهده
داشت و وظیفه بود تاجنیش
های انقلابی مردم تحت
استعمار را رهبری کند.

در جون ۱۹۲۵ هوچی مین
جمعیت جوانان انقلابی
ویتنام را سازمان بخشید که
هسته آن را لیگ کمونیست
تشکیل می داد. وی به افتتاح
مجله جوانان پرداخت و
کورسی را باز نمود. که طی آن
صد ها کادر را برای اعزام و
خدمت به وطن تحت تربیه
گرفت.

در ۲ فبروری ۱۹۳۰ هوچی
مین کنفرانس کالو
(هانگ کانگ) را دایر نمود
که هدفش توحید گروه
های مترقی ویتنام تحت نام حزب
کمونیست ویتنام بود.

در سال های ۱۹۳۰-۱۹۴۰
هوچی مین در خارج به
سربرد و طی اجرای امور
انترناسیونال کمونیستی
جنبش های انقلابی در وطن
را تعقیب و دستورات
ارزش به کمیته اجرائی
مرکزی حزب می فرستاد.

در حالیکه در جنبش طبقه
کارگر فرانسه نیز سهم
فعال داشت.

در ۱۹۱۹ وی به کنگره
واریسای پیام مشهور مردم
ویتنام را فرستاد که در آن
از حکومت فرانسه تقاضا
شده بود تا حقوق و آزادی و
تساوی مردم ویتنام را به
رسمیت بشناسد.

هوچی مین در دسامبر
۱۹۲۰ در هجدهمین کنگره
حزب سوسیالیست فرانسه
به طرفداری از کمیترون
تاسیس حزب کمونیست
فرانسه را پیشنهاد کرد.
در سال ۱۹۲۱ در تاسیس
سازمان مردم استعمار شده

در سال ۱۹۴۱ هوچی مین پس از ۳۰ سال فعالیت در خارج کشور به وطن باز گشت و هشتمین پلیوم کمیته اجرا نیوی مرکزی را دایره و در آن خط مشی حزب را اعلام نمود که رهنمون به کیفیت جنگ با فرانسوی ها، اخراج جاپانی ها، ایجاد یک جبهه متحد ملی به نام لیگ آزاد ی ویتنام (ویتنام مین) و تشکیل قوای مستعجل، تشدید بخشیدن به مبارزات انقلابی گروه ها و آمادگی ساختن قیام عمومی به خاطر به دست آوردن قدرت سر تا سری در کشور گردید.

در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۴ دستور تاسیس و ایجاد تبلیغاتی ویتنام را به خاطر آزادی ملی صادر کرد که در واقع بنیان اردوی مردم ویتنام را گذاشت و در اگست ۱۹۴۵ در فضای هیجان انگیز انقلابی در استان قیام ملی هوچی مین همراه با کمیته مرکزی، کنگره ملی رادر نان ترو دایر کرد. این کنگره او را به حیث رئیس حکومت وقت جمهوری دموکراتیک ویتنام برگزید. وی بعداً فرمان داد تا قیام عمومی برای گرفتن قدرت دوسراسر کشور آغاز شود.

در ۱۹۴۵ هوچی مین خطاب به ملت ویتنام و جهات استقلال ویتنام را اعلام کرد و نخستین دولت کارگران دهقانان را در جنوب شرق آسیا به نام جمهوری دموکراتیک ویتنام تأسیس کرد.

هوچی مین رهبر و مؤسس اردوی آزادیبخش ویتنام است

ویتنام در اوایل انقلاب به مشکلات متعدد رو برو و از هر جانب در محاصره بود فقر میراث استعمار جاپان و فاشیست های فرانسوی زندگی پیش از دو میلیون انسان را گرفت. در سپتامبر ۱۹۴۵ دست استعمارگران فرانسوی در دستکش امپریالیستی امریکایی و برتانوی و کومیتانگ چین دو باره برای از میان بردن دست آورد انقلاب بر ویتنام حمله کرد و مردم ویتنام با استعمارگران فرانسوی در جنوب و با مر جعیان چیان کای شک در شمال به نبرد پرداختند.

در ۱۹۴۶ کنوانسیون بین جمهوری دموکراتیک ویتنام و فرانسه امضا شد. قشون تا را جکر چیان کای شک از شمال عزیمت کرد و نیروهای فرانسوی مواضع خود را در ویتنام گسترش دادند و خواستند آن کشور را به این ترتیب تجزیه کنند.

نمایند.

هوچی مین برای مقابله با این وضع در دسامبر ۱۹۴۵ آغاز یک جنگ مقاومت ملی را مطالبه کرد و همراه با کمیته مرکزی حزب، پیکار فرساینده تمام عیار مقاومت را علیه استعمارگران فرانسوی تا پیروزی تاریخی دین بین فر رهبری کرد.

در جون ۱۹۵۴ قرار نامه ژنیو امضاء شد و شمال ویتنام آزاد گردید و لی امپریالیزم جهان خوار امریکا بخش جنوب را به مستعمره جدید تبدیل کرد. هوچی مین کمیته مرکزی حزب هم گروه های مردم را برای تعقیب دوهدف استراتژیک رهنمائی کرد.

در شمال انقلاب سو سیالیستی و در جنوب انقلاب دموکراتیک خلق.

در سپتامبر ۱۹۶۰ کنگره سوم حزب دایر شد که درین کنگره هوچی مین به ریاست کمیته مرکزی اجرا نیوی حزب

برگزیده شد و دو هدف استراتژیک فوق به تصویب رسید.

مردم ویتنام تحت رهبری رئیس هوچی مین و کمیته مرکزی حزب از جاپانی ساختمان سوسیالیزم را در شمال سرعت می بخشیدند و از طرفی جنگ مقاومت میهنی را بخاطر دفاع از شمال و نجات جنوب علیه امریکای تجاوزگر ادامه دادند.

رئیس جمهور هوچی مین در سوم سپتامبر ۱۹۶۹ در هفتادمین سال زندگی خویش درگذشت.

وی یک انقلابی بزرگ، قهرمان شناخته شده ملی و روز منده هو شیار جهانی بود که بدون احساس خستگی رزمید و سر تاپای زندگی رابه وطنش، به مردمش، به ارمان انقلابی، به آزادی و نجات ملت ها و صلح و عدالت در جهان وقف کرد.



تصویب اصول اساسی

ج، د، ا گام فراخی است

در جهت بهروزی

پیوست گذشته

زحمتکشان که در صفوف خویش کارگران، دهقانان، کسبه کاران، روشنفکران و سایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل و ارتقای فعالیت های اجتماعی و تولیدی، تعمیم اهداف و وظایف انقلاب نور و تأمین منافع خاصی ایشان متحد می سازند. تشویق و پشتیبانی می شود.

جمهوری دموکراتیک افغانستان همانطوریکه در عمل ثابت ساخته است با جدیت و پشتکار فراوان در صدد آنست که اتحاد واقعی ملی و دموکراتیک را میان کلیه اقوام و قبایل اگر خرد باشد یا بزرگ بوجه بهتر و متسری آن تأمین نماید و هکذا اتحاد و یکپارچگی همه زحمتکشان همه ملیت ها را جدأ در نظر دارد و در راه آن یکپارگی بی امان می نماید. چون افغانستان وطن واحد و مشترک همه ملیت ها و اقوام برادر ساکن در آنست و همه ملت ها و اقوام اعم از پشتون، هزاره، تاجیک، ترکمن، بلوچ، ازبک و غیره باهم برادر و برابر اند و اگر دست های غرض آلود و زیم

در اصول اساسی ج، د، ا بعد از آنکه وظایف و مکلفیت های دولت در قبال عنعنات ملی، تاریخی و کلتوری و دینی مردم ما درج شده است و برای همه مردم اطمینان و آرامی خاطر می بخشد تشکیل سازمان ها و تشکیلات توده ای را نیز به مثابه متحد کننده زحمتکشان و وطنپرستان تأکید می نماید، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بجهت نماینده کاری، گران، دهقانان، اهل کسبه، کوچیان، روشنفکران و سایر اقشار و طبقات زحمتکش و ملی و دموکراتیک بپایان آوردن و تقویه و تحکیم و بسط هرچه بیشتر سازمان های اجتماعی و مردمی را بشکل سالم آن از وظایف خود می شمرد در ماده ششم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین می خوانیم: «در جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیتهای اتحادیه های کارگری سازمانهای جوانان و زنان، انجمن های علمی، کلتوری و هنری و سایر سازمانهای اجتماعی و دموکراتیک

های فاسد فئودالی و بخصوص حفظ الله امین دژخیم تخم نفاق و پراگندگی را بین آنها کاشته، بسزودی دوبرتو سیاست واقعی ملی و مترقی دولت و کمک و همکاری مردم شرافتمند افغانستان محو و نابود خواهد شد. هکذا در افغانستان همه پیروان مذاهب دین مقدس اسلام اعم از سنی و شیعه برادر و برابر هستند و هیچ نوع اختلاف منطقی بین آنها نیست و پلان های شوم دشمنان در این ساحه نیز خنثی خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بوضاحت روشن ساخته شده است که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق به آرمان های والای انقلاب نور سیاست تساوی حقوق و دوستی برادرانه میان همه مردمان افغانستان را پیش خواهد برد و مجدانه در راه رشد همه جانبه تمام اقوام و ملیت ها و قبایل افغانستان مساعی لازم را بخرج خواهد داد و حقوق دموکراتیک آنها را کاملاً تضمین می نماید. و هکذا از این بردن همه نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی، کلتوری در تمام نقاط کشور محبوب ما از جمله وظایف حزب و دولت ج، د، ا بشمار رفته است خلق کوچی و وطن مالیز که هرگز در گذشته ها توجه به حال شان نشده است بیاد دولت بوده و در اصول اساسی ج، د، ا موکدا تذکار رفته است که دولت برای آنها شرایط بهتر زندگی را مهیا خواهد ساخت و هکذا امکانات استفاده دموکراتیک و رایگان شانرا از چراگاه های وطن برای حیوانات شان مهیا خواهد ساخت.

بخش بسیار مهم دیگری در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چگونگی سیاست خارجی و هم چنان توضیح موقف افغانستان در قبال سازمان های بین المللی و منشور سازمان ملل متحد، میباشد. جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروزی انقلاب ظفرمند نور و بخصوص بعد از ظفر بابی خیزش قهرمانانه ی ششم جدی ۵۸ در عرصه ی گیتی بجهت یک کشور صلح دوست عرض وجود کرد و با پیروی از اهداف والای انقلاب مردمی پیوسته در صدد آنست تا با کلیه کشور ها روابط دوستانه داشته و روابط برادرانه و صمیمی موجود میان افغانستان و کشور های صلح دوست و مترقی و بخصوص اتحاد شوروی را هر چه بیشتر تقویه و استحکام بخشیده است این روابط برادرانه که به اساس اصول مترقی انتر ناسیونالیسم کار گیری استوار است بفتح جانیین و صلح جهانی میباشد. علاوه و تا دولت مترقی و ملی ما جدأ می کوشد تا با همسایگان خود روابط دوستانه داشته و همه اختلافات موجود را از راه مباحثه و مذاکره حل و فصل نماید. دوستی با معالک اسلامی نیز مورد توجه جدی جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد در ماده دهم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین تذکر رفته است:

«سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تحکیم صلح عام و نام، انکشاف همکاریهای وسیع بین المللی و حفظ منافع دولتی کشور استوار است. اساس فعالیت سیاست خارجی ج، د، ا را اصول همزیستی، مساوت، آمیز و سیاست عدم انزالک مثبت و فعال تشکیل می دهد.»

هم چنان در مواد یازدهم، دوازدهم و سیزدهم و چاردهم و پانزدهم و شانزدهم این اصول

منجمله چنین گفته شده است: «ج، د، ا، دوستی و همکاری همه جانبه خود را با اتحاد شوروی و همکاری و مناسبات دوستانه ی خود را با سایر معالک سو سیالیستی بر اصل همبستگی انتر ناسیو نالیستی توسعه و استحکام می بخشد... مناسبات دوستانه با سایر معالک بخصوص با معالک همسایه و تمام ملل مسلمان... ج، د، ا، برای حل عادلانه و صلح آمیز تمام مسائل حل نشده موجوده بین کشورهای همسایه... صرف مساعی می کند... ج، د، ا، از مبارزه ی ملل و خلق های جهان برای صلح و آزادی ملی و اجتماعی، دموکراسی، ترقی و برضد استعمار، استعمار نو و امپریالیزم، برضد صهیونیزم، راسیسم، فاشیسم تبعیض نژادی و آپارتاید پشتیبانی میکند... ج، د، ا، باخاطر دفاع از صلح جهانی در جهت خلع سلاح عمومی و قطع مسابقات تسلیحاتی جلوگیری از توسعه اسلحه ی ذروی از پس بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان، انکشاف و تعمیق پروسه ی تخفیف تشنجات بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی بعمل می آورد... ج، د، ا، منشور سازمان ملل متحد و اصول قبول شده ی عمومی حقوق بین المللی را احترام و رعایت کرده... پشتیبانی میکند...»

اگر بآندکی دقت به این اصول سیاست خارجی نظر اندازی نمایم واضح خواهد شد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبان حق و عدالت و مبارزات برحق و عادلانه خلقها در سراسر جهان میباشد. و با هر نوع فعالیت ضد صلح، ضد آزادی و ضد بشری مخالف است.

امروز در افغانستان اشکال متنوع ملکیت ها وجود دارد در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان رعایت حقوق و دفاع از انواع ملکیت های مشروع درج گردیده است اشکال ملکیت هائیکه در افغانستان وجود دارد یعنی ملکیت دولتی یا عامه، ملکیت کوپراتیوی، ملکیت خصوصی و ملکیت شخصی همه و همه را دولت محافظه می کند منابع مواد زیر زمینی و طبیعی و انرژی، بانکها موسسات بیمه و وسایل عمده ی تولید در صنایع ثقیله، مخابرات رادیو و تلوویزیون، سرکها و غیره منحصر بدولت بوده و از آن حمایت خاص صورت می گیر و هم چنان شرکت های مختلفه که دولت در آن سهم است تقویه، تشویق و حمایت می شوند. ولی باید دانست که دولت هرگز اجازه نخواهد داد تا از ملکیت خصوصی علیه منافع مردم و جامعه استفاده صورت گیرد. در ماده بیست و دوم چنین تذکر رفته است: «دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ و حمایت می کند. استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه و مردم مجاز نیست. دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز بدست آمده تضمین می کند... استمالک ملکیت خصوصی در بدل تادیه قیمت مطابق به عدالت اجتماعی و قانون مجاز است...» در قسمت رشد و انکشاف فرهنگ ملی و مترقی و رفاه اجتماعی، دولت ج، د، ا توجه خاصی بدول می دارد، حمایت و معاونت از جوانان ایمن سازندگان آینده ی کشور نیز تأکید شده است.

بقیه در صفحه ۴۴

ارزش و حیثیتی بر خور دار است .
در شرایط کشور ما که خان سالاری
در جریان سده های فر وان حکمر وایسی
خود و ضوابط نا انسانی اش فروپیسوادی
و بیماری رابه عنوان يك ارمغان شوم
به میراث گذاشته تا جایی که سی و پنج
در صد کودکان ما به خاطر ابتلا ی به

بیماری هایش از سن پنج سالگی بد رود
حیات میگویند و مادری که در جریان
ازدواج تا مرگش ۹ کودک را ولادت میکنند
اما در زمان مرگ بیش از چهار فرزند
ندارد - طبیعی است که در پهلوی فرا هم
آوری زمینه های مسا عد و قایوی و معا فیت
کنلوی و جلو گیری از پیماری ها به
وسیله وا کمین آگما هی رسائی به مردم
و جلب همکاری آنان در برنامه های پیشگیری
امراض و تامین سلامتی با تصمیم بخشیدن
هرچه بیشتر دانش پسر و رش با صحت و طفل
مراقبت های ضروری و به موقع مادر از اولیت
های با اهمیت به شمار می آید .

شناخت روان کودک و توجه به
پرورش آن مسا له دیگری است که با
جلو گیری از انواع عقده ها و نا را حتی
های روحی و عاطفی در واقع میتوان
خوش بختی و به زیی سالم اجتماعی او را
در احوال زنده گی اش تقصین کند چه صحت
در تازه ترین تعریف آن که سازمان صحت
جهان ارائه داشته است صرف در عدم موجود
دیت بیماری ای جسمی خلاصه نمیگردد و
بهبود نام حالات بدنی - روانی و اجتماعی
را شامل میگردد و مجله «طفل و مادر» با درك
این واقعیت ها و پذیرش محتوای اطلاعاتی
در زمینه های بالا به خوبی میتوان تسد
تشریه یی مفید برای خانواده ها و مادران
با سواد ما تلقی گردد .

دوکتور اناهیتا راتیبزاد وزیر تعلیم و تربیه
در يك بخش از بیامی که به این تشریه
ارسال داشته و در صفحات اولی آن به
چاپ رسیده است مثنی تشراتی «طفل و مادر»
را چنین توضیح میکنند :

«... هدف نشر مجله «طفل و مادر» آشنا
ساختن هم وطنان به اوضاع مادر و کودک
در کشور های مختلف جهان و منجمله کشور
رنج کشید و بلا دیدن ما ست ، تا امکان
بدست آید که به خانواده ها ، معلمان
مکاتب ، مربیون و استادان و من موجب
ما افغانستان جهت تربیت و پرورش بهتر
کودکان رهنما یی های لازم صورت
گیرد ...»

شماره اول و دوم «طفل و مادر» با
مطالب و مقالاتی پیرامون جنگ و تگری
واحد ف تربیتی طفل ، هو شناری و آگاهی
دهی به مادران در زمینه مسایل پرورشی ،
مسایل روانی و تزیینی ، راپورتاژ ها
و نگارشی های سودمند دیگر نشاند
این موضوع است که اگر دانندگان آن
مگو شنند هر چه بیشتر روی هدف تشراتی
خود استوار بمانند .

نکته دیگر در مورد نخستین شماره «طفل و
مادر» این است که صفحات رنگین و کلیشه
بقیه در صفحه ۴۵



نگرشی کوتاه و شتابنده به دو نشریه ...

کمبود مواد غذایی و در مجموع ناهنجاری
هایی است که تمام کشور های عقب
نگهداشته شده جهان سوم با آن روبرو اند
میتوان تصور کرد که نشر مجله یی که
محتوای آنرا موضوعاتی پیرامون مسایل
مربوط به کودکان و مادر تشکیل دهد از چه

و مادران در کشور ما و از دیار روز افزون
واقعیات مرگ های نا بهنگام کودکان
نوتولد تا پنج ساله و مادران حامله
و شیرده که نتایج شوم و رقت آور فقر -
بیموادی - عدم آگاهی صحتی ، عدم
شرایط زیست صحتی ، عدم امکانات تامین
حفظ صحت فردی و خانوادگی و محیطی

«طفل و مادر» ما هتما تازه است که
ریاست کور دکستانهای وزارت تعلیم و تربیه
امتیاز نشر آنرا بدست آورده و شماره اول
و دوم آن در يك مجله - هفتاد و دو صفحه به
قلم ۳۲ ر ۲۴ مائتی متر در چهار رنگ
از چاپ برآمده است .
با توجه به وضع نا بسامان کودکان

کمیسیون بریگاد ل. ی. بریژنف
کارت عضویت حزب کمو نیست
اتحاد شوروی را به الکساندر مالوف
می دهد (سپتمبر ۱۹۴۲)



تتبع ونگار ش

از عبد الله بشیر شور

نهم می

روز شکست فاشیزم

روزها می آیند و می روند و تا ریخ بشری را ورق میزند. روزی با خط زرین و درشت و روزی با خط سیاه اعمال، رفتار، کردار بشر را ثبت می نماید.

در حساب طبیعت هر روز روزی بشمار می رود. هر روز روند تازه و موثر به زندگی فردی و اجتماعی بشر، وارد نموده و هر روز از نظر اهمیت کیفی و صوری خود مشخصه و ممیزه معنی بخود میگیرد.

روزها تما یزات و تفا و تهیای دارند که نقش آن در اذهان انسان متناوب و متمایز می باشد و این

تفاوتها و تمایزها از حیث قوت اثر کمیت و کیفیت های خود حافظه بشری یعنی تا ریخ را متناوب سبانه زیر تاثیر در می آورد.

روز نهم می. از آن روزهای می باشد که تاثیر آن در تا ریخ بسی نظیر و کمیاب است. روز نهم می يك روز چرخش تا ریخی يك روز موثر بر سر نوشت بشریت است. روز نهم می آن روزی است که فاشیزم نازی یزم، هیلتر یزم با قدرت خلاقه یی جنگی با خارقه «بلیتس کر یسک» (جنگ برق آسا) ضرر به جهان آزادی خواه را فرود آمده از مشیت آهنین دنیای صلح طلب را برپیکر خود

خورد. در آن روز بود که هیولای جنگ و تبا می عالم انسانی از پا در آمد. هیولای جبر، ظلم، زور با همه قدرت خود بر اقتدار ونا بود شد.

این مختصر گنجایش آنرا ندارد که بتوان آنچه آن کابوسی وحشت از بشر میخواست و یا آنچه را بشر از دهشت آن برداشت تو ضیح نمود. ولی متذکر باید شد که در این جنگ تحمیلی بر جهان از طرف باندهای فاشیزم جهانی در حدود پنجاه الی شصت میلیون انسان تلف ونا بود گردید.

دنیای فقیر، دنیای مبتلا به امراض، دنیای پر از مرگ و میرهای فاقه قحطی زده گمی و برهته ما مبلغی معادل به بیشتر از چهار الی پنج بلیون دالر را که اگر بر هر فرد جهان آنروز تقسیم میشد فی سیر مبلغ چهارده هزار و دو صد و هشتاد دالر حدود سسطی بهره میرسید که به نرخ و قیمت همان سال لها شایده ملیونها بشر مبتلا به قحطی و هژاران بلای دیگر را بدر زمان میرساند.

در این جنگ ملیونها پدر بی اولاد، ملیونها زن بی شوهر و ملیونها فرزندان بی پدر بی مادر گردیدند و بسر نوشتهای شوم گرفتار و سر بار جهان در گیر بسا بلایا و مصایب بی حساب بش گردید.

در روسیه شوروی، در آلمان نازی در سراسر اروپا و جهان ویرانی و خرابی حدود و شغورزی نداشت.

در روز نهم می مردم اتحاد شوروی جما هیر تا زه بنیاد و جوان اتحاد شوروی که در گیر در جه اول دفاع و مپا رزه این جنگ عالم سوز بودند وارد برلین مرکز فاشیزم جهانی آنوقت گردید. قشون سرخ قشون تازه تشکیل یافته اما قشون متشکل از مردم، بر این را فتح نمود.

مردم اتحاد شوروی در صفوف قشون سرخ این جنگ را به نفع خود و بنفع مردم جهان خاتمه دادند و مظهر و سرخرو برآمدند. این فتح را اتحاد شوروی به قربانی: بیست میلیون مپا رز، ویرانی یکمزار و هفتصد و ده شهر با نفوس وسطی هر کدام در حدود پنجاه هزار، نا بودی هفتاد هزار قصبه و ده و دو ترلیون دالر خساره مالی برای شان کمایسی نموده رسال روز نهم می را جشن می گیرند. این روز را سی مملکت اروپایی، آسیایی و امریکایی تجلیل می نمایند.

آری این روز مبداء تا ریخ تازه را در جهان بشریت آزاد، آزادی خواه و نقطه چرخش و گرایش از تیره گمی بروشنی و از ظلم به عدالت ار مغان آورد. از این روز بود که آرزوهای جهانی، خلق، جهان بسوی افق تازه و امیدهای درخشان دید. از این روز بود که تحقق آرمانهای بشریت صلح خواه جان یافت. از این روز بود که دنیای کهنه ما به نوگرایی آغاز نمود و:

۱- سیستم زندگی اجتماعی مسیر سوسیالیزم را در پیش گرفت

۲- اصول اساسی برای برانداختن امپریا لیزم عملی تنظیم گردد. که در نتیجه آن یکصد و سی مملکت با استقلال کامل آمدند و از جمله این تعداد هشتاد و دو کشور آن راه رشد غیر سرما به داری را پیش گرفته و بیست و دو مملکت مستقیماً وارد جهان سو سنا لیزم گردیدند و راه ترقی و پیشرفت را اختیار نمودند.

۳- نهضت های انتر ناسیونال سو سنا لیزم در عالم پهن گردید که نظر به احصای موقوفات امر و در جایان در هر پنج نفر یک نفر در ایطالیا ثلث نفوس و در هسپانیه و فرانسه تعداد آنها چشمگیر است. در نود و سه مملکت جهان متنا سنا با نفوس آن بیشتر از شصت الی هفتاد میلیون اعضای این حزب عالم و صد ها مو رد دیگری که دنیای ما را بشا همراه ترقی رهنمون گردیده است.

از جانب دیگر و در جنبه مخالف این جنبشها و نهضت های ملی روح دیو استعمار که با انتقال از کالبد میولای فاشیزم هتلری ملیتاریزم جاپان آنوقت، ایتالیای موسو لینی و بالاخره انگلیس با قدرت چهار صد ساله استعمار به بدین امریکای سرمایه دار و چین سو سنا ل شو نیست یا مرتد انتر ناسیونال نیست، وعده دیگری از مر آجین بین المللی حلول نمود که می خوا هند بار دگر جهان را بروز سیاه و فلاکت بار بکشاند.



دوم فبروری ۱۹۴۳ گروه های دشمن در محاصره استالینگراد

لمگیر رسیده است. ۴- فتح و ظفر الجزایر بر فرانسه و حصول استقلالش، غلبه کانکویی ها بر استعمار، جنگ های قهرمانی، انگولا، ممالک زامبیا، روندی، موزمبیق و غیره در آفریقا جنگ های ممالک امریکای لاتین علیه استعمار، فتح و غلبه ویتنام قهرمان بر امریکای مدعی در جنوب آسیا قیادت جهان و بالاخره انقلاب های حبشه، ایران و زمبابوی با مبارزات افتخار آمیز آن، کیو بای آزادی و مبارزات بر افتخار و قهرمانی آن. ۵- از آنجمله است انقلاب بزرگ ویرگشت نا پس از نور ۱۳۵۷ و مرحله نوین آن در وطن ما افغانستان عزیز.

بین المللی ممالک آزاد جهان سوم. از جمله به بها نه اوضاع در افغانستان اتحاد نامقدس امپریا لیزم امریکای سرکاردی کارتر، ماویزم چینی به سرمداری هوا کو فنگ و هوا نکو و ارتجاع سیاه با کستان و دیگران می خواهند انقلاب مارفا و آرامش ماوراء ترقی و پیشرفت ما را بخطر موا جه نما یند ولی انقلاب ما بر گشت نا پس آرامش و رفاه ما با تضمین آینده و ترقی و پیشرفت ما با قطعیت است.

روان است و در مسیر خود از هیچ چیز نمیرسد. امروز نه می را در حالیکه همه جهان آزاد و صلح دوستی بر یک می گوئیم بد شمنان آزادی ترقی و زیست با همی ملل دنیا آیین عبرت قرار داده به آنها خطار و هشدار میدهم تا با خود، با ما با دنیای بشریت با آتش بسازی نکنند والا خود را بیشتر از همه به آتش که می افروزند خواهند سوخت.

بها سبت پسر و زی اد دوی شوروی بر فاشیزم

مختصر یادداشتی از وقایع مهم جنگ دوم جهانی

شب سی و یک ماه اوت ۱۹۲۹ بعد از طنین شلیک تیر، در را دیو لهستان، پس از تصرف رادیو لهستان توسط سه نفر بد ستور هتلر در رادیو به زبان لهستانی اعلام نمودند که: (موقع جنگ لهستان علیه آلمان فرا رسیده) و این یک رمز هتلری بود. به این بهانه در اول سپتامبر به لهستان حمله آغاز گردیده و بتاریخ (۳۰) سپتمبر ساعت یا زده صبح انگلستان که با لهستان قرار داد همکاری داشت به آلمان اعلان جنگ داد، و پس از شش ساعت فرا نسه نیز همین عمل را انجام داد. و بدین ترتیب جنگ دوم جهانی آغاز گردید. و این بلا نها در کتاب هتلر بنام «ماین کامف» صریحاً تحریر شده بود.

داد گام بین المللی نظامی نور-برگ این تو طه را علیه بشریت ارزیابی نمود و هتلر قبلاً ضمن نقشه های توسعه طلبانه تصرف شوروی و کشورهای دور دست را منظور اصلی خویش تعیین نموده بود که در اوایل دول غربی، امریکا انگلستان و فرانسه در مقابل این سیاست ها اغماض می نمودند. نقشه فاشیست ها اول گرفتار کشورهای پوشتالی کو چک اورو-بای مرکزی و اروپای جنوبی شرقی و شمالی بود. بعد از وارد نمودن او لین ضربه از آن فرانسه و انگلستان حساب شده بود تا با توانایی هر چه تمامتر اتحاد شود.

در پیست و سه ژوین ۱۹۴۱ حمله به اتحاد شوروی آغاز گردید و آلمان ها آرزو داشتند بعد از جنگیات و انسان سوز های که رهتو شسه تجاوز ایشان بود هفت نوا مبر یعنی روز انقلاب اکتبر در مسکو به رژه بپردازند ولی موفق نشدند، زیرا مدافعان مسکو تا پای جان ایستادگی کردند. و شعار (همه چیز برای پیروزی) شعار مردم شوروی شده بود. قوای شو روی در سال ۱۹۴۱ با از دست دادن وسایل فنی جنگی لطفاً ورق بزنید



این اطفال در جنگ علیه نازی‌ها والدین شانرا از دست داده اند.



سربازان شوروی بعد از فتوح و پیروزی بر فاشیسم با خوشحالی زاید الوصفی یکدیگر را در آغوش گرفتند.

تهران، در پر تو پیروزی های شو-
روی در ارو پا در تهران دا یر گردید.
استالین در جواب پیشنهاد ات
روز ولت در پیام تاریخی زده اکتبر
وی نو شت (متا سفا نه من نمسی
توانم هیچیک از نقاط پیشنها دی را
بجای تهران بپذیرم درین مورد کار
مر بوط به حفاظت نیست زیرا این
مو ضوع مرا ناراحت نمی سازد.)
در ین کنفرانس که در خزان
۱۹۴۳ در تهران دایر گردید در باره
افتتاح جبهه دوم به توا فقی رسیدند
که در سال ۱۹۴۴ جبهه دوم در فرا-
نسه مفتوح شد.

نگاهی به چند جبهه جنگ در شوروی :

یک از تنس ششصد و شصت هزار
نفری به شهر استالینگراد حمله
نمودند. عملیات جنگی در اطراف
این شهر دو صد شبانه ادا مه
میافت و مساحت صد کیلو متر رادر
بر گرفت.

خانه پا ولف که پنجاه و هشت شبانه
نه روز مقا ومت قهر ما نا نه نمود از
جمله یادگارهای تاریخی و فرا-
موش نشد نیست. ششم ماه سپتمبر
۱۹۴۱ لنینگراد در حلقه محاصره
کامل قرار گرفت نهصد روز و شب
تمام از این شهر دفاع گردید ولی
تسلیم نشد. ششصد و چهل و یک هزار
نفر از قحطی مردند. در هجده ژوئیه
۱۹۴۳ حلقه محاصره شکاف برداشت
و در ژانویه سال ۱۹۴۴ حلقه محاصره
رایکلی درهم شکسته و ازین بردند.
و برای مردم جهان این پیروزی معما
بود، معمای که اصلا وجود نداشت
زیرا : این مردم بودند و شهری بزر-
رگ، شهر متفکر شهر مبارز یکی
بر قوای اشغالگر فاشیست برتری
حاصل نمود.

لنینگراد سی و هشت ملیا ر در و بل
خساره برداشته بود بر علاوه اینکه
هزارها نفر بخاطر دفاع اش جان
سپردند.

ماه سپتامبر ۱۹۴۲ استالینگراد
مورد حمله فاشیست ها قرار گرفت
تناسبا بین شوروی و آلمان در
شهر استالینگراد یک بر سه بود.
و شهری یکصد و چهل و سه روز جنگید ولی
تسلیم نا پذیر باقی ماند.

یک سرباز شو روی در نبرد
استالینگراد می نویسد :
بقیه در صفحه ۴۴

بطرف واکا عقب نشینی نموده و
لنینگراد در آتش محاصره مبارزه
می نمود.

جنگ تا در وازه های استالینگراد
دامنه دار شد و در ۹ نوامبر
۱۹۴۲ حمله متقا بل قوای شو روی
شروع و چهار روز بعد سربازان
هتلری در یک حمله گرا نیری بدم
افتادند. و جریان جنگ از بیخ
و بن تغییر کرد.

تا سال ۱۹۴۳ شوروی مبدل به
یک اردو گاه جنگی شده بود. سال
۱۹۴۴ به سال طرد کامل قوای
آلمان فاشیست از خاک شو روی
مبدل گردید. و بعد از این پیروزی
های چشمگیر شوروی در اخراج و
شکست نیروهای فاشیستی در
ژوئیه ۱۹۴۴ قوای امریکا انگلیس در
فرا نسه پیدا ده شده و جبهه دوم را
افتتاح نمودند.

سربازان ارتش پیروز مند سرخ
پس از بیرون راندن دشمن از خاک
شوروی به اجرای وظایف آزاد-
بخش خود یش در ارو پا پرداخت
و ملل لهستان، یوگوسلاویا، چکوا-
سلواکیا، بلغارستان، مجارستان و
رومانی را از یوغ فاشیسم آزاد
ساختند.

هشتم ماه مه آلمان فاشیست
تسلیم شد جشن نهم ماه می و جشن
پیروزی بر فاشیسم در سراسر
جهان تجلیل گردید.
کنفرانس تهران :

اتحاد شو روی بعد از سر راست
کردن در مقابل فاشیسم و بعد از
تعقیب فاشیست ها در اخراج از
شوروی و پیروزی های چشمگیری که به
همت سربازان سرخ نصیب اولین
کشور سو سیالیستی جهان شده
بود. در جریان جنگ خواهان
افتتاح جبهه دوم جنگ علیه فاش-
شیسم در شمال فرانسه بود ولی
این کار در سال ۱۹۴۲ عملی نشده و
سال ۱۹۴۳ نیز همینطور گذشت
تا اینکه مقامات کنفرانس وزیران
خارج اتحاد شو روی انگلستان
ایالات متحد امریکا در جریان بود
و مکاتیب بین استالین، روز ولت
و چرچیل تبادل میگردد تا کنفرانس
نس بین آن هادر مناطق پیشنهادی
طرفین دایر گردد و تصمیماتی در
مبارزه علیه فاشیسم اتخاذ گردد
که بعد از طی زمانی پیشنهاد استال-
لین مبنی بر تشکیل کنفرانس در

ارتجاع خیال برگشت مردم افغانستان را ازین راه در سر می پروراند ، کور خوانده اند چنانچه در مقدمه اعلامیه مذکور گفته می شود . «مردم افغانستان با انقلاب ملی ودموکراتیک نور ۱۳۵۷ راه نهایی خود را انتخاب و مسیر ایجاد یک جامعه نوین مبتنی بر اصول مساوات و عدالت و جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد را در پیش گرفتند جامعه نوین افغانی بر مبنای احترام عمیق و رعایت عنعنات ملی ، تاریخی ، فرهنگی و مذهبی خلق ما و بر پایه رعایت جدی اصول دین مقدس اسلام و آزادی مناسک مذهبی طوریکه قانون برای مسلمانان تعیین می نماید استوار خواهد بود...»

دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با اتکا به اراده خلل ناپذیر خلق افغانستان بصورت مصممانه از انقلاب نور دست آورد های انقلابی آن دفاع می کند ولی بصراحت اظهار می گردد که این همه آمل را با بوجود آمدن شرایط صلح و دوستی با همه کشور ها بخصوص کشور های همسایه و مسلمان خود ، بوجود آورد . روی همین ملحوظ بصورت مشخص و فور مو لبتی شده در اعلامیه در مورد حسن نیت خویش در قبال کشور برادر ایران چنین می گویند : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حکومت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می نماید تا برای طرح یک موافقت نامه مناسب بخاطر اکتشاف مناسبات دوستانه و همه جانبه همکاری بین جالبین میان دو کشور مذاکره آغاز گردد ...»

بقیه صفحه ۵

اعلامیه حکومت...

آنچه به عقیده جمهوری دموکراتیک افغانستان می توان از اتحاد شوروی و ایالات متحده ی امریکا نام برد ...

اینک باز هم یک آزمون تاریخی دیگر در برابر کلیه دولی که در تشنج اوضاع منطقه دخیل اند . یعنی هم آن کشور هاییکه با تحریک و تسلیح دیگران در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند و هم آن کشور هاییکه از خاک شان عناصر ضد انقلابی را صادر و به ماجرا جوئی و قتل و قتل و می دارند .

هنگامی که اعلامیه تذکر رفته است که : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام می دارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیرون شدن قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی از افغانستان نیز باید حل گردد ، قطع و تعیین اینکه تجاوزات نظامی و سایر اشکال مداخلات در امور داخلی افغانستان تکرار نشود و عواملی را از بین می برد که حکومت افغانستان را بر آن داشت تا از اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات متذکره را به قلمرو خود بعمل آورد...»

آری اگر به رویداد های دو ساله اخیر یعنی بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب شکو همند نور و بخصوص بعد از ۶ جدی ۵۸ بدقت نظر اندازی شود بخوبی درک خواهد شد که مردم افغانستان بدون اینکه در امور داخلی کدام کشور دیگر مداخله نماید و یا منافع خلق

با سرو صدای وسیع تر از قبل و با دروغ های شایع به تبلیغات سوء خویش ادامه دادند . امپریالیزم ترین گریودار پایه اصطلاح آبرا گل آلود ساختن و ماهی گرفتن پرداخت ، منطقه خلیج و بحر هند را بمثابة پایگاه های خود دانسته و در آنجا ها انواع اسلحه و مهمات را جابجا نموده و در اروپای مرکزی نیز سیاست ضد صلح و سوق اسلحه و جابجا سا ختن مرمی ها را عملی نمود و این موضوع باعث نگرانی های وسیع ممالک و محافل صلح جوی جهان گردید چنانچه در اعلامیه حکومت ج ۱۰۰ به این موضوع چنین اشاره شده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه در نگرانی سایر دول نسبت به افزایش موجودیت نظامی ایالات متحده در بحر هند و خلیج فارس شریک میباشد ، پیشنهاد های مربوط به تبدیل این منطقه را یک منطقه صلح و انحلال همه پایگاه های نظامی در آنجا حمایت نموده از تدابیری که غرض کاهش تشنج و استحکام امنیت آن اتخاذ می گردد پشتیبانی می نماید ...»

لذا اینک دولت انقلابی ما به پیش کشیدن اعلامیه ۲۴ نور ۵۹ یکبار دیگر به همه جهانیان افغان می دارد که اگر مداخلات و تحریکات ضد دولت و مردم و انقلاب افغانستان ختم گردد سوال موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی نیز حل

خواهد شد و به موجودیت آن ضرورت احساس نخواهد شد . این چلنج بسیار شریفانه و صلح خواهانه و صادقانه است ، هر گاه نیرو های امپریالیستی ، ارتجاعی و شوونیستی واقعا حرف و عمل شان فرق ندارد و از مو ضوعات صرف بهره برداری نمی نمایند به این خواست انسانی لبیک خواهند گفت .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان هم چنان مساعی سایر کشور ها را در راه تأمین امنیت و استقرار در منطقه مورد تأیید و تمجید قرار می دهد چنانچه در اخیر اعلامیه مذکور درین مورد چنین گفته شده است :

«... حکومت افغانستان مساعی سایر دولتها را به منظور آسان ساختن راه برای آغاز مذاکرات مودمند میداند . به این ارتباط حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ابتکاری را که توسط جمهوری کوبا در صلاحیت آن بحیث رئیس جنبش عدم تعهد بعمل آمده و هم چنان مساعی جمعیله ی آن - جمهوری را استقبال و حمایت می کند ...»

آری چون موضع دولت انقلابی ما موضوع صلح جویانه ، صادقانه و تشنج زدائی است توقع دارد که اعلامیه ی فوق با عمل متقابل و با اتمل مواجه گردد . ولی طوریکه در اعلامیه هم گفته شده است مردم و دولت افغانستان هرگز اجازه نمی دهد که محافل و عناصر ثبات بدون اشتراک خودش راجع به سر نوشت آن تصمیم اتخاذ نمایند .

بطور کلی اعلامیه ی تاریخی ۲۴ نور ۵۹ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بصورت

یک کل قدیمی است در راه تخفیف بحران و تشنج در منطقه و جهان و هم چنان ایسن اعلامیه صحت و سقم ادعا ها و تبلیغات محافل ارتجاعی و امپریالیستی را نیز برملا خواهد ساخت زیرا روحیه و متن این اعلامیه نشان می دهد که دولت افغانستان بصورت جدی طرفدار حل سیاسی و مسالمت آمیز کلیه مسائلی است که منطقه را تهدید می نماید .

افغانستان انقلابی و زعامت جدید آن یعنی زعامت انقلابی مرحله ی نوین انقلاب همانطوریکه در ساحه ی سیاست داخلی به همه قول های خود عمل نموده و وفادار می باشد در ساحه ی سیاست خارجی نیز عین موقف و ماهیت را دارا می باشد . دیگر آن حقیقتا الله امین جا موس که بدون دانستن استحقاق زمام امور دولت و حزب را بدست گرفته بود و نا جائیکه می توانست از دروغ و حيله و ریا و خیانت به عهد استفاده می نمود بگور نیستی سپرده شده است مردم ما هم ، سر بلند ، شجاعانه و با تواضع انقلابی به پیش می روند و هر خس و خاشاک را که جلو این پیشرفت را بگیرد مانند امین و سلطنت های فتودالی بگور نیستی می سپارد . امید جدی و قوی داریم که نیت صادقانه و صلح جویانه ی ما از جانب سایر کشور های مورد بحث ، بازتاب مساعد و صلح جویانه ییابد .

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، زنده باد مردم صلح جو و آزادخواه افغانستان

دکور په لارو کی

لنډ داستان

دلنگستن هیوز لیکنه

دلیکوال سره پېژندنه :

درو حانی رویا ژباړه

«کارل» له هغو کسانو څخه نه و چې تل نشه وي ، له دې کبله نه چې له شراب څخه یې ا خلا قسې ویره او ډار در لود بلکې ده ځان د ډیرو فکرو نو ځاوند با له ، چې ده ته یې خاص غرور او متانت ور - پېښلی و . ده ته به تل ویل کیده چې پلار یې شراب څښل . له همدې کبله ده نشه کول ناوړ کار با له . خو امکان لری چې د میلسمستیا په وخت کې یې ډیو گیلانس پیر څښل ناوړه کار نه با له . له دې کبله چې ده نه غوښتل په شراب څښو نکی مشهور شي نو هېڅ وخت یې شراب نه څښل .

«کارل» له خپلې مور سره ژمنه کړې چې دده ټاټوبي ونښه کارونه - څښی ، دی د خپلې مور یوازنی زوی و نو له همدې کبله د خپلې مور د ډیرو مهر با نیوتر سیوړی لاندې لوی شوی و . کارل دخپلې مور زینت زیات قدر در لود . خو له هغه کسانو سره چې له ده سره یې سمه و ضعه نه کوله دونه ښه راشنه در شنه نه کول او به دی ځا طر چې په «سا مرویل» کې یې چې دده ټاټوبي ونښه کار ونه - شوای موند لای نویوه بل ښار ته ستون شو او په هغه ځای کې په کار بوخت شو . هره میاشت به په هغه ریل کې چې په څلور بجو یې مخ په «سا مرویل» حرکت کاوه ، دی هم سور یده ، تر څو وکړای شي چې د یکشنبې ورځ هلته تیره کړي . ریل به هغه ځای ته رسا وه چې هلته یې کو چنیتوب تیر کړی و .

دی به هغه وخت ورسید چې دشنبې به تیاره وه . ددوی کلیوالی خوا په لکه شیدي او کورنی و چه ډوډی وه .

وروسته دشنبې له ډوډی څخه به که به داوړی وخت و دی او مور به یې دشنبې دشنبې لپاره به یې سودا - بوخت شول ، ښار ته به ورسیدل او دشنبې د شنبې لپاره به یې سودا - اخیستله ، او که به دژمی وخت و نو کله به د گاوند یو کورو ته ولاړل چې د مېو او به و څښی او کله به پخپل کور کې پاتې شول ځکه امکان یې درلود چې میلما نه ور کړه ورشي . د میلما کو ټی ته یې بوزی ، خبری وکړی او پخوا نی ډول ډول سندری دخپل زاړه گراما فون له لاری واوړی لنډه دا چې ددوی میلسمستیا گانې د خندا وړ او زړی وی او له هغو میلسمستیا گانو سره یې ډیر توپیر در لود کومو چې په ښاري توگه یې رواج درلود .

کارل له خپلې مور او ځان سره ژمنه کړې وه چې شراب و نه څښی

«لنگستن هیون» نوموتی تور پوستی شاعر او لیکوال دی . په کال ۱۹۰۲ کی زېږیدلی . کله چې ده دمنځنۍ تحصیلاتو وروستی کال ته دوام وړ - کاوه خپل لومړنی شعر یې یو ورځپاڼی ته وسپاره . څنگه چې ، دی پوهیده چې مور یې نشي کولای نور دده دلوست خرڅ برابر کړي ، نو دی ته اړ شو چې په کار کولو بوخت شي . «هیوز» شعرونه دتور پوستو دغمونو او خوښیو او ددوی دژوند دڅرنگوالي انځور دی . دی په خپلو آثارو کې زیاتره دتور پوستو او سپین پوستو تضاد څرگند وی . «هیوز» لنډ داستانونه ، څو سناریو گانې او هم دکوچنیانو دپاره داستانونه لیکلي دي . دده لنډ داستانونه په ۱۹۳۴ کال کې د «سپین پوستو تگلاره» نومی کتاب تر عنوان لاندې خپاره شول . «دکور په لاره کی» دده له ډیرو ښو آثارو څخه دی چې خاص هنري بنایست لري .

خو به هغه استثنایي ځا ښت کې چې دی دیوه شراب خر څو ونکی داوږده میز تر شا ولاړو په یوه عجیب لحن یې ور ته وویل : «یو بوتل شراب» . خر څو ونکی وویل : «څه ډول - شراب؟»

کارل دزیږو او اوږدو بو تلو نو کتار ته چې دالما ری په منځ کې وو گوته ونیوه او ویی ویل : «له دغو څخه» او گوته یې په زیږ و اوږدو بوتلونو ودریده . ده دشرا بو نومو نه هېڅکله نه وو زده . خر څو ونکی ور ته وویل :

«دا شراب خواږه دی» کارل غو - ښتل چې شراب واخلي او ډیر زړو - لاړشي نو ویی ویل : «همدا غواړم» .

خر څو ونکی د شرا بو بو تسل په کا غذ کې ونغاړه ، پا ټی شوی بیسی یې هم پیر ته ور کړی او بیا دیوه بل اخیستو نکی خوا ته روان شو . کارل بوتل واخیست او دباندي ووت . سره لدی چې غو ښتل یې به لږ وخت کې خپلې کو ټی ته ورسیدي گامو نه یې او چمت نه اخیستل .

دده زړه به ټو پو و چې شراب به څه وخت څښی ، دی ډیرو شرا بخایو نو څخه تیر شو ، خو زړه یې نه غو - ښتل هلته ننوزی ، ځکه چې هېڅکله یې دا سې لوبه نه وه کړې . لنډه دا چې خپلې کو ټی ته ورسید .

په هغه لویه او لر غو نی کو ټه کې هر هر څه تیاره او آرام وو . کله چې دکور له زینو څخه یې خپلې کو ټی ته گامو نه اخیستل ، په مخه کې یې هېڅوک نه وو ، دکو ټو ټول خاوندان خپلو کارو نو ته تللي وو . هغه ورځ سه شنبه وه ، او که هغه ورځ تلگرام نه وای ورته رسید لای ، چې مور یې ډیره نارو غه ده ، ښه به داوی چې خپل کور ته راشي ، نو دی به هم هرو مرو په خپل کار بوخت و . کارل پوهیده چې تر څلورو بجو پوری ریل حر کت نه کوی . اوس یوه بجه وه .

ده باید خپل ځان ډیر زر تیار کړي وای چې ولاړ شي . خو نن یې ناڅاپه شراب ته په عجیبه تو گه زړه شوی و ، ویل کیري چې نارینه د خپلو اعضا بو دآرا مو لو لپاره شراب څښی . په داستا نونو کې قهر مانان برا ندی څښی خو کارل براندی نه څښل .

دا شراب ښه او په زړه پوری ورته

ويلو پيل وکړي . به دې وخت کې يې
ناڅاپه دوره ټک ټک وورېد.

څه خبره ده ؟

داغې دکور دځا وټسېد و چي د
دهليز څخه اور پدل کيدو . نو بايد
ان له بنکته څخه يې دده غږ اور-
يد لي وي . «هيڅ محترمي دايره»
هيڅ! يوازي فکر کوم زړه مې

غواړي سندن زړي ووايم .

«بيا غليه اند رسن! ته دورځي به
دې وخت کې څه کوي؟»

«غواړم چي ولاړ شم او مور مې
وو ينم هغه»

«تا سو تر بلبلې څخه هم زيات
خو شا له يا ست فکر نه کوم»

کارل دکور دځا وټسېد و پټو غږ-
واوريد چي له زينو څخه بنکته شوه.

«هغه»

سر يې به څر خيدو پيل وکړ .
«مور مې»

يو وار ، سترگي يې سري شوي
د تش دوي خوا وي يې ونيوي چي

له هغه نه را وو زي . مست ، هوکي!
هغه مست و ، مست !

نور بيا

بايد به ريل کې ولاړ شي !

او او س يې غوښتل چي خپل
کور ته ولاړ شي ، مست شوي و .

په لږه را غلي زړه يې ورځيد . په
تشت کې اوږد پر يوت چي دمه يې
جوړه شې دده ټول ځان په تود اوږد
کې و . يوازي سر يې له او بوځه
وتلي و .

ده ته د اډول اوږد پر يوتل ښه
وو ، چوپ او آرام . دسه شنبې به

ورځ چي هر څوک به خپله اداره
کې په کار بوخت دي ، او دې چي کارل

اند ر سين دي ، چوپ او آرام د
تشت په تودو او بوکي زغيدلي .

شايد يوه ورځ له ورځو نه په هغو
لږو پيسو چي سا تلي يې دي دمور

ځاوند شي او نجو ني له ځا نه سره
وگر زوي . هغه هم به پسر ليسي

کي ... کله چي سره گلو نه دبسر لي
په وخت کې سندن زړي وا يې .

کارل ښه غږ در لود اوساخکي
غږ يې په خوږو شرابو ډک و ، سرو-

گلو نو ته به زړه پوري .
په تش کې ودر يد اود خوشالي

نه به ډک او لوړ غږ يې به سندن زړي

نه وه دابه ښه وه چي اصلا قسې
کميستو نه يسي هم
را ايستلي وای . امکان يې در لود
چي دمور نارو غتيا يې ډيره وږده
شي او دې اې وي چي يوه يا څو
او وني هلته پا تي شي . اوشايد
دابه ښه وي چي تياره کميستو نه
را واخلي ځکه امکان يې در لود مور

يې .
دا سي و لکه چي به خپته يې سول

وعل شوي وي . يو نڅا څا يې غم
او اند پيښي يې ټول ځان نيولي و .

پدا سي حال کې چي لې زیده په کت
کينا ست . له ځانه سره به يې خبري

کولي «په سده شه ، سم شه سپريه»
په ستي تيا سره يې به هنداره کې

خپلي څيري ته وکتل او مو سکسي
غوندي شو . «سم شه سپريه»

بيا يې هم گيلاس ډک کې او په
يوه دمه يې به سر واې او . وروسته

بيا ودر يد . ور ديد او ځان يې
داسي حسن کې چي گني اوږد شوي

دي ، داسي فکر کاوه چي گني سري
پيشتول او چت رسيد لي دي .

ورو سته ناڅا په هنداره ري ته څير
شو اوداسي به سندر و بلو پيل

وکړي:
په پسر لي کې ، سره گلو نه

په پسر لي کې ، په سندر و بلو
پيل کوي .

سره گلو نه ، په پسر لي کې
په سندر و بلو پيل کوي

کالي يې را واخيستل اود حمام
کالي يې وا غو ستل . په پام پام

يې بوتل وچ کې له کو تي څخه ووت
او حمام ته ننوت تر او سه يې هم

سندري ويلي تشت يې له او بو ډک
کې او په منځکسي يسي

کينا ست . د تشت او به هم لکه شراب
غوندي تا ودي وي . په زړه پوري

حالت يې احساس کې . د پيسوي
چمنيزي او تياري شپي په ياد شو

چي دکور دجو يلي به يوه گو ښه
کې له يوي نچلي سره زېره خپره يې

در لوده لوبه کوله ، مور يسي
راغله او دوي يې سره جلا کړل او

کو چني نچلي يې کور ته روانه کړه .
له دې کبله چي له ښي کور ني

څخه نه وه .
کارل په تشت کې سم کينا ست اود

تشت او به يې له غږ سره سم به
خپله شا او سرا چو لي : زه مست

يم ؟ څه شوي ؟ څه بلا درباندي
راغلي ؟ د خپلي مور په هکله داسي

فکر کوي ؟ شايد هغه مې ، مې ...
گوره ؟ غوړ و نيسه په څلو روږجو

ښکار پدل . کارل مخکښي له دې چي
ان خپله خولي په کوټ وڅپوي د-
شراب بوتل يې له کا غږ څخه راو-
ايسټ او سر پو ښي خلاص کړ .
دميز له سره يې گيلاس وروا خيست
او تردريمي حصي پوري يې له شراب-
بو څخه ډک کړ . دې په دې کو ښښي

کې و چي دا سوچ چي مور يې مړه
کېږي له ما غزو څخه ليري کړي .

شراب يې وڅښل او په هيله هيله
يې وويل : «نه ، هيله کوم !» په کټ

کينا ست چي دمه يې په ځای شي .
سا يې هيڅکله دا سي بنده بنده

نه کيده . په ټنډه يې خو لي ورماتي
وي ، کړ تي او کميست يې له ځا نه

وايستل او ځان يې دي ته چمتو کاوه
چي خپل مخ پري و ينځي .

«خو ته ، لومړي بايد بو څخه وټري»
وروسته نا څا په ورپه ياد شول

چي خپلي مور ته يې تحفه نه ده
اخيستي .

ددې سوچ په نيما يې کې و چي د
يوه بل شي په فکر کې شو ، هغه

داچي هغه ورځ دشنبې ورځ نه وه له هغو
ورځو څخه چي هره ميا شت پوځلي

خپل کور ته روا نیده . هغه ورځ
سه شنبه وه ، هغه نا څا يې تلگرام

چي ورته رسيد لي و دده د ژوند
توازن يې گډ وکړي و ، هغه تلگرام

چي به هغه کې ليکل شوي وو «مور
دي ډيره نارو غده ډير زر کور ته

را شه .»
«راسيتره» چي دوړکتوب له وخته

ددوي گاو نهې و . ده ته يې هيڅکله
ناوړه خبر نه ور کاوه ، نوموړي يې

بايد به رښتيا سره ډيره ناروغه وي
بايد دا فکر ونه کړي چي هغه ته

تحفه راو نيسي . الماري ته نه دي
شو چي بو څخه راواخلي ، خو لاسو

ته يې هيڅ کارونه کړ . زېرو شرابو
په اوږده بو تل کې دمیز په سر دي

ځان ته رابا له ، کارل هم ور نږ دي و
تاوده او خواږه شراب ؟!

بل هيڅوک په کو ته کې نه وو ،
اصلا به کور کې هيڅوک نه ليدل کيدل

ښايي يوازي دکور ځا وټسېد به په هغه
ځای کې وه ، به دي ښار کې هيچا

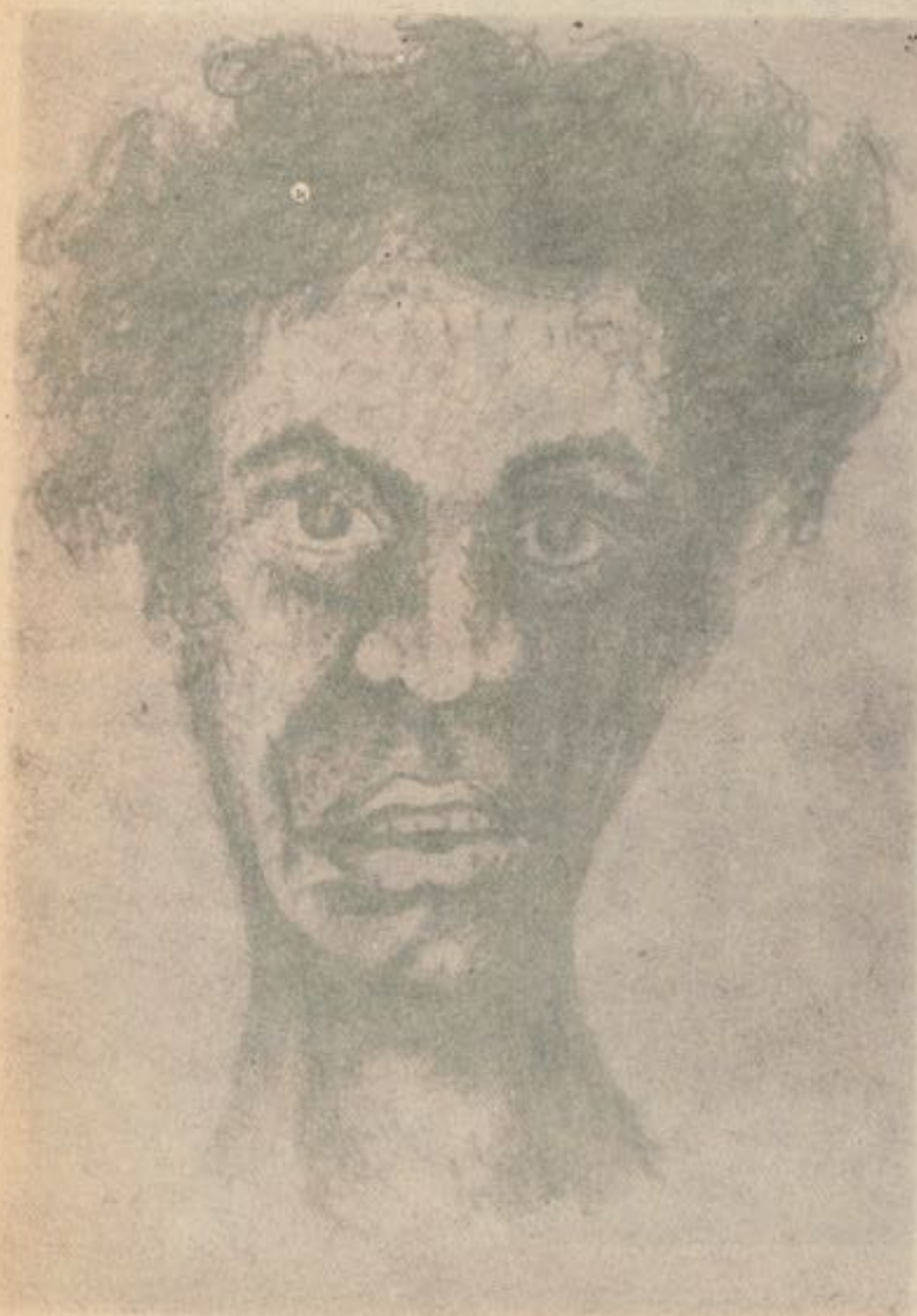
له ده سره خبري اتري نه وي کړي .
کارل بيا هم خپل گيلاس له

شرابو څخه ډک کړ ، او ويې څښه
وروسته يې د الماري روک کش کړ

اود زېري خريپلو لوازم يې واخيستل
او په کټ يې کيښودل . له بل روک

څخه يې دوه کميستو نه راوايستل
«دري يا څلور کميستو نه به ښه

وي» هغه ورځ داو وني وروستې ورځ



زنان کشور شایسته گی خویش را در جامعه و
فاعیل بسدست آورند باید مبارزه دنیوار و
طولانی را در پیش گیرند روی چنین ضرورتی
سازمان ایجاد و به اهمیت وظایف سنگین و
مسئولیت های تاریخی جدا توجه نمود روی
این ملحوظ سازمان در برابر خود و در برابر
زنان آگاه کشور د و و طبقه
و در مسوولیت مهم را چه در عرصه
مبارزات صنفی و چه در عرصه مبارزات سیاسی
فرار داد چنانچه در کنفرانس ناز یکی هشتم
مارچ مطابق ۱۷ حوت ۱۳۳۷ مرام ساز میان
و مدتی بعد اسبانه سازمان اعلام گردید *

خوب نتیجه جان برای معلومات بیشتر اگر
درباره مرام یا اهداف سازمان دمو کراتیک
زنان افغانستان روشنی اندازید ممنون میشوم.
در پاسخ باید گفت:

هدف یا مرام و هائی بخش سازمان ما مدتها
این مطالب را در بر میگیرد.

- تامین حقوق مساوی زنان در تمام عرصه
ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، مدنی، سیاسی
و فرهنگی و احترام مقام زن در کار و جامعه.
- تامین حق کار زنان بدون قید و شرط و با
دستمرد مساوی با مردان در برابر کار مساوی
و اشتغال در تمام امور و حرفه ها *

- امحای بیسوادی و تامین حق مساوی تعلیم
و تحصیل تمام زنان *

رهایی زن از قید عادات خرافاتی، تعصبات
طالمانه و رسوم ضد کرامت انسانی تامین حقوق
زن در امر ازدواج مالکیت و اطفال ایجاد شرایط
مستون اجتماعی برای تشکیل خسا نواده

مطابق رضایت واقعی زن و مرد و مساوی زن
علیه ازدواج اجباری بکرا از اهداف دیگر سازمان
است *



زنان آزاده ما این

مشعل داران راه آزادی

سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان در بدو
تأسیس خود تشخیص داده بود که برای اینکه

در جامعه و هم در قاعیل متحمل محرومیت های
فراوان می گردیدند *

گفت و شنودی بانجیبه هوتکی عضو هیات
رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان
لطفاً درباره تاریخچه سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان معلومات ارائه نمایند.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که
نخستین سازمان متشکل و نیرومند زنان در
تاریخ کشور است * همزمان با تأسیس
حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان در
۱۹۶۵ توسط دوکتورس اناهینا واثیب زاد
شخصیت مبارز و انقلابی پایه گذاری شد و
مبارزات رهائی بخش خود را برای اولین بار
در چوکات یک سازمان اصولی و متشکل نمود
فی آغاز نمود *

سازمان ما علی الرغم مشکلات و دشواری
های فراوان که ناشی از نظام فئودالی
در کشور بود توانست مبارزات آگاهانه و وطن
پرستانه زنان را بخاطر تامین حقوق و آزادی های
دمو کراتیک در مسیر اصولی رهبری کند و در
پیکار ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی در پیروی
حزب دموکراتیک خلق دلیرانه اشتراک فعال داشته
باشد *

سازمان مادر ملی پانزده سال موجود است خود
همواره برای ارتقای شعور اجتماعی و سیاسی
تقش بزرگی را ایفا نموده است *

این یک مطلب روشن است که:
زنان کشور ما عملاً از حقوق سیاسی اجتماعی
اقتصادی و فرهنگی خویش محروم بودند هم



زنان شجاع و مبارزانه گذشته چون دژ استوار در برابر دشمنان رنگا رنگ استواری و مقاومت را از دست نداده و با هوشیاری به مبارزه
نوده بی ادانه قیادتند *



نجیبه هوتکی عضو هیات رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

همچنان تأمین حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک مثلاً حق انتخاب کردن و انتخاب شدن آزادی بیان شرکت در احزاب، اجتماعات، حمایت کسودک در برابر ظلم و استثمار و کار اجباری و مبارزه جدی علیه امپریالیزم ملنارلیزم و فاشیسم و پستیپانی و همدردی از زنان ملل مستعبد که برای آزادی و استقلال میروند از جمله اهداف اساسی این سازمان بشمار میرود.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان وظیفه خود می داند که از یکسو وظایف صنفی و سیاسی خویش را به سویه ملی انجام دهد و از سوی دیگر علیه جنگ، تجاوز تحریکات امپریالیستی مبارزه کند و از لیبست های وهانی بخشی در سراسر جهان واز میا زرات سازمان های مترقی زنان و زنان ترقیخواه جهان بخاطر صلح، آزادی، دموکراسی پشتیبانی نموده و هر گونه پلانیهای شوم امپریالیزم را خنثی سازد.

آیا سازمان دموکراتیک زنان با فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان ارتباط دارد؟

بالبته که سازمان ما با فدراسیون بین المللی زنان ارتباط دارد.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان سه سال قبل توسط فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برسمیت شناخته شده بود و فعلاً عضو فعال فدراسیون می باشد واز پشتیبانی و کمک فدراسیون و دیگر سازمانهای دموکراتیک و مترقی بر خوردار می باشد.

تا به حال هیئت نمایندگی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در اثر دعوت سازمان های اتحاد شوروی به آن کشور ها مسافرت کرده اند دموکراتیک زنان کوبا، آلمان دموکراتیک و چند سازمان دیگر نیز از نماینده های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان دعوت بعمل آورده اند.

مشکلاتی که پیش از انقلاب شکوهمند نور بان رویه رو بودید چه بود؟

سواضح است که شرایط پیش از انقلاب نور شرایط سیاه استبدادی بود و اصلاً تا قبل از انقلاب نور هیچ قانون دموکراتیک و مترقی در جهت بهبود بخشیدن وضع رفیقار زنان کشور در معرض اجرا قرار نگرفته بود و سلطنت های مطلقه ارتجاعی افغانستان روز به روز عرصه

و عضویت سازمان به اساسی خواست داد و طلبانه تمام زنان افغانستان اسم از زنان کارگر دهقان، پیشه ور و روشنفکر و زنان خانه صرف نظرات تفاوت های نژادی قومی، قبیله ای مذهبی و نظریات سیاسی میباشند.

و هر تبعه زن افغانستان که سن ۱۶ را تکمیل کرده باشند و مراعاته سازمان را قبول و در راه تطبیق آن بکوشد حق عضویت بپردازد می تواند عضو سازمان شود.

در دوره ترور و اختناق امین جلاد چگونه فعالیت داشتید؟

بوجود یکه قبلاً تذکر دادم باز هم میگویم که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در طی پانزده سال حیات خود با قبول فدا کاریها بر شد دشمنان داخلی و امپریالیزم سنگریه سنگر به پیلوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیکار قهرمانانه ادامه داده است.

با وجود اختناق دوره سیاه امین و مشکلات گو ناگون که باید تپیکارش در برابر ما ایجاد کرده بود سازمان لحظه ای از مشی اصولی و بر حق خود انحراف نکرد و فعالیتهای خود را



سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این گردان پیش آهنگ ولجات بخشی زنان در افغانستان

تسلط رسوم و عادات خرافی قرون وسطایی که عملاً زن را در جامعه مایه و در بند زنجیر اسارت قرار میداد باعث شد تا زنان را از نهضت و مبارزات آزادیخواهی شان دور نگه دارند ولی با وجود این همه موانع و دشواریها سازمان زنان با قدرت رزمندگی و سازماندهی که داشت قادر شد که یکنمدا قابل ملاحظه زنان را که در تحت شرایط فئودالی قرار داشتند متحیت اعضای وفادار خود جمع کند و در یک صف فشرده و آهنین و با استواری و ایمان راسخ به مبارزه بصورت یک پارچه و متشکل درجهت مبارزات اقتصادی و سیاسی و حتی اید لوژیک سمت دهد.

لطفاً بگوئید که شرایط عضویت در سازمان به چه اساس است؟

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان یک سازمان ملی دموکراتیک و توده ای زنان افغانیستان است.

گسترده تر و وسیعتر در میان اقشار مختلف زنان روشنفکران، کارگران، دهقانان، بسط و توسعه داد و مسیر مبارزه را بصورت اصولی تعقیب نمود و زمانی که مشی خائنه و انحرافی امین آدمکش احساس شد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با هوشتیاری انقلابی ای که داشت مبارزات سازمان را شکل مخفی بخشید و با استفاده از امکانات و شرایط متنوع مخفی فعالیتهای انقلابی را تنظیم کرد و موضع گیری نامعانه و اصولی را در برابر مشی فاشستی امین اتخاذ کرد و مبارزه جدی تر علیه باند آغاز نمود و قهرمانی چشمگیری از خود نشان داد.

هر عضو سازمان در پیشبرد کار و فعالیت انقلابی و وظایف که برایش تعیین میشود ابتکارات و دلاوری ها می از خود بخرج می داد و کار انقلابی را موفقانه بانجام میرساند با افتخار تمام میتوانم اظهار کنم که با همه ظلم و ستم ها و وحشیگری ها شکنجه دادنها و حتی قتل گروه گستر و از جوانان انقلابی این فرزندان قهرمان وطن این دلیر مردان تاریخ کشور که نام شان زنده و جاویدان است و شجاعت شان در خاطره ها باقیست.

اتضای دلیر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان چه در زندان و چه در بیرون از زندان لحظه ای از پیکار انقلابی و اجرای وظایف دست نکشیدند و با غرور و قاطعیت و جسارت بی امان مبارزه را تا سرحد پیروزی و سرنوشتی امین جلاد

پیش بردند.

کدام گفتنی اگر به زنان کشور داشته باشید؟

در اخیر از تمام زنان شرافتمند و مادران قهرمان وطن دعوت بعمل می آوریم که در گرد سا زمان دموکراتیک زنان افغانستان این یگانه سازمان با تقوا و رزمنده حلقه زنند و بصورت یک مشنت و یک پارچه در صف متحد با حزب د خ ۱۰ علیه دشمنان جنایتکار علیه بانید های آدمکش و دشمنان صلح و آرامش مبارزه نموده و در راه تطبیق دستاورد های مرحله نویسن انقلاب نور در راه تأمین نظم و آرامش و ترقی جامعه سعی لازم را بخرج دهند.



گرچه ظلم و استبداد سلطنتی به اوجش رسیده بود مگر در غم و اراده خلل نا پذیر زنان قهرمان مانا لیر نمیکرد



عشق و امید

در جهان عشق معنی باطل الکار نیست
در مقام جلوه حق پرده پندار نیست
(آفتاب آمد دلیل آفتاب) عشق مسا
کارما را اگر دلیلی هست غیر از کار نیست
حق نمایانست چون مه در میان اختران
معنی روشن اسیر صورت الکار نیست
سینه های خلقها آینه کردار هاست
هیچ تصویر دگر گویا تر از کردار نیست
کوه و کوهل می تراشد وهم مادر راه ما
عشق ما خام است یاران راه ناهموار نیست

بی جهت از لیلی مطلوب دور افتاده ام
ورقه صحرای گریبانرا درو دیوار نیست
ساده لوحان ایمنند از دام لیرنگ زمان
چون صفای خلوت آینه را اغیار نیست
از کلورت با خیال خویش گردی روبرو
آلچه را بیگانه پنداری بجز رنگار نیست
می خورد خار و گل اینباغ از پاشیده آب
در گلستان معانی فرق نور و تاری نیست
بی امید عشق هر کاریکه باشد مشکل است
یادما اگر عشق گردد کار ما دشوار نیست
حیدری نجشیری



ملچین میلانی

نیکویی

راه

چهارا مراسر لوسلی و یاد
به تولیست مرد خردمند شاه
به کردار های تو چون بشگرم
فسوس است و بازی نماید بزم
خنک آنکه زو نیکویی یادگار
بمالد اگر بنده گر شهریار

راه است و پای خسته من، کنش تنگ من
چاه است و چاله، یخ و خم و نام و تنگ من
کوه است و دره، جنگل آلوده و سنگ و گل
دندان شیر و مرکب و تپش های درد دل
دلجاست و نا امیدی و میخ است و خار و لیش
میراندم به پیش، که میراندم به پیش؟
این هستی من است و نمیدانم از کجا است
از کجاست؟ بهر چیست؟ چنین پرخطر چراست؟
این چیست در دل من؟ میر است یا نیاز؟
پس آرزو؟ یا تشنه انگشت چسبک راز؟
دل چیست؟ از برای که این جوش و این خروش؟
این چیست و خیز دمدم موج سرخ پوش؟
در دره های مغز من این رود های مسار
سوی کسب آمدن در یا هستند ر همپا؟

صفحه ۲۸

در نیکی

بیاتاج جهان را به بد نسپریم
به کوششش همه دست نیکی بریم

نباشد همی نیک و بد پایدار

همان به که نیکی بود یادگار

به پاداش نیکی بیایی بهشت

خنک آن که جز تخم نیکی نکشت

فردوسی

راستی

نیستی به جز راستی پیشه ام
بکزی لباید خود اندیشه ام
به گیتی به از راستی پیشه نیست
ز گزی بترهچ اندیشه نیست

چه دانی

به هر جایکه یار درویش باشی
همی راد بر مردم خویش باشی
بین لبک نادوستدار تو کیست
خردمند و اندوه گسار تو کیست
پیش و یارای و لردا مگوی
چه دانی که فردا چه آید بروی

ژولنون

کاشکی باغوان وای

کاشکی باغوان وی لو بید لم به له کلو سره
 وم به فطرت سره ملگری خیال دینکلو سره
 ښکلی مخو نه به می ښکل وه له نسیم سره گم
 مستو نشو کی لمبید لم به له ملو سره
 یابه می غین کی ټینگو له د فطرت ناو کس
 یابه ترلی دام دزلفو کی کا کلو سره
 کله چی پیغلو اینمو دل دعقیدت کلو نه
 تلم به مزار دشپیدا نو ته ستنوس سره
 ډکه زولی به می دگلو او غنچ سووروپه
 یوالهزار به به مزار وه خما تللو سره
 دتورو زلفو به ټالو نو کی دگلوامیر
 له لونکین سره به گپوم له اور بلو سره
 کاشکی باغوان وای چی د گلوغار کی سره
 دتور اور بل دپا سه خو ښ به ومزا نکلو سره
 له عند لیب سره به گم دسوز ساز به نغو
 راز او نیاز به می همیشی وه له بلبلو سره
 وم به او لس سره ملگری دخیل شعر په ژبه
 خکه او لس ته خد مت کیږی ښولیکلو سره
 شیر زی دا خو ټکی ویلی دباغوان له ژبی
 دده به هیلی پکښی و مو می کلو سره



سره یودی

امیر یالیزم وشیو ولیزم سره یودی
 صبیونیزم او شاتیزم سره یودی
 ماکیاولیزم وریو ولیزم سره یودی
 انار شیزم و ترور یزم سره یودی
 دوکتور زیار

شبگرد

يك شب تاریك و عالم در سكوت
 كوره باریك بود و كس نبود
 مه نبود اندیشه بودو جام بود
 شیشه بود و من بدم او هام بود
 دیدم از ظلمت سرا ی دور نور
 چهره خود می نمود اما چه سود
 تارسیدم پای گور نا شنا سر
 شمع او خاموش مردی مرده بود
 نعش بیجان مجا ور سرد بود
 حیف گفتم خود به ره گشتم روان
 تاشفق شد صبح سیمین تن دمید
 پای شبگردی لب ساحل رسید
 پرنیان شن بودو بحر آرام بود
 من بدم اندیشه بود و جام بود

خوشه چین

نامه وداع

پرسان پرسان رسیدم از راه
 پیدا کردم نشان او را
 بشردم ذنگ ودر گشودند
 گفتم گویش آید اینجا
 دیدم گامد زخانه بیرون
 سنگین سنگین و سر فکنده
 ترسان ، چون کونک گشتگار
 لرزان ، چون آهوی رمنده
 آمد رویش ز شرم گلگون
 لب های رنگت و سرد و خاموش
 چشمان تیدار و پوزش انگیز
 زلفان آشفته بر بنا گوش
 سپردم نامه را بدستش
 گفتم با طعنه ای دل آزار
 بستان ! این نامه و داغ است
 رفتم ، رفتم ، خدا نگهدار .



شعر سپیده

پایك بهار ، رویش گلپای رحمتی
 یامن بمان كه پر زخ دلپای غربتی
 من در کنار پنجره تفسیر کرده ام
 این قصه را كه آیت زیبای جنتی .
 در جلگه های خرم این فصل نوبهار
 شعر سپیده ای وز باغ فراغت .
 در حچم های كوچك فردای خاطرم
 حقا كه بی تشاله ترین مرز ساحتی .
 من در پناه غریت شبها نشسته ام
 تو باطنین روز ، ز دین كوب راحتی
 تو چون تگین ناب به انگشتر نگاه
 در هر كجای شهر چه فرخنده آیتی .
 بشیر سخاورد

شفق رادر دفتر کارش ملاقات میکنم و با او به گفت و شنود صمیمانه پی پیرامون امور سینما می میرد ازم که بیشتر به جدل میماند و رد و بدل اندیشه و نظر ما در باره هنر هفتم - باتوجه به نظرات خاصی که او در این زمینه دارد حاصل این نشست چندساعته رابه صورت مصاحبه گونه ای فشرده و مقداری پیرایه بندی قلمی که خواه نخواه سایه انداز صمیمیت و ساده گوئی میگردد که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش میاورم تاجه در نظر خواهی از شفق در باره هنر سینما آغاز میگردد.

شفق جان ! باتوجه به امکانات وسیعی که سینما در بازار آفرینی یعنی واقعیت ها و اثرگذاری در اندیشه بیننده و القای مفاهیم دارد از سوی دیگر با قبول این نظر که این هنر به خاطر ارزشترین بودنش در میان وسایل گونه گونه تفریحی بیشترین گروه های مردم رابه سالون های نمایش میکشاند هر روز ساحه مطالعه و تحقیق نیز پیرامون اثرات روانی و اجتماعی آن روی بیننده گسترده تر میگردد و نظرات تازه پی در ابعاد مختلف آن ارائه میگردد که هر یک طرفداران و مخالفانی دارد .

به صورت عموم امروز میتوان مجموعه این نظرات رادر دو بخش فشرده ساخت ، نخست اینکه سینما باید نقش آموزشی داشته باشد و با استفاده از امکانات فنی و کار پردو وسیع خود در پروراندن یک قصه مسیر اندیشه تماشاگر را در یک جهت خاص اخلاقی رهنمون گردد و دیگر



این چهره ها و اعمال خلاف اخلاق اجتماعی مسأله ای است که باز مانند شرایط نابسمان گذشته به خوبی دولتم جنتیکاران مورد بررسی قرار میگیرد.

سلسله مصاحبه های اختصاصی ژ و ندون با هنرمندان گفتگویی باتور یالی شفق دایرگتر پرودیو سر سینما

از آفرینندگی و خلاقیت و بی هدفی



تور یالی شفق کارگردان فیلم جنتیکاران

آشنا شو یم

تور یالی شفق بعد از آنکه تحصیلاتش را در رشته امور سینمایی در کشور هند پیا پیان رسانید ، عملاً وارد کار سینما شد و نخستین تجربه هایش را در این زمینه با مو نتاز (پیوند) فلم و کمک کارگردانی ساخته های افغان فلم به آغاز گرفت .

روز های دشوار نخستین پرو دکشن هنری بود که وی کمک دایرگتنش آنرا عهده دار بود و بعد از آن با کارگردانی دو فلم هنری مجسمه ها می خندند و غلام عشق مستقل به پیاده ساختن تجربه های هنری خود در زمینه تولید فلم پرداخت .

شفق اکنون صا حب امتیاز و مسوول شفق فلم است که اولین محصول هنری آن جنتیکاران به کارگردانی خودش به زودی روی اکران خواهد آمد .

وی سه دو سال دا رد و دو بار ازدواج کرده است .

* اگرچه مردانگان امور سینمایی کمالاتگرده سینمای ملی ورشکست میشود .
* وقتی سینما گر روشنگر نتواند اندیشه های مترقی دوران خود را در قالبهای ساده بیفکند به خاطر سرگریز از قیچی سا نسور به افاده تصویر ی سمبولیک میسر دا زدوحر فشن رامیکو ید .

سنگل که اراده باید باید خصوصیت باز آفرینی و بازتابی خود را از واقعیت ها از دست ندهد بگونه ای که تماشای ربه افکر در باره زندگی و ادراک به او کمک کند که بازیدن معلول ها در پی علت باشد . به او بیاموزاند که زندگی حرکت در ساحت پندار ها ، خواست ها و امیال او خلاصه نمیگردد . سینما باید بتواند تماشای را از سطح به عمق بکشاند و احساسات او را برانگیزاند . عاطفه های انسانی را با هم گره زند و میان اندام ها درجه جا پیوند برقرار کند . با چنین معیار هایی است که من به تعیین خوب ها و بد ها می نمایم . میسر دازم و در پیلوی همه این کلامه آفرینش هنری در کار سینما ارزش فراوان فایده چنانکه اگر آفرینش و خلایق در سینما مطرح نباشد آنرا در حد یک ابتذال میدانم و نه یک اثر هنری .

من فکر میکنم نمیتوان هر خلایقی را در هنر به تأیید گرفت . ممکن است یک آفرینش هنری با همه زیبایی که دارد در اصل از فلسفه دفاع کند که در آن منافع انسانی در نظر گرفته نشده باشد و یا از خلایق دفاع کند که چار و گرانه به جان اکثریتی بزرگ افتاده باشند و یا واقعیت های عینی زندگی اجتماعی را مسخ کنند و مانند این ها . شما در این مورد چگونه آفرینش را در هنر به تأیید می گیرید ؟

گفته بیشترم را یکبار دیگر تأکید میکنم اگر سینما واقعاً بازتابی باشد از عینیت های جامعه ، خود به خود گرگ ، گرگ تصویر میگرد و بره ، بره حرف شمارا قبول دارم اما در بره ای که خود سینما و یا هنر از مسیر اصلی خود منحرف گردد ، من آفرینش های را قبول دارم که از درون جامعه از روابط انسانی با هم ، از شرایط و ضوابط حاکم و موجود در درون آن جامعه مایه گرفته باشند و نه از وهم گرای و خیال پروازی های لطفاً ورق بزنید

محمدجان گورن یکی از ورزیده ترین بازیگران و هنر پیشه گان سینمای ملی افغانستان است که بدون شک خواهد توانست بایکگیری خود موقف یک هنر پیشه ای جهانی را احراز کند

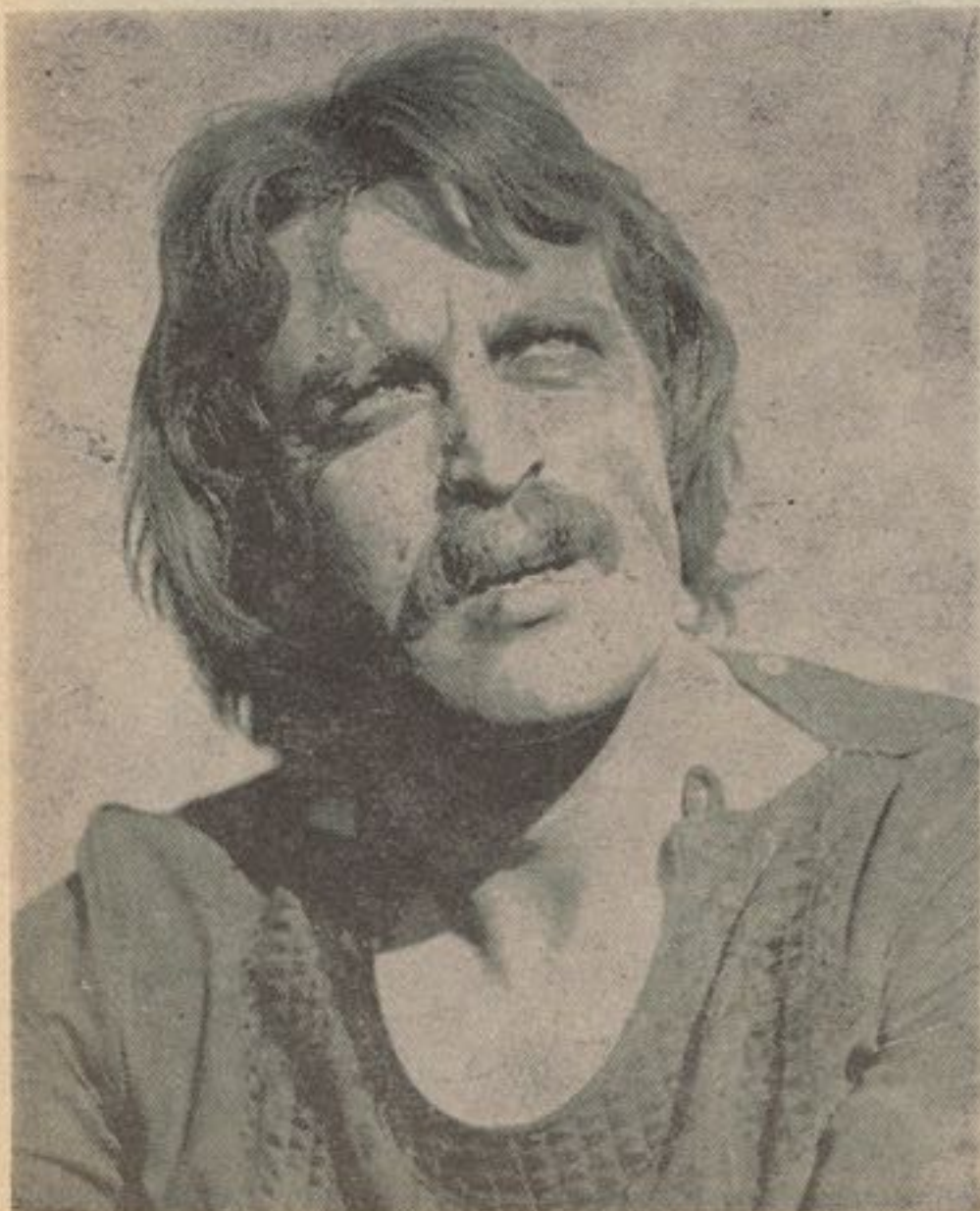
چو کات خاصی اخلاقی ، بلکه در یک پهنای وسیع اجتماعی مطرح باشد ، سینما بهر صورت و بهر غیر واقع

الایت تاد نبال رویی

در سینما

* اگر هنر هفتم باز تا بسی از واقعیت های عینی جا معه با شدم باید گرگ در آن گرگ تصویر گردد و بره ، بره هر سازندگی و خلاقی را در سینما و هنر نمیتوان به تأیید گرفت . باید دید که این آفرینش چه را می خواهد بگوید و چه رانگی می کند .

اینکه هنر هفتم نیز مانند هر هنر دیگری باز تاب باشد از واقعیت های درونی و عینی جامعه که در آن بابرش های قطعاتی از زندگی عادی و روزانه بیننده به عمق مسائل و حوادث کشیده شود که هر روز به نحوی با آن سروکار دارد . اما در این نشاندن هر حرکت تعیین گر نباشد . اندرز ندهد خوب ها و بد ها را با موازین خاص اخلاقی که سینما گریه آن اعتقاد دارد به خورد مردم نهد و بگذارد که تماشاگر خود به تفکر کشیده شود و در این نوع دوم ، هنر بیشتر به خاطر هنر مطرح باشد تا به خاطر آموزش دهنی . باید آوری این نکته که طرفداران چنین سینمای



ابراهیم طقیان در یک نقش مثالی فیلم چنانکاران ظاهر می گردد

سواد عادی نوشت وخوان را هم ندارند آنها چگونه میتوانند در یک فلم زبان سمبول ها را بفهمند ؟ آنها در ک کنند واز طریق آن به افشاگری سینما گر در زمینه واقعیت های ناهنجار جامعه برسند ؟

حرف شما کاملا درست است ، اما اگر سمبول ها پیچیده نباشند و پیوند تصویری هنرمندانه باشد به گونه ای که سمبول مورد نظر بتواند ارتباط منطقی تصویری خود را با تصاویر قبلی و بعدی فلم حفظ کند در واقع گره سمبول را خود فلم باز میکند و ما هم رابه تماشاگر می رساند .

شما میتوانید بیک نمونه از این گونه ابداع درآرانه سمبول های تصویری در ساخته های سینمای خود اشاره کنید ؟

من مثالی از فلم «جنایتکاران» میاورم که به زودی روی اکران خواهد آمد، در این فلم دختری جوان ربوده میشود نامورد تجاوز قرار گیرد. نشات های بعدی مادر این دختر رادر حال کالای شوی نشان میدهد مادر بعدا تفراره را که آتش کثیف شد سرازیر میکند. کمره دوش این آپ را تاجوی آپ پاک روان تعقیب میکند و پس و ن و ن فاصله در نسای بعدی دختر به چشم تماشاگر کشیده میشود که مورد تجاوز است . خوب این صحنه - صحنه روش آپ های چنل در آپ پاک و تاکید تصویری که روی آن میشود یک سمبول است که نشان میدهد چگونه ندانم کاری ها کثافت ها را مجال آمیختگی بایک هاو ناپاک ساختن آنها میدهد و پیوند تصویری فلم نیز به بیننده کمک میکند که منظور سازنده و تصویر گر رادر بابد و یا او را به فکر درباره کثافت سازی ها وادارد .

آقای شفق به اجازه شما میپردازم به موضوع تپ سازی در سینما بایاد آوری این نکته که تپ سازی موفق درواقع به تماشاگر سینما موقع میدهد تا او به اصل ندای ذ هنر برسد و نمونه های فراوانی را از تپ مورد نظر ارائه شده در سینما در زندگی روزانه خود بیاد آورد، آنها را بشناسد، باخو صیات روانی و عاطفی شان آشنا گردد ، شیوه فکری شان رادر بابد ، انگیزه های اعمال شان را بداند و ضعف ها و توانایی های شان را به بررسی گیرد من می خواهم ادعا کنم که سینمای ما تاکنون نتوانسته است تپ های زنده یی را ارائه دهد، شما این نقیسه را چگونه تو ضیح می کنید؟

محترم راضع، من نظرت رادر نمی گتم، اما توهم نباید فراموش کنی که مادر پرودیسوس های سینمایی با مشکلات و دشواری های فراوانی روبرو هستیم که مانع تهیه کار های خوب و بی عیب میگردد کمبود وسایل فنی، کمبود پرسونل و مخصوصا بازیگر با استعداد در سطح که تو آنها را به طرح آورده ای ، فقر پولی و ده ها برابلم دیگر از این قبیل میباشد که نمی گذارد کارها درست به انجام آید. دایرگتر در شرایط سینمای ما بایک گروه باز بکن حمله وی سروکار ندارد که در هر نقشی بهترین ها را برگزیند و آنها رادر قالب های هنری شان جای دهد ، ما مخصوصا تاجای به کمبود بازیکن زن در سینما روبرو هستیم که وقتی کسی حاضر میشود در فلم بازی کند بی توجه به سطح و میزان استعداد و توانایی او در این رشته بزرگوارش میگردیم و میگوئیم تاجای امکان از او چیزی سزاویم صدر این گونه شرایط نباید سطح توقع را زیاد بالا ببریم .



لیلی در فلم جنایتکاران نقش اول را به عهده دارد

صدر کشور های عقب نگه داشته شده که از سوی سطح سواد و میزان آگاهی عمومی پائین است و از سوی دیگر اختناق فکری در همه جاسایه گستر است و قدرت های حاکم سیاسی میگویند «رواقتی را وارونه جلوه دهند به نظر شما روشنگر هنرمند و در این بهمار سینما گر روشنگر چگونه میتواند با ساخته های خود بیانگر واقعیت های عینی جامعه باشد و تصویر های گو یای خود را از قیچی سانسور بدور نگه دارد ؟

وقتی هنر مندر تنگنایی قرار میگیرد که نمیتواند حرف خود را بگوید، ناچار برای رساندن پیام خود به مردم شیوه های دیگری را مورد استفاده قرار میدهد که سمبولیزم یکی از این روش هاست، سینما گر در چنین شرایطی میتواند با ارائه سمبولیک حداقل بخشی از اندیشه خود را باز گو کند و مقداری از واقعیت ها را بر هته سازد .

به نظر من هنرمند باید درست مثل یک ماراز کوچکترین متفلهام برای رخنه کردن استفاده برد . در غیر آن او نمیتواند تحرک هنری خود را حفظ کند . هنرمند نباید در انتظار مساعد شدن شرایط باشد و باید خود شرایط را مساعد گرداند .

من دشواری رادر سطح یک کشور عقب نگه داشته شده به طرح آوردم و در کسمبولیزم به آگاهی نیاز دارد . اگر در این زمینه کشور خود را مثال میاوریم ۹۵ درصد مردم محلی

محملجان گویند در یکی از صحنه های فلم جنایتکاران



بسم الله گفت و شنود های...

مقصود شکوری رئیس تنظیم امور اراضی دولت .

همانطور که همه آگاهان می دانند اصلاحات دموکراتیک و رادیکال از قس یک عمل انقلابی بود که به اثر آن قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در روستا های کشور از قبیل دالان، مستگرا ن و غف خوا را ن به دهقانان، کارگران و زراعتی و زمین داران کو چک و متوسل انتقال عینا بد که این کار به اساسی مشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پر تو انقلاب نور آغا ز یافت و تا اندازه ی هم به انجام آمد . اما با تاسف و غص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما در جریان زمامداری ننگین و نفرت بار امین جاسوس شناخته شده «سیا» زیر چنان قهر پسات شدید قرار گرفت که در تا ریخ کشور ما نمونه ندارد و اثرات سوء و ناسامانی های که این دوره در زندگی مردم ما

- ۱- وجود امتداد مشکلات در تشخیص مورد حکم سند های مختلف نظر به نبودن نورم و استاندارد ثابت و واضح .
- ۲- عدم موجودیت اکثر مشخصات کمی و کیفی در چنین اسناد و با موجودیت آن به شکل ناقص .
- ۳- مسامحه شدن زمینه ترتیب و ساخت اسناد جعلی زمین .
- ۴- گریز از مالیه و مسوولیت های زمیندار .
- ۵- عدم مراعات عدالت اجتماعی نظیر به موجود بودن اسناد مختلف در نزد اشخاص مختلف برای عین قطعه زمین .
- ۶- عدم مراعات سیستم مناسب ثبت سند و مشخصات زمین در دفاتر مربوطه .
- ۷- بروز دعاوی در وقت بهره برداری و انتقال زمین از یک شخص به شخص دیگر .
- ۸- نبودن سند متحد الشکل جهت جلوگیری



وارد آورد تا مدت های مدید جبران پذیر نمیباشد .

در زمینه ضرورت تجدید اسناد متنوع ملکیت به یک سند متحد الشکل رسمی قانونی یاد آور میگردد که کشور عزیز ما دارای مقیاسهای مختلف عناوین اندازه گیری مساحت زمین مانند «یکال تخم ریز» (قلبه) «مالیه» (پاکا و شنگل) و اندازه گیری حقا به مانند «شبانه روز» «بار شب» «ساعت» «کاسه» «کاریز» و درجه زمین به نام های (سیر) (من) (پیمانه) و غیره میباشد که این امر باعث تشتت در محاسبات ملی و سنجش های روز مره شده و در تعدیلات آن مشکلاتی را بار می آورد . به همین ترتیب سند ملکیت زمین نیز در کشور ما متنوع بوده و به نام های: «فرمان» «ولایت شرعی» «ترکه خط» «تملیک خط» «سند عرفی» «سند مالیه دهی» «بیت املاک» و غیره یاد میشوند که تنظیم، تعدیل و بررسی آن موجب ضیاع و وقت دوایر و سرگردانی مرا جعان میگردد این مشکلات را میتوان به صورت فشرده در این موارد خلاصه کرد :

شماره ۹

سمسور سپاهی زوی

دندری دیر مختک په هکله

در رسم بنسټیز ارزښت

کله چی انسانا نو دندری پر مخ سترگی پرا تسمتلی تود نری پر مخ پی راز، راز شیان تر سترگو ورغی په هره اندازه چی زمان بدلون وموند او بشری کهول دزمان په غیبه او د مکان په لمنه کی عمرو نه تیر کړل نو بشری کهول وروورو دندری په ډیرو پتو او پیچلو رازونو پوه شو . چی پدی ترخ کی بشری کهول پندی راز هم پوه شو چی وکولی شوی درسم په واسطه خپل لیدلی اجسام او یاپه بل عبارت خپل دتصوراتو او تخیلاتو مجموعه درسم په ذریعه خلا تده او ښکاره کړی . دغه کار دتاریخ په اوږدو کی په ډول ډول سره خپل ځان ښکاره کړیدی کله رسم یوازی دکر بتو او کله دښکاره اجسامو او کله دمحض تصور او تخیل په چوکات کی داجسامو او خپرو په خیر دندری دمخې دانسانانو له مخیلو نه څرگند او ښکاره شویدی .

دندری دمخې هغه انسانان چی درسم په واقعی ارزښت باندی یوه شویدی هغوی هڅه کړی ده چی رسم یوازی درسم په دنیا کی زندا نسی ونه ساتی بلکی کړی په کسری رسم ته دبشری دژوند اړیکو او او بنسټون سره سم او جوخت بدلون او او بنسټون ور کړی اودرسم په ذریعه چی دندری دمخې دټولو اجتماعي ، او بنسټونو بنسټ او زیر بنا گڼل کیږی زړه پوری او بیساری بد لون ور کړی .

همدغه راز چی دندری دمخې حالات گړی په گړی اوږی او رااوږی بشر اود بشر ذهن اود ماغ او انفعالات او ضرورتونه هم اوږی او رااوږی او په هره شیبه کی خپل رنگ او اړخ بدلوی . بشر پخوا هرڅه ته په ابتدا یی او طبعی صورت کتل خو کله چی دطبیعت جریان او سرو او تودو بشر پدی پوه کړ چی همدا خار چی نری ده چی دانسان په پو هولو او راپو هولو کی نوی لاسلری

پاتی په ۴۴ مخ کی

در محکمه فامیلی چه خبر است؟

یک ماه اجرای سردرگم

اینبار تعداد زیاد مرا جمعین در دهلیز محکمه فامیلی توجه ام را جلب میکنند که انتظار ملاقات با رئیس محکمه را دارند.

چهره ها حالات مختلف دارند کسی از گریه چشم و روی سرخ رنگ پیدا کرده ، کسی لبخندی روی لبانش دیده می شود و غرق تفکر است و دیگری با صدای بلند می خندد و بلند بلند حرف میزند، زنی با چادر نماز کودکی را به آغوش گرفته است و در حالیکه چادرش را سخت بادنداندن گرفته بدیوار مقابل دروازه رئیس محکمه تکیه نموده است. آنطرف تر دو مرد ، یکی جوان و دیگری میانسال گسوسه ای را انتخاب نموده وساکت نشسته اند ، مرد جوانی هم با قد مهای آهسته طول دهلیز را می پیماید و گاهی می ایستد و با خود زمزمه ای میکند ... دوزن چادری دار هم که معلوم میشود نوبت شان اول بود به اتاق رئیس داخل می شوند .

از میان همه توجه ام را بیشتر زن جوانی که چادر فوسولادی و پیراهن سبز کوتاه بتن دارد جلب می کند زیرا آوازش بسیار بلند و توانم باخته و گریه بود .

بطرف او نزدیک می شوم خود را معرفی نموده و میپرسم که میتوانم سوال کنم که برای چه مقصد به محکمه آمده اید ، میگوید : دهرچه میبرسی بیس و قبل از اینکه مرا مجال سوال نمودن بدهد فوراً سرگپ می آید :

- اوه همشیره ! دلم کوفست کده . اگر بقچه دلمه پشت بازکنم و تو قصه مره بشتوی تاشو خلاص نمی شه . مکم اگر میخای مه کمشه برت میکم ...

همو مرد که ره که می بینی (بطرف مرد جوانی اشاره میکند که کمی دورتر نشسته بود) به سرمه دعوی کده و میگه که مه زنش هستم

اصل قضیه اینطور است که همی خواهر مه که شش ماهی بینید دو ماه پیش از شوهرش طلاق گرفته و به خانه مادامه مراد خانسی آمده و با ما زندگمی می کند ده روز قبل بود که بچه خاله ما ببهانه مریضی بخانه ما آمد و گفت به شفاخانه خود رانشان میدهد . چند روز از آمدنش تیر نشده بود که از خانه ما قهر کرده و رفت ...

چند روز بعد بود که به محکمه جلب شدیم

برادر زن در حالیکه خیلی جدی حرف میزد سخنانش را اینطور دنبال کرد ..

خواهر مه ببین و اینرا ببین به کدام روز و حال خود میخوای که شوهر خواهرمه شوه... مکم مه زنده نباشم . دگه نمی خواهم که خواهرم زجر بکشد همی بچه خالیم از خود زن و اولاد داره ، مکم خواهرمه خوش کده و میگه ما اوره برش داده بودیم ، باش که قاضی صا حب چه میگوید ...

به طرف مرد مخاطب که تا هنوز سکوتش را حفظ نموده و یگان دوو دشنام را هم می شنود مگر مثل اینکه هیچ کلمه ای نشنیده باشد بروی خود نیاورده و خونسرد ایستاده است . به او نزدیک میشوم و می پرسم :

- شما حتماً سخنان اینها را شنیده اید . چه نظر دارید ؟

میگوید . بلی شنیدم ، ای خواهر و برادر راست نمی گویند هوش کنی که گپ های شانه باور نکنی هرچه گفتن راست نبود . چند وقت پیش خالیم همی دختره بمه داد چهل هزار افغانی طویانه خواست که قدری از آنرا نقد و چیز شه جنس (مثل قالین و گلیم و چیز های دیگر) برایشان دادم چند وقت هم همراهی شان بودم ، درست است که زن و اولاد دیگر هم دارم تصمیم داشتم دختر خاله خودمه هم که نامزد شده بود طوی کده ببرم همی بود که برای کار ضروری وبانجام کارهای که داشتم به هلمند که جای اصلی ام است رفتم همی که پس آمدم وضعیت اینها بسیار تغییر کده بود که بعد از اینکه خوب به خود معلوم کردم که اینها از خیال خود و کرده خود پشیمان شدن و دختر را به من نمی دهند از خانه شان به کوه ...

بر میدارد من اشکی ویا آثار اشکی به چشمایش نمی بینم حتماً گریه بی اشک بود !

مرد جوان که کمی دور تر بود حرفهای زن را بخوبی شنیده می توانست در حالیکه چهره اش حاکی از خستگی و ناراحتی زیاد بود و زهر خندی بر لب داشت هیچ گپ نمی زد فقط طرف زن نگاه میکرد .

مرد جوان دیگر که قد بلند ی داشت و کالای نوبه تن و لنکی به سرداشت خود را برادر زن جوان معرفی نموده سخنان خواهرش را با اشاره سر تایید نموده میگفت :

راس میگه ، راس میگه موصوف به سخنانش چنین ادامه داد :



این خواهر و برادر میگفتند که آنمرد دروغ میگوید و قطعاً طویانه و یا چیز دیگر بها نداده و اصلاً مساله نامزدی و اینطور حرفهادرست نیست.

مقصر از دوا جهان نافر جام کیست؟

بی قید و بند بد هد ممکن عوا قب نا گوار
و خطرنا کی بیار آورد.

والدین یا بد بداند که برای ورود در هر
اجتماع، غرسن از خود اقتضای خاصی دارد
در ست نیست که آنها پسر و دختر نوجوان
خود را که هیچ نجر به و آمادگی قبلی

ندارند و ارد اجتماع بزرگتر ها میکنند و
انتظار هم دارند که همراه و منحرف نشوند.
روا نشنا سی در بنیاده گفته است: پدران
و مادران را که در جوانی با اندازه نوسان
و آشنایان شان سوگسه مقبولی و یا صفت د یگر
نداشته اند، همیشه در وحشت و ناراحتی این

پسر می برند که میباید دختر و یا پسر
شان نیز دچار چنین وضعی بشو ند
و از ترس آنکه نکند چنین چیزی پیش بیاید
فرزند خویش را تشویق میکنند که هر چه
بیشتر از جوانی و شادابی جوانی استفاده
کند و هم این را برای خود نو عی
افتخار میدانند که خواستگاران متعدد به
بست دروازه شان صف ببند ند و جوانان
برای بد ست آوردن دختر شان سرودست
هد یگر را بشکند ند.

روانشنا سان و چا معه شنا سان برای
آنبه بد را ن و مادر آنکه دختران و پسران
جوان دارند بعد از تحقیقات و مطالعات
وسیع تو صیه ها یی نموده اند تا آنها با
بکار بردن این توصیه ها تا اندازه یی
ممانع از دواجهای نافر جام
و قبل از وقت آنها گردند و به آنها اجازه
بد هند تا تحصیلات خود را تمام و با عقل
و فرا ست همسر آینده خود را انتخاب
کنند.

۱- ساز معا شرتها ی بی قید و شرط خزان
جوان با پسران مخصوصا در مشین پالین
جلو گیری نما ئید و ازین بیم ندا شته باشید
که دیگران شما را کینه فکر و قدیمی
بگو یند بلکه آیند فرزند تان اهمیت
بیشتر دارد. و هم متوجه باشید که
دختران تان چگونه دوست و خواهر خوانده
بی دارند بی بردن به شخصیت و طرز تربیت
دو ست شان نیز مهم می باشد.

۲- دختر و پسر جوان باید بداند
که اوقات یکبارگی خود را چگونه سپری
نماید و چطور به اجرای کارهای مثبت
اقدام نماید.

۳- هرگز به فرزندان تان اجازه ندهید
که از بزرگتر ها تقلید بی جاو بی موقع
کنند مخصوصا در قسمت حرف زدن،
رفتار، کردار و همه کارهای شان متوجه
باشید سن نو جوانی بسیار خطرناک
است کوچکترین لغفلت سبب لغزش و انحراف جگر
گوشه ها یتان می گردد که بشما نی
سوئی نخوا هد داشت.

بقیه در صفحه ۵۰

از دواجهای قبل از موقع نه تنها برای
خا لواده ها و اطفا ل با عت مشکلات می

گردد بلکه سبب بروز بعضی پرابلم ها
برای چا معه نیز می شود و سوالی که
پیش میاید اینست که این عجله برای
چیست گو عوا مل آن چه می باشد؟

به عقیده روانشنا سان و چا معه
شنا سان عوا ملی که بعضی از بد را ن
و مادران را علا قمند به ازدواج فرزندان
خود در سنین کوچکی می سازد برای
خود شان هم واضح نیست بسا دید ه شده
که والدین نا خود آگاه و غیر معقول به
ازدواج فرزندان خود در سنین پائین
اقدام میوزند.

بعضی از والدین خود شان در ایام جوانی
کمبود های داشته اند مثلا آنها نظر به
ایجاد با ت و شرایط محیط و زمان، سطح
و سویه زندگی شرایط خانوادگی در قسمت
معا شرتو بر خورد با محیط اجتماعی، تهیه
لباس و غیره محدودیت ها یی داشته اند که
میخوا هند با چا معه عمل یو شان ندن آرزو
های دیرین با لای فرزندان خویش محرومیت
های دوره جوانی خود را جبران کنند.

برخی هم با فراهم نمودن شروط نشاط
در اطراف خود میخوا هند خاطرات جوانی
خود را زنده نگه دارند و برای اینکار سرگرمی
های برای پسر و یا دختر جوان خود فراهم
می سازند و فرزندان هر چه میخوا هند
بلون کو چکتر این معا لعی میتوانند انجام
بد هند مثلا فرزندان آنها با خاطره
آسوده دوستان خود را در پارتی های رقص،
سگرت و حتی قمار دعوت می نمایند که
چنین وضع سبب انجام مسیختگی و انحراف
در جوانان گردید و وا کثرا به عشق های
آتشین و ازدواجهای قبل از موقع منجر
میگردد.

در قسمت تهیه لباس نیز گاهی والدین
بر توجه میباشند مثلا برای دختران
شان لباس های انتخاب میکنند که
خیلی بالاتر از سن شان میباشند و یا
آنها را آزاد میگذارند که هر چه خوا ستند
بپوشند و خود را بیارایند طبعاً لباسهای
جلف و نیمه برهنه و یا خیلی تنگ و آرایش
غلیظ در کوچه و بازار و مجالس و مهمانی ها
نظر ها را بطرف خود جلب نموده و زمینه
خواستگاری و ازدواج برای دختران بوجود
می آید.

گر و هی هم طر فدار این عقیده هستند که
معا شرت پسر و دختر از آوان کودکی سبب
میشود تا در بزرگسالی آنها
از هد یگر شرم و وحشت نکنند در حالیکه
چا معه شنا سان مخالف این عقیده
بوده و مستقیماً میگو یند که: با زیبای
ساده کود گانه، درس خواندن پسر و دختر
در مکاتب به جای خود مگر در صورتیکه
عمین بازیهای کود گانه تا سنین بالا تر
انامه بیابد و چا یش را به معا شرتها ی

نموده و برادرش هم در پهلوی
خواهر خود قرار گرفت و گفتند.
عکس ما را تنها بگیر ید.

بعد زن جوان رویش را به طرف
پسر خاله اش نموده گفت حالی تو هم
عکسته بگیر.

گفتم با هم گپ داریم هنوز؟
زن گفت: بلی خداز ده بچه خاله
مه اس.

و در بنوقت نوبت اینها می رسد
وبه اتاق رئیس داخل می شوند.

من برای اینکه ما جرای اینها را
بدانم که بکجا انجا مید جریسان
اینها را که چندی قبل تهیه نموده
بودم بچاپ ندادم و مدتی بعد در باره
اینها از رئیس محکمه فامیلی
پرسیدم. در جواب گفت بعد از
همانروز تاکنون مرا جعه نکرده اند.
انشاء الله که بیک توافق مثبت
رسیده باشند.

سرای رفتن و یگرا ست به محکمه
فامیلی عریضه کدم که چرا چی گپ
شده و بول مه خواز او نامده و
دوباره ساکت شد.

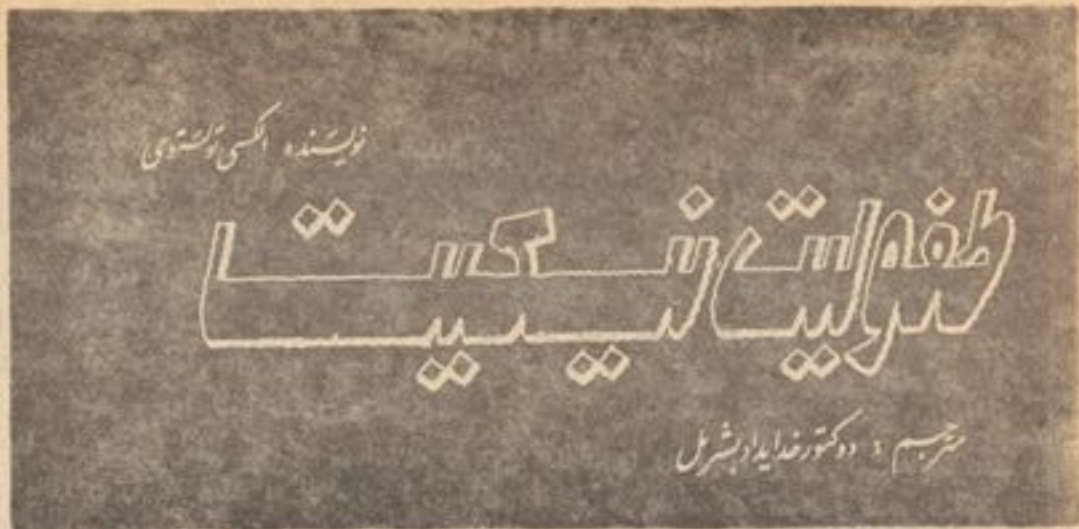
زن جوان گفت: چشم دروغ گو
بترقه اینطور انسان بی چشم و زوی
ده عمرم ندیدم - مگم مار سرمه
خورده که تره بگیرم چه علاقه پس

بنو دارم؟
برو گمشو ای فکر هاره ازسرت
دور کو.

برادر زن گفت: ما هیچ از ی پول
نگرفته ایم خود ما روز کار خوب
داریم بلا نزدیک که خواهر خودمان
داده نتوانم - ضرور نیست که حتما
شوهر کنه همی فعلا خوش اس و مه
خوشی خواهر خود می خواهم
حالی باشد ...
وقتی خواستم عکسی از آنها
بگیریم دختر چادری خود راجا بجا



این مرد ادعا میکرد که من چهل هزار افغانی چیزی نقد و چیزی جنس
طویانه داده ام.
شماره ۹



آشیانه اش دورتر پرواز نماید، چو تکه بال هایش هنوز مهارت کافی نه داشتند بر زمین افتاده بود در کنج بالای برگهای کاسنی که بر زمین هموار بود پناه گاه اختیار نموده بود. قلب (زیتوگین) در نا امیدی غریبه می زد «قبل از اینکه نفس برآدم» او تصور کرد «اومرا خواهد خورد» - اوابته می دانست که چطور کرم ها، مگس ها و کرم های درخت را بخورد.

پسر او را بدهنش بالا کرد (مراد از پسر همان نیکینامی باشد) چشم های زیتوگین بایک پرده پوشیده بود، قلبش در زیر پر هایش پرید، اما نیکینا تنها بر سر او پف کرد و او را با خود بخانه برد، باین معنی که او گرمته نبود و او زیتوگین را بعد تر خواهد خورد.

زمانیکه الکرا اندرا لیرتینفا - سار - ردید آن را مانند نیکینا بالا کرد و بردست گرفته بر کله اش پف کرد. «اوسیار خورد است، بیچاره»، او گفت «چنین متفازد، زیتوگین». آنها سارا را بر آستانه کلکین که بسوی باغ باز شده بود و با پرده حمایت می شد گذاشتند، داخل کلکین نیز از نصف بالا با یک پرده پوش شده بود، زیتوگین فوراً چابکوسانه فروتنی کرده تلاش کرد که نشان دهد او حیات خود را از آن نخواهد فروخت، در بیرون، آنطرف پرده سفید، برگ ها در اهتزاز بودند، گنجشک های حقیر دزدان و ردیل ها، دوتنه هادادوبی داد می کردند، طرف دیگر، همانطوریکه در غلب پرده، نیکینا بطرف اومسی دید و چشمانش بزرگ بود، نفهمیدی و افسوسگر بودند

من گم شده ام، من گم شده ام، زیتوگین تصور کرد.

هنوز هم نیکینا شام او را نخورد، نام زیتوگین از کلمه روسی «زولتی» بمعنی زرد گرفته شده زیتوگین بسوی کرم کور سرخ که در جلو بینی اش مانند یک مارپیچ و تاب می خورد از زیر چشم دید، «او را نخواهم خورد، آن یک کرم حقیقی نیست، این یک فریب است».

آفتاب غروب کرد اما هنوز هم چشمان خواب آلود زیتوگین، با آستانه کلکین متوجه بود، و باینجه هایش محکم جسیده بود چیز دیگر نبود که دیده شود، پرده های

را حشرات آبی، کرم های حشره و بیه های چوپه تشکیل میداد، در زیر قایق شنا می کردند، عنکبوت هابر روی آب می دویدند، زاغ ها از آشیانه های شان از فراز بیدها بسوی شان میدیدند.

واذیلی نیکیتویچ طناب حلقه دار شخصی دریا سالار را بریسمان بادیان گشتی بست، بالای آن یک بقه که برپا های غبی اش بر یک زمین سبز ایستاده بود رسم شده بود، در حالیکه گسونه هایش ریفاف نموده بود به کشیدن ریسمان بادیان پرداخت، طناب کوتاه حلقه دار بالای دیرک قرار گرفت و در قله اش منتشر گردید، زاغها از آشیانه های شان از بید هابرواز کردند، با اعلان خطر فریاد نمودند.

نیکینا بر قایق سوار شد و جایش را در مکان قایق انتخاب کرد، ارکانی چمچه هارا گرفت، قایق در آب عمیق تر نشست، بعد پلاشیده از ساحل دور گردید و بر سطح آئینه وار حوضی که بیدها، سایه بان سبز، پرده ها و ابرها را منعکس می نمود سبک تر بر حرکت آمد، قایق بین زمین و آسمان شنا می کرد، یک جمعیت پشه بالای سر نیکینا جمع شد، آنها گردهم هجوم آورده و با قایق راه می رفتند.

«سرعت نام به پیش، سرعت نام»، واذیلی از ساحل فریاد زد:

ما می نمت هایش را حرکت داد و خندید، ارکانی چمچه زد و از میان تی دار سبز و کوتاه به مرغابی ها رسید، با فریاد و ترس نیمه آب بازی می کردند و نیمه در پرواز بودند.

«برگشتی سوارش کن، سالار بچه ها»، هورا! - سواذیلی نیکیتویچ فریاد زد:

زیتوگین ...

زیتوگین بر یک توده گیاه در آفتاب پسین کنج دالان و دیوار خانه نشسته بود، او نیکینا را با هراسی که در دلتش بود می دید. سر زیتوگین (یک نوع مرغی است) بر پشتش آرمیده بود، منقارش با تریشه زرد مستقیماً باین بره های آبی و کونا هاش قرار داشت. تمام بره های زیتوگین زولیده بود، با هایش به بالا بر زیر شکمش گش شده بود، و قتیکه نیکینا بسوی خمید او منقارش را باز کرد تا بچه را برساند. نیکینا او را بین دودستش گرفت. او یک سار بود، هنوز رنگ خاصی داشت. معلوم بود که می خواست از

باغ خاموش شدند. یک رایحه شبانه از آن رطوبت و گیاه احساس می گردید، سرری عمیق تر و عمیق تر در پرهایش فرو رفت. با حوادث ناگهانی، زیتوگین به جلو و بعد به عقب بالای دمش تکان خورده بر هایش را از غضب درهم و برهم نموده دو باره بخواب میرفت، اما گنجشک ها او را بیدار کردند، آنها آشوب برپا می نمودند، پر شاخه های درختان از غوغا با هم می جنگیدند. یک سار هم با شترک هدهد در یک فاصله دور با صدای خوش و شیرینش به سروتن آغاز نمود. «تحملش را ندارم، آفتاب گرمته ام که احساس ناخوشی میکنم. زیتوگین تصور نموده و کرمی را دید که در میان درز آستان کلکین فرو رفته، بالایش جست زده و از دمش گرفته آنرا بیرون آورد و بلع نمود. «بد نبود، یک کرم لذیذ»، در خاطرش خطوط کرد.

نور آفتاب به شعاع آبی تبدیل شد، پرده ها برودن برداختند، یک شعاع روشن و گرم نور آفتاب از لای بالای برگهای درختان بر زیتوگین افتاد. «خوب، هنوز هم زنده ایم»، در تصور زیتوگین آمد، به جست و خیز شروع کرده مگس را قایم و بلع کرد.

در همین لحظه آواز قدم های کسی بگوش رسید، نیکینا به کلکین آمد و دست بزرگش را به عقب پرده دراز کرد، او انگشتانش را کشود و مگس ها و کرم هارا که روی آستانه کلکین بود منتشر نمود، زیتوگین از ترس دوباره به کنج خود رفت، بالهایش را کشود، بطرف دست دید اما آن بالای سرش پرید و بعدا پشت پرده ناپدید گشت، دو باره همان چشم های جذاب و درخشان به زیتوگین خیره گردید.

نیکینا رفته بود، زیتوگین بر هایش را با متفار صاف نمود و بفکر کردن پرداخت. «پس با اینکه او می تواند مرا بخورد، پس او پرده ها را نمی خورد، پس جای ترس وجود ندارد».

زیتوگین بقدر کفایت خورد، پرهایش را با متفار خود صاف نمود - با متفاد آستانه کلکین بجهت و خیز پرداخت بیرون به گنجشک هادید - گنجشک پیری بنظرش خورد که پره های سرش زولیده بود - به آزاداندیش شروع کرد سرش را با انشلاق پیش و پس میکرد: «فیوت، چلک، فیوت»، گنجشک قهر شد - سینه اش را باز نمود و با متفار باز بسوی زیتوگین پرواز نمود - نیکینا دو باره آمد، دستش را پشت پرده برد اما این بار دستش خالی بود و آن را نزدیک پرده برد زیتوگین بالایش جست و یک انگشتش را با تمام قوه اش تولا زد - به عقب جست و آمانه جنگ شد اما نیکینا تنها دهانش را باز نمود و فرید: «ها، ها، ها»، روز بهمین متوال گشت، چیزی نبود که برسد، غذا با اینکه کمی یکنواخت بود باز هم خوب بود - زیتوگین بشکل برای غروب انتظار کشیده می توانست و آن شب بسیار خوب خوابید - روز دیگر بعد از ناشتا - او خواست از پشت پرده دورتر بگریزد، او دورا دور تمام کلکین جست و خیز زد اما یک درز کوچکی هم نیافت سپس بطرفش پرید و به نوشیدن آغاز نمود - منقارش را از آب بر کرد - سرش را به عقب

برد و قوت کرد - از گلویش یک جیرم دور کوچک پائین رفت.

این یک روز دراز بود - نیکینا کرم های زیادی آورد و کلکین را با بره های فاز پاک نمود بعدا گنجشک بایک زاغچه جنگید و چنان ضربه خورد که مانند یک سنگ از لای برگ ها پائین بر زمین افتاد و در حالیکه همه پسر هایش سیخ شده بود، به بالادید.

یک زاغ دیگر نیز بعلت نامعلومی مستقیماً نزدیک کلکین پرید، چند آهنگ زمزمه کرد، تند تر پرید، دمش را چنانچه و کدام حرکت معنی داری از او سر نزد - یک سینه سرخ برای وقت زیادی سرود و با شیرینی راجع به شعاع گرم آفتاب و در مورد خواص عمل نغماتی سر داد - این کار زیتوگین را غمگین ساخت، بجای که در گلویش غرغر می کرد - او هم میخواست بسراید لیکن او در کجا می تواند این کار را انجام دهد! نه در کلکین، در یک قفس! دو باره در آستانه کلکین سرفش را آغاز نمود و یک حیوان ترسناک را دید: او بالای پاهای کوتاه و نرمش می خزید - شکمش روی زمین کش می شد - سرش مدور بود، موهای پراکنده اش شبیه به بیرون برآمده بود، چشمانش داشت و حلقه های کوچکی از شرارت شیطانی روشنائی می داد - زیتوگین بر زمین هموار شد و تکانی هم نخورد.

واذیلی واذیلی ویج (پشک) با نرمی جست، به کنار آستانه کلکین خود را با نیچه هایش چسباند، از لای پرده بسوی زیتوگین دید و دهانش را باز کرد ... اوه خدایا! نیش های دراز تر از منقار زیتوگین در دهی بود! پشک با نیچه اش مجادله نمود و گاز را پاره ساخت ... قلب زیتوگین فرو رفت، بال هایش پائین آویزان گردید - در همین وقت: نیکینا پیدا شد و پشک را از پوست نرم گردنش گرفت و بطرف دیواره پرتاب کرد و واذیلی با غضب نالید، در حالیکه دمش را بود که در آب غرق نمی شد - او با احتیاط پائین گرفته بود، رو بفرار نهاد - زیتوگین بعد از این تصادف تصور می کرد، «هیچ حیوانی قوی تر از نیکینا وجود ندارد».

وقتی که نیکینا دوباره آمد او گذاشت قابر سرش دست بزند با اینکه از ترس برهنش عقب نشست. باین شکل این روز پایان یافت - صبح دیگر زیتوگین که بسیار خوش بود در حدود قلمرو خود برای تفتیش به سفر رفت و ناگهان سوراخی که گریه در پرده ایجاد کرده بود بنظرش خورد - زیتوگین سرش را از سوراخ بیرون کشید، اطرافش را دید، بیرون شد، بهرین هوای ملایم پرید و بال هایش را دیوانه وار با هم زد - فقط روی زمین خاله می پرید ... و قتیکه دیوارزه رسید با طاق دیگر که چهار نفر دور یک میز مدور نشسته بودند پرواز کرد آنها در حال خوردن بودند و پارچه های کلان غذا را گرفته در دهن شان گذاشتند، هر چهار آن سر های شان را دور دادند و بدون حرکت زیتوگین را تماشا می کردند. او می دانست که باید در هوا توقف کوتاه نموده بر گردش اما او این نور مشکل را در پرواز نمی توانست انجام دهد - بایک بالش زد و بر میز پس

طرف مربا و کاسه قند نشست - بعد آید که نیکیتا در مقابلش نشست - بدون تأخیر بطرف مربا پرید ، از آنجا به شانه نیکیتا و همانجا با پرهای نامرب و چشمان نیمه باز نشست - او بر شانه نیکیتا مدتی نشست سپس زیر سقف پرواز نموده مگس را گرفت ، بردستگاه رابری که در کنج گذاشته شده بود فرود آمد ، دور شمع دان چند شاخه چرخ زد ، احساس گرمی کرده و دو باره به کلکیش پرواز کرد که در آنجا کرم های تازه انتظار او را داشتند .

طرف شام - نیکیتا مدل یک خانه چوبی کوچکی را که یک دالان و یک دروازه و دو کلکین داشت با خود آورد و بر کلکین گذاشت . زیلنوکین از آن خوشش آمد - درونش تارک بود - او بداخل آن پرید - دوسه بار دور خورد و بعد بخواب رفت . در همان شب وازیلی یعنی آن گرچه نسبت به جرمی که کرده بود در یک ذخیره خانه (نحویلخانه) مجوس شده بود ، با خشونت میومی می کرد و حتی نمی خواست موش بگیرد . او فقط نزدیک درنشته بود و آلتند با عجز میومی می گفت که حتی خودش هم احساس نا راحتی می کرد . حالا خانه عضویت سوم قلمرو حیوانات را هم پیدا نمود - بر علاوه خار پشت و پشاک - زیلنوکین نیز جا گرفته بود - او بسیار خود مختار ، ذکی و با تدبیر بنظر می رسید - او علاقه داشت باشخاصی که حرف می زدند گوش دهد و وقتی که آنها نزد میز می نشستند او گوش می داد ، سرش را به یکطرف کج می ساخت و به شکل یکنواخت چهچه می زد ، «زاشا !» می خمید - الکزاندرالیوتینسنا تصور می کرد او برای وی خیم می شد ... هنگامیکه زیلنوکین را می دید او برایش می گفت : «سلام ، سلام» پرندک گو چک : پر از حیات و سرور ... زیلنوکین فوراً بجای معین خود روی لباسش می پرید و در هوای آزاد با او می رفت . بهمین ترتیب او تا خزان زمست - کلان شد - پروبال سیاه و بزرگ پیدا کرد - روسی را خوب یاد گرفت و تمام روز در باغ بسر می برد ، همیشه بخانه کوچکی که در تاریکی بر آستانه کلکین گذاشته بود مراجعت می کرد .

در ماه اگست - مینا های وحشی او را اغوا نموده در قطار خود در آوردند و پریدن لازم را برایش آموختند ، وقتی که او باغ راترک می کند او با طلوع روز روی دریا بسوی افریقا در راهرو پرندک ها پرواز می نماید .

کلیو پک

فعالیت های بهاری در کشت زار ها به پایان رسید ، باغچه های پر زده شده و آبیاری شدند و دیگر چیزی باقی نمانده بود تا اجرا شود مگر فرا رسیدن روز سنت ایتر که وقت درو است - گله های یابو های پارکشی به چراگاه های اطراف تالاب که گیاه های خوش مزه داشت برده بودند ، صبحگاهان بخار آبی رنگ به کشت زار ها بنظر می خورد و درختان سیاه و بزرگ کاج که هر کدام از یکدیگر دور تر قرار داشتند ، طوری معلوم

می شد که از اثر هوای شفاف زده کرده و بالای زمین معلق اند .

ملیشکا گوریا برای واریسی از اسپ ها با گله ماند - در حالیکه پاهای پرهنه اش بر رکاب و آرنج هایش در هوا حرکت می نمود بر یک زین قزاقی سوار بود . بامداد کشت زار های سبز از پشت یک مادیان جوان که از گله دور شده بود چارنعل نموده و همچینش را مانند قیر تنگچه به صدای می آورد و او را فریاد می زد تا بر گردد - بعد از اسپ سرکشی که فوراً با پرده و آواز به کندن گیاه شروع می کرد فرود می آمد و بر یک تپه کوچک خاکریز کنار نهر و جوب های تراش شده می نشست و با اینکه پاچه های پتلونش را بر زده داخل تالاب می شد و ریشه ها و پیاز های نی ها را از آب گرم تالاب بیرون می کشید . ریشه های نی مانند عار سیاه و دراز بودند - پیاز طعم ترش اما ریشه ها طعم شیرین و معطر داشتند لیکن زیاد خوردن آن معده را بدرد می آورد - نیکیتا تمام روزش را با ملیشکا در کشت زار آنسوی تالاب گذراند و اسپ سواری را آموخت . بالا آمدن بر زمین مشکل نبود . اسپ پیر خاکستری که مگس ها او را می گزید با آرامی می ایستاد و اتفاقاً برای راندن مگس های خود - پای عقبی اش را نزدیک شکمش می برد - اما وقتی که بر اسپ سوار می شد جلو را بدست می گرفت و اسپ را می راند - نیکیتا گاهی به یکسو و گاهی بسوی دیگر می لغزید - زمانیکه اسپ خاکی در حدود سی قدم برمی داشت تا گلهان توقف نموده بخوردن گیاه شروع میکرد - نیکیتا از قاشق زین با تمام نیرویش محکم می گرفت و گاهی نیز بالای گردن اسپ می لغزید و پاهایش را بر پاهای مادیان تکیه می داد . اسپ به همه این ها باری تفاوتی کامل عکس العمل نشان می داد . ملیشکا گفت :

«زمین افتادن درد نمی کند ، ترس ، تنها اینقدر که گردنت را کشتی نموده و سعی کن که زمین را بدست هایت بگیری ، خود را مانند توب بطرف بالا پرتاب کن - نشانت خواهم داد که چطور بدون زین و جلو بر اسپ بالا شده ببری»

ملیشکا بطرف یک گروپ اسپ های سه ساله که گاهی برای سواری از آنها استفاده نموده بود دوید و در حالیکه دست هایش را بسوی شان دراز کرده بود صدا می زد : «فید ، فید» ... درین اثنا سننار - یکسک مادیان خاکی خالدار که پاهای باریک ، گوش های هموار و لب های بخملی داشت بامید آذوقه بسویش آمد سننار کله زیبایش را بطرف نیکیتا پرتاب نمود و برای اینکه ملیشکا را از خود خشنود کرده باشد شانه هایش را باندان خود خارید - ملیشکا دستش را بر پشت اطلسی اش کشیده او را نوازش نمود - سننار با اظهار به عقب گام گذاشت - از

شانه اش گرفته بر پشتش جست ، سننار با حیرانی و غضب یک سو خیز زد ، سرش تکان داد و بوقت پرید ، بعد به عقب رفت و به دوش با یک چارنعل تیز از گله گشت . ملیشکا خود را بر پشت آن چسبانده بود - ناگهان مادیان بر روی پاهایش توقف کرد و سپس به عقب رفت - ملیشکا مانند توب بر گیاه افتاد در حالیکه خون راز خراشیدگی رویش پاک می نمود بجانب نیکیتا لنگان لنگان می رفت .

«مستقیماً به شاخه ها رفتم که از تند وزیدن آنها مادیان مرا بزمین انداخت ، او گفت : «اما چون تو بسیار چاق هستی این کار را نمی توانی انجام دهی» . نیکیتا با خود گفت «گردنم را خواهم شکست ، اما اسپ سواری را بهتر از ملیشکا یادخواهم گرفت» . او راجع به سننار بالای میز نان صحبت کرد که مامی را در تشویش زیاد انداخت .

«گوش کن ، او گفت : «برایت گفتم که حتی نزدیک اسپ هائیکه بسواری عادت ندارند فرو ، و با التماس بسوی وازیلی نیکیتویچ دید .

«وازیلا ، حداقل ازمن پشتیبانی کن ... او دست و پایش را خواهد شکست»

«خیلی عالی» ، وازیلی نیکیتویچ جواب داد ، «وقتی که اینقدر باو علاقه داری از سواریش وگرفتار او را منع کن زیرا او خواهد افتاد و بینی اش را خواهد شکست - او را در یک مرتبان انداخته در قف به پیچان و به یک موزیم بفرست» . همین را توقع داشتیم ، مامی گفت ، «می دانم درین تابستان یک لحظه آرام نخواهم داشت ...»

«زاشا! تو باید متوجه شوی که بچه ده ساله شده است»

«معمداً ...» «لطفاً ، مرا ببخش ، من نمیخواهم او یک آدم نازدانه بار آید»

«کاملاً درست ، اما این باین معنی نیست که او را فوراً تحفه کلیو پک سازی»

«اولتر از همه ، یک صغیر هم می تواند سوار کلیو پک شود»

«او نعل شده است»

«من دستور داده ام که نعل نشود»

«درینصورت هرچه میخواهی بکن ، بر اسپ های وحشی سوار شو ، گردنت را بشکنان»

چشمان مامی از اشک پر شده از کنار میز فوراً برخاست و باطاق خواب رفت .

وازیلی نیکیتویچ بسرعت ریش خود را بدو بخش نوازش داد ، دستمال کاغذی اش را انداخت و عقب مامی رفت ، ارکادی که تمام وقت در همانجا نشسته بود طوری که گویی مباحثات با او کاری نداشت ، به نیکیتا دید ، عینک هایش را مرتب نموده به نجوا گفت :

«حالت خوب نیست ، برادر»

«ارکادی ایوانوویچ ، مامی را بگو من نخواهم افتاد ، قسم می خورم ، نخواهم ...»

«شکیبایی ، تحمل و ثبات شخصیت»

ارکادی ایوانوویچ بازرنگی یک مگس را که مکرراً میخواست بر بینی اش بنشیند گرفت ، «سه صفتی است که اگر می خواهی سوار کار خوب باشی برایت ضروری است» در عین زمان با صدای بلندی که در اطاق خواب مشغول گفتگو بود به آواز بلند گفته شد

«درین سن بچه ها کاملاً آزا داند» در کجا آزاداند ؟ مامی با یاس گفت : «در امریکا آنها آزاداند»

«حققت ندارد» من میگویم که در امریکا بچه ها آزاداند

ما و شما هستیم ، خدایا ، اما - اما در امریکا نیستیم ...»

صحبت بر سر آزاده یک هفته طول کشید ، مامی تسلیم شده بود و با غمگینی بسوی نیکیتا می دید ، گویی که یقین داشت نیکیتا برای نجاتش ترتیب اثری خواهد داد . در جریان هفته نیکیتا متداوماً در میدان کنار بزرگ ، در قسمت بالائی در جاییکه دوشنبه تالاب دوس های سوار کاری را فرا می گرفت ، ملیشکا او را تعجید نموده و چال تند سوار شدن را برایش نشان داد ، بلنودین ، جستن و بر نهایت عقبی پشت اسپ نشست ، مانند چنک بازی .

«او ترا انداخته نمی تواند - در همین وقت این کار را کرده نمیتواند ، وقتی که میخواهد ترا پایین اندازد بر کفل آن سوار شده می باشی»

بعد از مدتی در خیم نشاند در بالاخانه در جاییکه ثبات هندی (مانند عشقه پیچان) برقرار بالامی شد و سایه اش بر روی میز ، پیاله و روی آنها افتاده بود ، مامی ، نیکیتا را ترش خواست او را پیش رویش ایستاده

نموده با آواز پر از قهر گفت : «تو میدانی که ده ساله شدی ، و تو باید آزاد باشی ، درمن تو بچه های دیگر کاملاً ، کاملاً ، صدایش لرزید و با ترش رویی بجانب پدر تگسریست .

«مختصر اینکه پدر راست میگوید تو دیگر یک طفل نیستی»

وازیلی نیکیتویچ چشمانش را پایین و بر کنار میز به طبل زدن پرداخت .

«فردا ، مایه کیمپولا تووا می رویم و تو میتوانی بر کلیو پک سوار شوی ... تنها پسر سیدم ،

«مامی ، قسم می خورم هیچ چیزی بمن رخ نخواهد داد» و نیکیتا چشمانش ، رخسارهایش

زنج و دستپایش را که بوی انگور را می داد بوسید ، روز دیگران شام را وقت تر خوردند

وازیلی نیکیتویچ به نیکیتا گفت تازین را بردارد ، یک زین انگلیسی خاکی که از پوست بزکوهی ساخته شده بود و در عید مسیح برایش تحفه داده شده بود ، و در وقت رفتن به اسپ خانه ها برایش گفت :

«تو باید مهربی اسپ ، زین کردن و مالیدن او را بعد از سوار کاری یا د بگیری . از اسپ باید مراقبت لازم صورت گیرد ، او باید پاک شود ، اگر چنین شود ، تو یک سوارکار خوب خواهی بود»

خوشبختی خانواده به چه عواملی ارتباط دارد؟

بعضی از خانواده ها وبخصوص بعضی از پدر هاومادران برای اینکه پسرى داشته باشند اولاد هاى زیادى را بدنيا مى آورند ، كه اين امر بعد ها باعث ناراحتى ومشكلات فسرانوان براى خانواده مىگردد . همانطوريكه قبلا تذكر دادم داشتن يك يادو كودك برخانواده حلاوت وشيرينى وگرمى مى بخشد وبيشتر ازپيش خانواده را سعادتمند مىسازد اماهميشكه تعداد كودكان در خانواده زياد شد، چون پرورش وتربيت آن مشكل است اين وضع باعث يك سلسله ناراحتى هاى براى پدرومادر مىگردد كه محيط وفداى خانواده را بيشتر

تحت تاثير خويش قرار مىدهد .

هر پدر ومادر كه به سعادت خانواده شان تعلقمند اند و به آينده كودكان شان توجه دارند بايد اين موضوع را بخاطر داشته باشند كه تربيت وپرورش كودك در شرايط امروزي كاري سهل وساده نيست، بدين مناسبت بايد هر پدر ومادر توجه نمايد كه داشتن كودكان متعدد وفزونيم قد برعلاوه اينكه تربيت وپرورش سالم انسان مشكل است ممكن است اين امر باعث ناراحتى هاى زياد خانوادگى گردد .

شوهر در اين مورد مىگويد :

من حرفهاى همسر را قبول دارم ودرضمن علاوه ميكنم كه تنها وجود كودك نيست كه خانواده را خوشبخت مىسازد ، شايد باشند

دست يافتن يك زندگى دلخواه وايدآل آرزوى هر خانواده وبخصوص آرزوى هر زن وشوهر است . زيرا حيات خانوادگى اگر توام با خوشى وسعادت نباشد ازبد ترين وجانگداز ترين لحظات زندگى انسان بشمار خواهد رفت وبه يقين هيچ خانواده وهيچ زن وشوهرى را سراغ نداريم كه نخواهند زندگى شان دلخواه ودوستداشتنى باشد ولي گاهى اتفاق افتاده كه اين روابط شيرين وسعادت بار خانواده را بعضا مسايلى بظاهر بسيار كوچك و پيش پاافتاده كدر وتاريك مىسازد .

براى اينكه از اينگونه مسايل جلوگيرى بعمل آيد چه بايد كرد ؟

اين سوال را بهتر است اززن وشوهريكه در طول زندگى خانوادگى شان كمترين ناراحتى داشته وهميشه خوشبخت وسعادتمند زندگى كرده اند پرسيد .

زن مىگويد : به عقيدة من بهترين راز خوشبختى يك خانواده موجوديت يك يا دو كودك در خانواده است . زيرا وجود كودك نشاطى را براى خانواده مىآورد كه قابل تخمين نيست . بپر حال بايد هرزن وشوهر كه خواهان زندگى سعادتمند خانوادگى مى باشند بايد بيشتر از يك تا دو كودك بياورند . اين امر دو مزيت دارد: اول اينكه پدرومادر ميتواند از تربيت سالم كودك بدرستى بدر شود . دوم اينكه مادر بذاشتن يك ياد وكودك



هيله

پيوست بگذشته

از تاريخ بايد آموخت

جوانان رزمندگى وطن !

وباخوراندن ترياكي خوابانند تا خود شان بتوانند در فابريكه بيشتر كار كنند . مشروبات عمدا از طرف انگليس در هندترويج مى گرديد و تريك از طرف خود انگليس ها در هند كشت مى شد وبفروش مى رسيدواز درك فروش تريك يك نيم پختى عايدات دولت استعماري بدست مى آمد .

زعمای هند لوايحي را جهت منع كشت واستعمال تريك ارائه مى كردند ولسى از طرف انگليسمها پشت رد مى شد . انگليس به حيل وتوطئه هاى گوناگون مبارزين آزاديخواه هندوستان را به تريك معتاد مى ساختند . در هند رسما هفتصد دكان تريك فروشى مفتوح بود ودر برما مردم را جبرا ومجانا ترياكي مى ساختند .

آرى استعمار وآلهم استعمار امپرياليزم چون حيوان درنده خوى ودرعين حال روباه محيل هر آنچه ملت ومردم تحت استعمار را ترسو، تنبل وبديخت مى ساخت بر آنها تحميل مى نمود . جوانان مادر پهلوى آنكه از روينداد هاى زمان تسلط انگليس برهند به ماهيت اصلى استعمار خو بتر پي ميبرند يك حقيقت ديگر را نيز پيچيدند وآن اينكه اگر انگليسمها در زمان استعمارگري خود برهند و ساير نقاط جهان مخدرات از جمله تريك و جرس وغيره را ترويج مى كردند وبازور وحيله مردم وبخصوص مردم آگاه، وطن پرست و مبارز را به آنها معتاد مى ساختند اينك حالا خود دولت هاى ممالك امپرياليستى چيزى را كه كشت كرده بودند فرو مى كنند . وبگفته مى سخنور نامدار شيراز يعنى شمس الدين محمد حافظ شيرازى كه چه خوش گفته است :
مزرع سبز فلک ديدم وداس مهي نو
يادم از كشتهى خويش آمدوهنگام درو
هركه در مزرع دل تخم وفا سبز نكرد
زرد رويى كند از كشته اش هنگام درو
وياسخن برمفهوم پير خرد مند عبدالرحيم
بابا كه گفته است :

ادامه دارد .

بنظر نگارنده تاريخ سرزمين المانوى و باستانی هند هرچه بيشتر، مبسوط تر ووسيع تر تشريح شود و اززاويه هاى جداگانه بررسى وتحليل شود به همان اندازه مفيد وآهوزنده است زيرا اين رويدك هاى تاريخى درپهلوى آنكه چگونگى مبارزات مردم شريف هندرا بااستعمار انگليس نشان مىدهد چهره واقعى استعمار، ارتجاع وامپرياليزم را هم مى نماياند و به ماوبخصوص جوانان مى آموزاند كه استعمار چون هيولاى خطرناك وسفك هستى جامعه ي راكه برآن مستولى شود برباك مى دهد ودر ظلم رامستبداد واستعمار هيچ رحم و مروت وقناعت از خود نشان نميدهد ، براى آموزش خويش گفتار بالا ومستدل شدن كلام پختى از نوشتهى «ويل تورالت» فيلسوف ونويسندهى امريكايى را در اینجا نقل مى كنيم : «وى در كتاب معروف خود بناماختناق هندوستان» مى نويسد:

تا سال ۱۹۰۷ بودجهى تمام معيارى هندوستان كه تحت ادارهى انگليس بود دو مليون دالر وبودجه نظامى آن برعكس چهل وسه مليون دالر بود ولي بايد دانست كه مقصد انگليسى دهنده، معارف ابتدائى نه بلكه تحويل مدارس عالى بود كه بتواند هندی را انگليسى بسازد... ماليات روز افزون انگليسى نيم عايدات دهقان هندی را به اسم و رسم گوناگون از دستى مى گرفت ومردم را مجنون ووحشى مى ساخت . باوجودآن انگليس جدا مى كوشيد ، هندوستان را يك كشور زراعتى بسازد نه صنعتى زيرا خود انگلستان صنعتى بود وبايد محصول صنايع آن درهند مصرف مى شد . واردات انگليس در هند از پرداخت ماليه كاملا معاف بود، در حاليكه صادرات هند بايد ماليه ي گزافى مى پرداخت . در فابريكه هاى هند انگليسى دو مليون هندی (بشمول اطفال وزنان) در هفتهى ۵۶ ساعت كار مى كردند، زنان كارگر اطفال خود



به امور منزل وادرسى كرده ميتواند زيرا تنها مسايل تربيت كودك نيست كه خانواده را خوشبخت مى سازد، بلكه ده ها مساله ديگر است كه عسريك آن به نوبه خود در امر خوشبختى خانواده نقش مهم واززلله دارد .

يك موضوع را نبايد از نظر دور داشت كه

خانواده هاييكه اصلا صاحب كودك نباشند اما در زندگى و حيات خانوادگى شان خوشبخت اند . پس من چنين عقيدة دارم كه يگانه مساله خوشبختى بين خانواده ومخصوصا ميان زن وشوهر دوستى و رفاقت بين آنهاست . وقتى زن وشوهر از همدىگر شان شناخت داشته

آیا بخاطر فرار از تنهایی باید به خواب و خیال پناه برد؟

مبارزه نماید و در لایای این مسایل راه حقیقی و لازمی زندگی را جستجو نماید.

جوانی که عنان احساسات خود را خود بدست دارد، در زندگی موفق است و در آینده هم موفق خواهد بود. زیرا استقامت در مقابل مشکلات زندگی جوان را و میدارد تا در آینده نیز این استقامت را داشته باشد اما برعکس آن عده جوانانیکه اختیار اراده خود را بدست ندارند همینکه کوچکترین عملی به او وارد شد خود را در مقابل آن عمل زیون

آبانه غرقه شما بخاطر فرار از تنهایی توسل به خواب و خیال کار معقول و درستی است؟

درست است که دوره جوانی دوره مخصوص و خیلی احساس زندگی است، در این دوره است که احساسات مختلف بر او هجوم می آورد و وی را در خود می پیچد. اما با تمام این هاراه حقیقی راهیکه میتواند جوان را به سر منزل مقصود و به آرزوهایش برساند قبول کردن حقایق زندگی است با وجود اینکه این



مقاومت را از دست میدهد و این امر باعث میشود که گوشه گیری و انزوا را اختیار کند و خود را به خواب و خیال بسپارد این عمل باعث میشود که جوان از راه حقیقی که استقامت در برابر مشکلات است دور شود و ای بسا که ادامه این وضع او را به ورطه سقوط بکشانند و بیشتر این سقوط و کشیدن هاسوی نابودی بخاطر عشق یا شکست در عشق بوجود می آید در حالیکه جوانان نباید چنین باشند.

امروز در روشنی حقایق زندگی جوان ما باید خوب و بد زندگی را بهتر و خویشتن تشخیص نماید زیرا همین تشخیص است که آینده او را میسازد پس پناه بردن به خواب و خیال علاوه از اینکه هیچ دردی را نوا نمیکند بر عکس او را عاقل و باطل بار آورده از او موجود میسازد که نه بدرد خودش می خورد و نه بدرد اجتماع.

و اگر این وضع دوام یابد او را به نابودی و بی چارگی میکشاند.

بنابر این حقیقت جوانان ما باید این موضوع را درک نمایند که وطن و اجتماع بیشتر از هر چیز دیگر به جوانان معقول صاحب عزم و اراده و توانا ضرورت دارد و وقتی این مأمول برآورده میشود که جوانان ما بیشتر به مسایلی فکر کنند که خیر ملت و مملکت در آن باشد تا موضوعات خصوصی و غیره...

حقایق پراش دشوار باشد. اما پناه بردن به انزوا و خود را در خواب و خیال قرار دادن کاری درست و معقول نیست. زیرا شرایط امروز با گذشته تفاوت کلی پیدا نموده و امروز جوانان ما رسالت مهم و ارزنده بدوش دارند که با خواب و خیال نمیشود این رسالت را به پایان رسانید و انجام داد.

قرار احصایه های بدست آمده بیشتر دختران به انزوا طلبی و پناه بردن به خیال علاقه دارند تا ایران.

شکست در عشق یکی از عللی است که دختران را بیشتر و امیدوار تا گوشه گیری اختیار نمایند و به خیال و خواب پناه ببرند. ولی حقیقت اینست که نباید جوانان ما در این مراحل حساس زندگی بیشتر به موضوعات عشقی فکر کنند. زیرا در این مرحله کمتر میتوان به مفهوم حقیقی عشق پی برد و بیشتر عشق های که در این دوران بوجود می آید سطحی و زود گذراست البته نباید این حرف را صد در صد تأیید و تصدیق کرد، زیرا در همین دوران است که عشق های واقعی حقیقی و محکم نیز بوجود می آید اما بصورت کل در این سن و سال کمتر انسان موفق میشود که عشق حقیقی و راستین را از هوس های زود گذر تشخیص دهد.

بنابر آن جوان امروزی ما این صبر و حوصله و استقامت را داشته باشد تا با این مسا

است در کار های خانه سهم نگیرد. دیگر زمان مرد سالاری سپری شده امروز زن و مرد هر دو در تمام مسایل زندگی بدوش هم کار میکنند و عرق میریزند پس آن شوهرانیکه با عقاید گذشته که مرد نباید به امور منزل دست بزند و این تنها وظیفه زن است که در منزل کار کند بداند که اگر واقعا می خواهند خوشبخت باشند و زندگی خانوادگی شان سرشار از لطف و صمیمیت و یکرنگی باشد باید در امور منزل با همسر شان کمک کنند و هرگز اینطور فکر نکنند که چون مرد در خارج از خانه مصروفیت های دارد پس نباید در کار های خانه با همسرش کمک کند. چه دیده شده که زنهای مانند مرثان مصروفیت های اداری دارند و مانند آنان کار میکنند، زحمت میکنند و عرق میریزند، بناء زن هم از خود خستگی دارد و انرژی صرف میکند پس باید این حقایق است که مرد نباید یکجانبه قضاوت کند و کوشش نماید که زن را در امور منزل یاری دهد و همین مسایل کوچک است که تضمین کننده خوشبختی خانواده محسوب میگردند.

عبدالله رومان

جوانان و نقش آنها در جامعه

و عصریکه انسان توانسته است طبیعت را به نفع خویش بکار بیاورد زند، دیگر برای جوانان ماجای گوشه گیری و انزوا باقی نمانده است. باید بایک تکان از خواب گران بیدار شد و همراه با آهنگ گام روان عصر خویش به پیش تافت. باید بطوراعظمی از نیرو و قدرت خویش استفاده نمود و در راه آبادی وطن و جامعه خویش گام بگام با سایر وطنپرستان کشور عزیز مان افغانستان - افغانستانیکه قصداً بنا بر مداخلات امپریالیزم و ارتجاع عقب نگه داشته شده بود، به پیش رفت.

جوانان ارجمند

بباید یکجا و باهم متحد و فشرده مشتهای کوبنده ای بدین ارتجاع و امپریالیزم بکوبیم و نگذاریم باز ارتجاع و عناصر ضد ترقی سد راه ما گردند ما دیگر بروی زندگی شرافتمندانه بیکار می ناییم، حاضریم تا در مقابل دشمنان وطن و خاک، دشمنان آزادی و شرف، دشمنان ترقی و عدالت اجتماعی جان خویش را قربان ناییم. طوریکه هزاران شهید قهرمان در این راه دلیرانه و سربازانه به پیش رفته اند و راه فروزان ما را باریختن خون سرخ خود رنگین نموده اند، ما نیز در تعقیب راه این دلیران و شهیدان مسلح انگاری نماییم و بیری عدالت اجتماعی - برابری رشادات را تا آخرین لحظات زندگی با اهتزاز و سر بلند نگه داریم.

راه صادقانه ما راه هزاران انسان شریف و وطنپرست، راه دلیران و آزاد گان است. راهیکه هرگز دلیران و راهبان این کاروان ترقی و عدالت خستگی احساس ننموده اند و تا سر حد مرگ از آن غنول ننموده اند. با ابراز وفاداری به این راه روح شهیدان خویش اطمینان بخشیم و یک آواز بگوئیم که: رفیق شهید! من راه ترا تا آخرین لحظه حیات تعقیب خواهم کردم.

باشند این امر بین آنها علاوه از ارتباط زن و شوهری نوع دوستی و رفاقت را بوجود می آورد که در امر خوشبختی خانواده رول بسزایی دارد. شکی نیست که بسیاری از جوانان امروزی ما که تشکیل خانواده را میدهند بدین نکته ملتفت اند که دوستی و رفاقت و هم نظری و توافق های روحی عوامل مهم خوشبختی در خانواده محسوب میگردند.

زمانیکه بین زن و شوهر علاوه از روابط زن و شوهری رابطه رفاقت وجود داشته باشد بسیاری از مسایل و برابری های زندگی که خواه ناخواه هر خانواده به آن سردچار می گردند بدون کدام مشکلی حل میگردد.

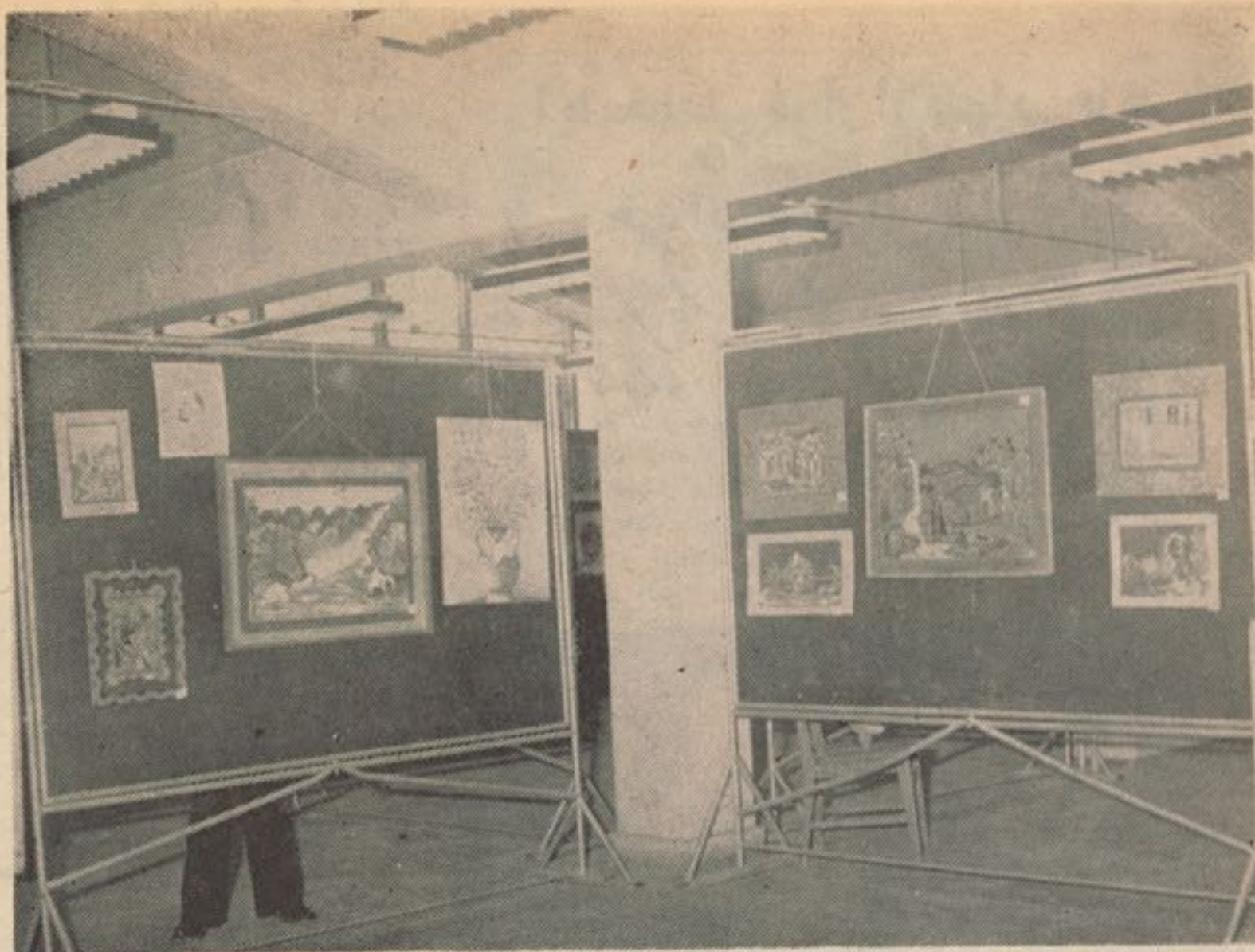
اشتراک مساعی در امور منزل یکی از مسایل بسیار مهم در امر خوشبختی خانواده محسوب میگردد. وقتیکه زن و شوهر بین شان صمیمیت و رفاقت موجود باشد کارهای منزل را با اشتراک هم پیش می برند و این امر بیشتر بر دوام و استحکام خانواده می افزاید امروز که ایجابات عصر و زمان حقوق زنان را با مرثان مساوی ساخته است پس مرد نباید فکر کند برای اینکه مرد

بر همگان معلوم است که جامعه دارای یک سلسله قوانین میباشد که ناگزیر طبق آن باید تکامل نماید. برای ساختن یک جامعه امر ضروری است که باید پدیده های کهنه جای خویش را به پدیده های نو بگذارند. یا بعبارة دیگر سر انجام پدیده زوال یابنده پایه سر آغاز پدیده های رشد یابنده باشد، ازینرو برای ساختن جامعه نیروی خروشان که بطور جدی آن را باید در نظر گرفت همانا نیروی جوان میباشد. این نیروی محرکه در جامعه و زندگی اجتماعی رول بسزایی را دارا میباشد که باید طوری سازماندهی شود که بتواند برای هر نوع فداکاری خدمت و از خود گذری آمادگی جسمی و معنوی داشته باشد. از آنجاییکه جوانان سازندگان جامعه خویش میباشد و فردای کشور به جوانان امروز تعلق میگردد و جوانان چرخانندگان چرخهای آینده کشور خویش میباشد، بیشتر جوانان طرف توجه قرار میگیرد باید طور آگاهانه و فداکارانه از آوان جوانی قسمی خود را در پرورش دهیم تا از قضاوت نسل های آینده سرفرا زبند آئیم و هر عملی را که انجام میدهیم سطحی نگرییم و در کار های خویش نظر انتقادی داشته باشیم. جوان امروز دیگر بیشتر از دیروز باید آگاه، با شهادت متین و متواضع باشد تا از یک طرف برای وضع نظریات و اندیشه های خرافاتی و غیر معقول مبارزه نماید و از جانب دیگر قوانین جدید و میرم حیاتی را کشف نموده بکار اندازد. دیگر جوانان با تمام آزادی میتوانند در همه مسایل اجتماعی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و کلتوری ابراز نظر نمایند و نقش فعال در تمام عرصه های زندگی داشته باشند. قوانین رشد یابنده را پی ریزی نموده و برای رفع عقب ماندگی جامعه خویش فعالانه سهم میگیرند.

در شرایط امروز جامعه ما، در دوران اتوم

به اسامی پر نامیارتباط با تبادله فرهنگی کشور های دوست و برادر ، افغانستان و اتحاد شوروی ، اینک انجمن دوستی افغان- شوروی وانجمن دوستی وارتباط فرهنگی شوروی با افغانستان ، نما یشگاه بزرگ آلبامشترک هنرمندان افغانستان و شوروی را در حالی بر پا کردند که یکصد و ده سال از تولد رهبر کارگران جهان و اولین دوست کشور مسوئلیتی در جهان میگذرد . نما یشگاه مشترک یکصد و ده سال از هنرمندان افغانستان و شوروی و چهل تن از هنرمندان شوروی دایر گردیده ، در حدود دویست و شصت هنرمندان افغانی : یکصد و شصت نفر از نقاشان معروف کشور دوست اتحاد شوروی و از جمله صد تا بلو از شاگردان هنر های زیبای پوهنخی ادبیات به نما یش گذاشته شده که انعکاس دهنده حیات مردم این سر زمین ها میباشند .

خبر نگار هنری مامری به این نمایشگاه که به تاریخ ۲۳ حمل افتتاح شده و تا سوم نور ادامه دارد ، زده و گزارش تهیه کرده که خدمت شما تقدیم میگردد : در شروع عنایت الله شهرانی آمر دبیر انجمن هنر های زیبای پوهنخی ادبیات و معصودی نما یشگاه در جواب سوالی چنین گفت : درین نما یشگاه آثار هنرمندان معروف



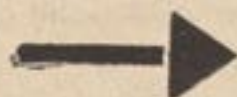
گزارش از : ضمد

نمایشگاه نقاشی آثار هنرمندان افغانی و شوروی

کشور چون استاد غوث الدین ، خانم شکورولی ، استاد غلام محی الدین شینم ، آقای گندمی ، استاد قربان علی عزیز و دیگر استادان به معرض نما یش قرار گرفته و همچنان آثاری از شاگردان سازمان هنری غلام محمد میمنگی نیز درین نمایشگاه به چشم میخورد که خیلی دلچسپ میباشند . ساین آثار از کدام سبکهای هنری نما یند گی میکند ؟ هنرمندان شوروی اکثرا از سبک ریالیزم پیروی مینمایند و انعکاس دهنده واقعیت های زندگیست و هنرمندان از شرایط محیط و ماحولش متأثر میباشند .

هنرمندان افغانی از سبکهای مختلف در نقاشی خود استفاده مینمایند طوری مثال خانم شکورولی آثارش ابستراکت و به شکل مدرن کار شده همچنان آثارشان از ریالیزم نیز نما یند گی میکند . هنرمندان

اگر به تاریخ کشور عزیز ما افغانستان نظری انداخته شود ، نقطه پر توجه یسی به چشم میخورد که روزی برای اولین بار دست های رهبران دو کشور وای. لینن و غازی امان الله به منظور تداوم در تعاون و رعایت حقوق همسایگی همه جا نیه ، باهم فشار عمیق و با یه داری را احساس نمود . یقینا نهال دوستی پرا که این رهبران دو کشور شصت سال قبل غرس کردند ، بایر و بی انقلاب شکوهمند نور ریشه عمیق تر و مستحکم تری گرفته است .



یکی از تابلو هاییکه درین نمایشگاه نظر عربیننده را بخود جلب میگرد .



پیروزی تاریخی

فست و گر بیان شود. صد ها عملیات موفق الجیشی از طرف اردو و بحریه شوروی که مدبرانه صورت پذیرفت بحیث نمونه فسن نظامی در او را قیاسا رنج جاگزین شده است.

ضربه محکمی در پیکر دشمن و متحدین آلمان وارد شد افراد جنگی پو لند، چکوسلواکیا و یوگوسلاویا و دیگر کشور های اروپایی که برای نجات سر زمین شان قیام کرده بودند علیه نازی ها دلیرانه جنگیدند.

سر کی گور شکوفی که در سال ۱۹۱۰ تولد یافته از سال ۱۹۲۷ به بعد در خدمت قوای مسلح اتحاد شوروی ایفای وظیفه میدارد در زمان جنگ وی قوما لدا ن یک دسته نیروی بحری شوروی بود بعد از جنگ مو صوفی قوما لده بحیره سیاه را عهد دار بود. از سال ۱۹۵۶ به بعد او قوماندان اعلی بحری و معاون وزیر دفاع گردید او یک قهرمان عضو کمیته مرکزی حزب کمونسیت و معاون عدد ر هیئات رئیسه اتحاد شوروی است.

مردم شوروی سهم گیری همه کسانی را که در امر شکست آلمان فاشیست اشتراک داشتند به قدر دانی یاد می کنند.

با آنهم اوراق تاریخ به صراحت ثابت می کند که قوای آلمان از جبهه مشخص خوش جنگ را علیه شوروی ها آغاز کردند و تا شکست نهایی در حمله و تجاوز بودند درین تجاوز آلمان صرف قوای فاشیستی آن دخیل نبوده بلکه متحدین آن در عرصه چهار سال جنگ از موقع آلمان هتلی حمایت داشتند و درین نبرد مسلحانه تا پای جان از تجاوز کنار نرفتند و جبهه جنگی شوروی و آلمان نسبت به جبهات دیگر عرض ترو وسیعتر بود جبهه شوروی و آلمان که یک ساحه شش هزار کیلومتر را احتوا می کرد چهار برابر جبهات مانند افریقای شمالی و ایثا لیا و کشورهای غربی بود.

در نود و ن جنگ که در آن آلمان فاشیست سیزده میلیون و شصت هزار نفوس خود را از دست داد تنها در جبهه شوروی و آلمان ده میلیون نفر ازین رفت در جبهه شرقی سه حصه از طیارات دشمن از بین رفت همچنان تانک و توپخانه دشمن کاملاً فلج شد. ارتش سرخ عساکر بقیه صفحه ۵۰

از زمان پیروزی بر فاشیزم جرمنی تا نیم ماه می سی و پنج سال می گذرد به هر اندازه که زمان از جنگ بگذرد اهمیت تاریخی شاهکار ابدی خلق شوروی و قوای مسلح آن در امر سقوط قویترین و ما شین جنگ جهان سر ما به داری وقوه ضربه امیر یا لیزم جهانی در پیشگاه دینش جهانیان رو شتر می گردد در نبرد بی دریغ که یک هزار و چهار صد هژده شبانه روز طول کشید اردو و بحر یسه شوروی نه تنها از سر زمین خود دفاع نمود بلکه بشریت را از جنگال فاشیزم نجات داد.

اردوی هنر در اثر مبارزات اردو و قوای مسلح شوروی تا بود شد بلخا صه قوای زمینی آن نقش فاطمی را ایفا نموده فعالیت های بحریه شوروی در مناطق ساحلی به ستیز پرداخت ملاحان در حصه خسود فعالیت های چشمگیری را برای از هم پاشیدن قوای دشمن و نابود ساختن شبکه های مخفی برای آن انجام دادند بحریه شوروی درین نبرد در خدمت قوای زمینی قرار گرفت و همه سواحل را که قوای زمینی شوروی نیز در آن قرار داشتند نیرو مندانه حراست نمود ملاحان شوروی در اوراق تاریخ قهرمانی نبرد قوای مسلح خا طرات روشنی از خود بجا گذاشتند و خود را نمونه جرات، شهامت و فدا داری و قهرمانی ثابت کردند.

اردو و بحر یه شوروی درین پیروزی به اقتصادی مو سیبا لیمتی اتکا داشت اقتصاد را یش سوم و اقامت رش در آن زمان نسبت به اقتصاد واحد شوروی نیر و مند تر بود در سالیان جنگ صنایع شوروی از یک و نیم تا دو چند ظرفیت تولید تا نك، تو پخانه ها و وان و طیارات را نسبت به آلمان فاشیست داشت.

پیروزی اتحاد شوروی بر آلمان هتلی به اثبات رسانید که تشکیلات عسکری این کشور مو سیبالیستی بود و شک حایز تفوق بر اردوی دول امپریالیستی بود. قوما لدا نی سوق الجیشی شوروی نسبت به قوما لدا نی هتلی بهتر بود علاوه بر آن مو صوعات جنگی از طرف شوروی ها عمیقاً ارزیابی می شد مترا تیزی و فن جنگی شوروی فوق العاده قوام گرفته بود و ظرفیت آرا داشت تا با حوا دیکه در آن زمان مترا تیزی و فن جنگی آلمان قادر به مقابله با آن نبود

از رنگهای سرخ، نارنجی و زرد. - آیا تا حال از آثار خود نما یشگاه دایر نموده اید؟

- نما یشگاه مستقل از آثار خود دایر نکرده، اما در دو نما یشگاه که در پوهنتون دایر شده اشتراک نموده ام.

- نظر شما به صفت یک هنرمند در مورد این نما یشگاه چیست؟

- این نما یشگاه وسیله ایست تا هنرمندان با هم در مورد هنر شان تبادل افکار کنند و از یکدیگر بیاموزند، همچنان این نما یشگاه در مجموع بیانگر زندگی واقعی مردمان دو کشور دوست و برادر می باشد.

- در طول چار سال در پوهنتون چند تابلو کار کرده اید؟ فقط پنج تابلو!

- بسیار کم نیست؟

- ممکن کم باشد، اما مواد اولیه اشرا در دست ندا شتم تا زیاد کار کنم امیدوارم در آینده زیاد تر آثاری به وجود آورم. از عیدالمسیح مسعود محصل صنف ۲ هنر های زیبا پر میدم:

- شما درین نما یشگاه چند تا بلو دارید؟ شش تا بلو! از جمله: سلما نی، دهقان و تابلوی فرامین هشت و هشت.

- از کدام سبکها نمایندگی میکنند؟ از کوبیزم و میناتور.

- یعنی دو سبک متفاوت، چرا نمیخواهید از یک سبک به صورت درست استفاده کنید؟ چون فعلاً محصلم، میخواهم از هر سبک نمونه ای داشته باشم و در اخیر یک سبک را انتخاب نموده آثارم ادامه میدهم. شما کدام یک آثار انتخاب خواهید نمود.

- فکر میکنم، میناتور را.

- به آرزوی موفقیتش صحبت را با فریدکمالی یک تن دیگر از هنرمندان این نما یشگاه دنبال میکنم.

- او میگوید درین نما یشگاه یک اثر به نام «پشکها» اند که یکی از خصایص طبیعی این زنده جان را نمایش میدهد. سوی پرو سبک ریالیزم بوده و عقیده دارد که یک هنرمند باید با لای اتر زیاد کار کند تا تابلوی با اثری به وجود آورد که به هنرش لطمه نرند.

- عبدالشریف عزیز یار که تا بلو های کوچه هندو گذر، جنگ گوزن و طبیعت بیجان را درین نما یشگاه به معرض تماشا قرار داده است میگوید: از ریالیزم آثار زیادی دارم اما میخواهم ببر وسبک امپرسیو نیزم باشم.

- آیا آثاری از این سبک مدرن کار کرده اید؟

- خیر، اما در همین نزدیکی نزدیک تر از کمالیکه درین رشته معلومات کافی دارد، آثاری ازین سبک هنری به وجود خواهم آورد.

- و من با آرزوی موفقیت تمام هنرمندان این صحبت را به پایان رسانیده و مساعادت و کامکاری برای شما خوا نسته های عزیز نیز از بارگاه ایزد متعال تمنا دارم.

افغانی نیز موافقانه تواتر اند شرا بط محیطی را در آثار شان طور شاید و باید انعکاس دهند.

- آیا بعد از ختم نما یشگاه، این آثار به فروش میرسد یا چطور؟

- یک تعداد آن قبلاً ریزری شده و به فروش میرسد و یک تعداد دیگر آن به موسسات شان دوباره سپرده خوا شد.

- آیا از هنر قدیم افغانستان هم آثاری درین نما یشگاه جا دارد؟

- استاد هما یون اعتمادی که از میناتور-نیمت های پزگنده کشور ما هستند با آثار شان که از هنر قدیم افغانستان عزیز یا بهتر بگویم «هنر مینا توری» اشتراک کرده اند که تا بلو های شان زیاد طرف توجه واقع گردیده است.

- باید تذکر دهم که یک تعداد شاگردان هنری از ولایت هرات با آثار شان درین نما یشگاه که میناتور کار شده حصه دارند.

- از عنایت الله شهبازی خوا شتم تا به طور نمونه از چند تا بلوی خوب این نما یشگاه را نام ببرد که در پا سخ گفت:

- همه آثار این نما یشگاه قابل قدر و تو صیف است و به طور نمونه از چند تابلو یاد آور میشویم که عبارتند از: «سال ۱۹۴۱ مداخله فاشیست ها در شوروی، روز پیروزی، و لدنگ کاران، شب بهار، دهقانان، زندگی دهانی، مراسم بعد از تدفین، در راه نبرد، سواران انقلاب، بزمی فروش، دختر افغان، مر وارید های بیابان، فالکین، طفل و مادر، خرابه های لشکر ساه، نونی نواز و غیره که با رو غنی، شبکه، تو ش، نوک آهنی، جوب برجسته، گنج، کولاز، رنگ آبی، موزاییک، خطاطی، چاپ دستی، ذغالسی سلکسکرین و پا رسل کار شده است. از غلام عمر اسحاق محصل صنف چارم دیار تمت هنر های زیبای پوهنتون ادبیات و علوم بشری که سه تابلو درین نما یشگاه دارد پر میدم:

- کدام تا بلوی شما درین نما یشگاه زیاد تر جلب توجه نموده است؟ گفت:

- یک تا بلوی به نام «ستدیوی هنرمند» است که را متی طرف علاقه هنردوستان قرار گرفته است. درین تابلو کوشیده ام فقر یک هنرمند را نمایش دهم و چنانچه خود دیدید، بیننده هنرمند را ناقص می بیند که درهم و برهم بوده و تابلو های نیم کاره نیز به چشم میخورد همچنان چشم نیز بین تماشاچی می بیند که هنرمند به چه نوع مشکلاتی در زندگی رو بروست که همه این ها دست به دست هم داده و هنرمند را زهیر و پیرز ما خسته است.

- ساز کدام نوع رنگها استفاده مینمایید؟ ساز رنگهای گرم.

- رنگهای گرم را اگر کمی ترو صبیح دهید!

- رنگهای گرم عبارت از رنگهای است که زود تر به چشم بیننده کار کند و عبارت

عشق و بیعت انسان

ترجمه: میرحسام الدین برومند

گرچه فصل شکار پرند ه های دریای آنجا فرا نرسیده بود، باوصف این، پیوتر ریابینسکی یک قازوحتی شکار شده از بحر را با خود همراه داشت. پیوتر به نحوی که گویی نادم از کرده خود است، پرند مذکور را نظاره داشت... متعاقب آن نگاه های غصه آلودش به دوردست ها کشیده شد. از نگاه های رقتبار مرد پیدا بود که او به دنیای پرندگان دریایی می اندیشید و به اینکه بعضا چه بیرحمانه این پرندگان را شکار میکنند.... «تلیانیکوف» مفتش ساحه شکار از پس یک جزیره کوچک ظاهر گردیده و قایقش را بسوی او میراند، نگاه های مرد مذکور عم آلود مینمود. او همان نگاه های سرزنش آلود و ملامتبارش را بسوی پیوتر ارزانی داشت. مفتش وظیفه داشت، ناظر بحر بوده و بدون از فصل شکار و ساعات معین شکار پرندگان دیگر به هیچ فردی حق شکار قاز های وحشی آن بحر را نمیداد.

«تلیانیکوف» اصلا پیوتر را نمی شناخت فقط این سومین باری بود که وی را با قایقش در آغوش بحر مشاهده مینمود. پیوتر در دفعات قبل بجز اینکه بیسودم باروت بافروزد، کار دیگری نتوانسته بود انجام بدهد. انکار شکار و نشان گیری را بلد نبوده باشد... پیوتر چون نزد برادرزاده کوچکش از زیبایی قاز های وحشی بحر تعریف کرده بود، پسرک او را به غصه نشانده، برادرزاده اش که سخت متایل بر رفتن با او گردیده بود تا توانست اصرار نمود. پسرک که نامش «هولگا» بود هشت سال پیش نداشت، هولگا را از شکار بیحد خویش می آمد معذالک او در شکار و نشان گیری دست کوتاهی از شکارچی ماهر نداشت. هولگا پرندگان زیادی را که بر شاخه های درخت منزل می پریدند همیشه شکار

کرده بود، از طرفی قشنگی قاز های وحشی هولگای کوچک را وسوسه کرد... آفرین هولگا با کاکایش نیرزدل بدریا زده بود، راستش اینکه لحظاتی بعد این هولگا بود که قازوحتی را صید داشته بود، نه کاکایش پیوتر. «تلیانیکوف» که از ابتدای ورود با قایق خود، ناظر و مشاهد قایق کوچک آندو بود بوضاحت دریافته بود که هولگا شکارچی خوبی است. او صدای پیوتر را شنیده بود که از هولگا تعریف کرده و با تحسین مخاطبش ساخته، میگفت:

- آفرین پسر، تو واقعا نشان زن ماهری هستی، مرچیا!

پسرک بدون آنکه برخود بیالد فقط جواب کاکایش را با خونسردی تحویلش میداد:

- هان، نشانم خوب بچان قاز اصابت کرد. هولگا بعضی اینک نگاه های «تلیانیکوف» بسوی کاکایش دوید دریافت که میان آندو یک دیوار وجود دارد... یک دیوار باریک که هر آن باریکتر شده میرود. پسرک دریافته بود که نگاه های مرد بیگانه، نگاه های عادی نیست، نگاه های ملامتبار است... پسرک هر آن متجسس تر شده میرفت، دلش میخواست این مرز را بشکند، میخواست بفهمد نگاه های مرد چرا ملامتبار است و سر انجام به واقعیت این امری برد... آری او فهمید که کاکایش کار نامناسبی نموده، قانون را رعایت نکرده چونکه شکار قاز ها ممنوع بود. پیوتر در حالیکه سراپا خاموش بود و غافل از اینکه مردی بخاطر حرکتش از وی رنجیده، قاز را

در گوشه قایق گذاشت، درین اثنا صدای «تلیانیکوف» توجه اش را بخود کشید که مدعی بود:

بایستی تو مطابق پروتوکولی که همین اکنون من و تو امضاء میکنیم، پس از پس عمل کنی. پیوتر با آرامش ظاهری که در پشت آن یکنوع شرارت نهفته بود، گفت:

پروتوکول... درنگ دیگر برای چه؟

«تلیانیکوف» که خود انسان رموز فهمی بود متوجه گشت که پیوتر حالتی بهم خورده و نزدیک است اصحابش متلاشی شود، ابتداء بانکاه های دلسوزانه بسوی «هولگا» نگرست... بعد از تو بسوی پیوتر رخ نموده، گفت:

- تو خود مقصر هستی، مقصر برای آنکه قانون را خوب بلدی و می شناسی ولی بدان عمل نمیکنی، علی الرغم اینهمه بی توجهی ها سعی میکنی خودت را خصما گین جلوس دهی... مطمئنا وقتی پروتوکول را امضاء نمایی، بدین حوالی دیگر سری نخواهی زد، و آنکسی «تلیانیکوف» بلا درنگ قلمش را بیرون آورد... دست پیوتر روی کاغذ دویده، درین میان پیوتر از توبه بازویدن قایقش متوسل گردید... قایق پیوتر بسان ساعته از قایق مفتش فاصله گرفت... قایق مفتش حالت نوسانی داشت، شخص تصور میکرد که

قایق در حال غرق شدن است اما خیر، لحظه به لحظه سرعت قایق تندتر گشته و دل آب را راپاره میکرد... موقور هر دو قایق قوی بود و مطمئن، منتهی از نگاه ساختمان قایق ها از هم متفاوت بود و تفاوت سرعت میان دو قایق را همین عامل باعث شده بود. قایق ها بطور اصرار آمیزی در میان امواج بحر بسازی میکردند. «هولگا» خودش را روی عرشه کشتی بسوی بحر آویخته بود، گویی او میخواست با امواج بحر برزمد... طبیعت منظره دلغریبی به بحر داده بود، نور و سایه بحر را در بر کشیده بود، انعکاس نسور پردرخشش آفتاب از بالای قله «آلین» در آب

بحر، برای رویا های کودکان «هولگا» رویایی ویرانگرند بود، نور مهتاب پس از عبور میان شاخه های درختان و اشجار کنار ساحل که روی آب بحر افتیده بود، منظره وجدآوری برای «هولگا» ساخته بود، «تلیانیکوف» همینکه دید پسرک خودش را روی عرشه قایق خم کرده و با رویاهایش در چنل است، آینه بارخلاف سرعتی که قایقش را پیدان سرعت میراند، نه تنها از سرعت قایق گاست بلکه متوقفش ساخت. حالانکه درین اثنا، قایقی که پیوتر و برادرزاده اش «هولگا» سوار آنبودند با سرعت هر چه بیشتر میرانندند، قایق دل آهبا را پاره میکرد، آهبا را کنار میزد و بجلو راه می پیمود، انگار قایق با دو سرشین اش قصد پرواز داشتند. «هولگا» باردیگر از جهان تخیلات و رویا هایش بجهان حقایق برگشت، از خودش پرسید: چرا اینهمه ناراحتی! بزودی متوجه گردید که این غصه و ناراحتی را قاز بدویار آورده است و الی درین هوای سرد و توفانی، سرگردان در بحر قایقراندن، هیچ لزومی نداشت... آنان از قانون سر پیچیده بودند چه قانونا حق شکار آن قاز های وحشی را نداشتند، «هولگا» پسر حساسی بود، در بخش لحظه به لحظه فزونی میگرفت، با خودش میگفت: از قانون سر پیچیدن، بعدش هم فراز کردن ابداء عاتله نیست.

«هولگا» تصور کرد که چیزی در درو نش است که می آزارش این نداست... باطنش بود، ندای فرا و گرین از قانون، ندایی بخاطر بی التفاتی در برابر ضابطه ها و مقرره های اجتماع. قایق عقبی باز هم براف افتید و تندتر و تندتر حرکت کرد انگار می خواست. قاز وحشی را که هولگا شکار کرده بود از ایشان باز ستاند. به یکبارگی پسرک ازین اتفاق متحیر گشت، التماس کتان از کاکایش خواست قایق را متوقف سازد. و آنوقت دو قایق بسایه کسو یی بهمیدیگر چسبیده باشند، کنار هم قرار گرفتند.

برخلاف حدس و توقع، «تلیانیکوف» با نگاه های ملامتبار آندو را نگاه نکرد، بلکه این نگاه ها نگاه های دلسوزانه بودند. «تلیانیکوف» وظیفقا بایستی آندو را توبیخ و نکوشت میکرد که چرا بدون اجازه و فرا رسیدن موعد شکار، به شکار پرندگان پرداخته یو دند لا کن تلیانیکوف بر کاکا و برادر زاده مذکور سخت

چنگ گرفته بود خواست از ماهیان شوربایی
دوست کند ... آتش را روشن کرد . درین
میان صدای خشن خشن برکهای درختان توجه
«هولکا» را بخود کشید . «هولکا» نزدیک
آتش زانورده بود. هولکا درین هنگام به آتش
و حرارت آن فکر می کرد و به جرقه های آن.
سوالاتی چون آتش چگونه تولید میشود ، قاز
هارا چرا نباید شکار کرد ... می اندیشید.
درین میان رشته افکارش به یکبارگی از هم

گسست . به بازوی پیوتر چسبیده و پرسید:
- آیا ماه قایقرانی درین بحر برای شکار
گاهی دیگر هم خواهیم آمد؟

«پیوتر» که او هم مسرور آشپزی بود
فقط با جنبانیدن سر ، تایید کرد که حتما
اینکار را تکرار خواهند کرد . «تلیانیکوف»
خطاب به «هولکا» گفت :

- پسر من اینکه هرگاه هرکس برای
شکار قاز ها اینجا بیاید مطمئنا پس از مدت

یک گوشه طبیعت را کاسته باشیم ، کساری
نکرده ایم ، اگر بیرحانه پرند ها و
موجودات و حیوانات را که به طبیعت زیبایی
می بخشند ، محیط باغها و ابحار را تماشایی
میسازند ، از بین می بریم جز اینکه نسل
پرندگان و حیوانات مذکور را از بین برده

باشیم کار دیگری را از پیش نبرده ایم .
تلیانیکوف متعاقبا از نگاه های سرافراز
در فکر و بهت زده پرسرگ فهمید که او تاجه
حد نادم است بناء محزونانه گفت : ما شتاب
کردیم ، طبیعت زیبا و دوست داشتنی است
باید قلبا طبیعت را دوست داشت . «هولکا»
از مرد مفتش پرسید :

- این قاز ها بعضا دورتر از بحر پرواز
میکنند برای چه ؟

- برای ادامه حیات ، برای چیدن دانه .
اگر این پرندگان بالای چمنزار ها به پرواز
می آیند ، روی سبزه و علف های نشینند



کوتاهی هیچ پرند بی درین بحر نخواهد ماند.
مگر ما چرا بیسوده نسل این پرندگان را از بین
ببریم ؟ آیا این عقل زیاد مضحک نیست ،
هرگاه این پرندگان بیرحانه شکار نشوند
تا سال دیگر شمار این پرندگان دو چند می
شود «هولکا» گرچه ظاهر اوسط «تلیانیکوف»

مخاطب ساخته شده بود لکن چشمان کاششگر
او ملتسانه به آتش که به رنگهای زرد و
سرخ میسوختند ، خیره شده بود . باز هم
بقیه در صفحه ۵۰

صفحه ۴۳

برای آنست که محل مناسبی را برای گذاشتن
تخم هایشان بیابند ، تو «هولکا» اگر روزی
تخم پرند بی را دویک ببشی پیدا میکنی که
صاحب تخم آنرا پنهان کرده بدان آسیبی
مرسان . پیوتر که میدانست با متوسل شدن
به شکار قاز وحشی مرتکب یک اشتباه شده ،
نیز بسان «هولکا» نادم از کرده اش بود .
قلب کوچک پرسرگ برای خوبی ها می تپید .

او دیگر مصمم شده بود که همیشه پرسرخوب
و مطلوبی باشد . پرسرگ دوماهی را که قلا با

خوبی های آن بیتفاوت مانده و بعضا طبیعت از
وجود چنین اشخاص کم التفات صدمه و زیان
می بردارد ، معذالك به «هولکا» گفت : اگر
کلی را از گلبته جدا کنیم جز اینکه حیات
کل مذکور را گرفته باشیم و بخشی از زیبایی

دلت سوخته بود مخصوصا بیچاره هولکای
کوچک بیمورد و بخاطر هیچ چرا چنین کار
شاقه را پسر میسرانید و در بحر سرگردان
میماند . همچنان تلیانیکوف دلت بحال
آنانی میسوخت که در پسر ا بر طبیعت و



تصویب اصول اساسی

بخش مهم دیگر در اصول اساسی ج، د، ا حقوق اساسی و مکتفیت های مردم افغانستان میباشد. درین بخش وظایف و حقوق و مکتفیت های اتباع بشکل دموکراتیک و مترقی آن تشریح شده است. در اصول اساسی حقوق تمام اتباع ج، د، ا در برابر قانون مساوی اعلان شده است این تساوی حقوق را هیچ چیزی از قبیل فرق نژادی، قبیله ای، زبان، جنس، متوطن بودن در هرجا، دین، مذهب، سویه تحصیلی، نسب، دارایی و موقف اجتماعی نمیتواند برهم بزند. همچنان در افغانستان هیچکس حق ندارد تا با استفاده ازین حقوق علیه منافع جامعه و دولت و آزادیها و حقوق سایر افراد استفاده نماید. در پهلوی این حقوق مکتفیت هایی از قبیل احترام بقانون و رعایت آن، رعایت اصول اجتماعی و انسانی، انجام سادقانه ی وظایف و واجبات، احترام به حقوق و آزادیهای سایر افراد جامعه و غیره درج گردیده است. همچنان کار مفید و اجتماعی نیز وظیفه انتخاب آریز هر فرد قلمداد شده است. در اصول اساسی ج، د، ا خدمت در راه دفاع وطن قهرمان و مقدس مایه ی خدمت زیر بیرق اردوی ج، د، ا یک عمل پر افتخار دانسته شده است. هم چنان وظیفه ی اساسی اردوی قهرمان وطن دفاع از تمامیت ارضی، دست آورد های انقلاب شکوهر آفرین نور، استقلال ملی و حاکمیت ملی و وطن و امنیت وطن و مردم می باشد و هکذا دولت مکتفیت دارد که در راه تقویه و رشد سیاسی و اجتماعی و مادی منسوبین قسوی مسلح ج، د، ا مساعی بخرج بدهد.

برای وفاء و بسر بردن حیات مطمئن هموطنان شریف ما ایجاد نظم دموکراتیک دولتی واداری بحيث یکی از اهداف اساسی دولت ج، د، ا قبول شده است. لویه جرگه (شورای عالی دولتی) که به اساس رای گیری مستقیم، سری، عمومی، آزاد و مساویانه تشکیل خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تذکر رفته است که لویه جرگه طی اولین اجلاس خود سند مهم یعنی قانون اساسی ج، د، ا را به تصویب می رساند.

در مورد حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم مادی بیست و نهم چنین می گوید: «برای اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان حقوق و آزادیهای دموکراتیک ذیل تامین و تقسیم میگردد:

- ۱- حق زندگی و معنویت. ۲- آزادی کامل ادای مناسک دین مبین اسلام و همچنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون. ۳- حق کار. ۴- حق وقایع صحت و تأمینات اجتماعی. ۵- حق تحصیل. ۶- آزادی فعالیت های علمی، تخیلی، کلتوری و هنری مطابق به اهداف انقلاب. ۷- حق بیان آزادانه و علنی فکر، تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز و هم چنین حق اتحاد و تظلم در سازمانهای دموکراتیک و مترقی اجتماعی. استفاده از حقوق مذکره در چوکاتیکه نظم اجتماعی، آسایش

مختصر

یادداشتی

در روز های دفاع از استالینگراد من معتقد شدم که: سر پا زی که برای امر حق بیکار می کند قوی تر از آتش و فلز است و نیرویی وجود ندارد که بتواند او را برانود و در آورد. محاصره شهر از سیزده سپتمبر سال ۱۹۴۲ تا سی و یک ژانویه سال ۱۹۴۳ تا ابد، الهام بخشش تمام مردم آزاد روی زمین خواهد بود. زیرا مقاومت و حمله متقا بل آن هانقطه تحول در جنگ ملل متفق بر ضد نیروی متجاوز واقع شد.

نیرو های جنگ دوم جهان و پایداری های از تش و خلق شوروی و اضمحلال فاشیسم صفحات درخشان و جاودانی را بر تاریخ جنگهای عادلانه افزود که ورق ورق آن از شهادت و مردانگی پایداری و خود گذری میهن پرستی و اثرنا سیو نالیستی مردمی سخن می گوید که فاشیسم را نابود نموده و بشریت را از خطر نا بودی نجات داد. و این پیروزی در بهار سال ۱۹۴۵ با اهتزاز پرچم سرخ بر فراز برلین شکست فاشیسم را بجای تیان اعلام داشت...

بیست و چهار جون ۱۹۴۵ پیروزی در میدان سرخ مسکو بر گذار شد. بیرق ها و نشانه های لشکر و اخورده فاشیسم در پای آرا مگاه لینن کبیر بزمین ریخته شد.

زیرا فاشیست ها بدو قیدو شرط تسلیم شده بودند.

رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در اخیر جنگ نوشته بود:

(بدون شک از تش شو روی و مردم شوروی، نیرو های مسلح هلر را وادار ساختند که در راه شکست نهایی حرکت کنند).

مردم شو روی در ین جنگ بیست میلیون نفر قربانی دادند.

مقتنه قضائیه می باشد در مورد لویه جرگه و طرز العمل بیان آمدن آن قبلا تذکر داده شد و بعد از لویه جرگه عالی ترین ارگان با صلاحیت دولتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شناخته شده است. شورای انقلابی مطابق به احکام اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف قوه مقتنه را اجرا می نماید. اموری را که شورای انقلابی پیش می برد عبارتند از تشکیل هیات رئیسه ی شورای انقلابی، حکومت و سایر ادارات عمده دولتی، بیان آوردن پروگرام های انکشاف اقتصادی و اجتماعی و منظوری بودجه ی دولت و غیره. باید دانست که در خلال مدت ین جلسات شورای انقلابی، هیات رئیسه ی این شورا عالی ترین ارگان با صلاحیت دولتی میباشد. همچنان اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صورت ماده وار صلاحیت های هیات رئیسه ی شورای انقلابی را متذکر شده است. همچنان درین فصول اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف و صلاحیت ها و طرز العمل خادموالی و قوه قضائیه بروشنی کامل بیان شده است. و هکذا در فصول بعدی صلاحیت ها و طرز العمل حکومت و ادارات محلی بیان شده است.

بامرور کوتاهی که فوقا از اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت گرفت دیده می توانیم که اولاً دولت انقلابی ما هر آنچه می گوید در عمل پیاده می نماید و ثانیاً تصویب این اصول اساسی را می توان آغاز دوران جدیدی در رشد سیاسی و حقوقی جمهوری دموکراتیک افغانستان نامید. همچنان تصویب و نافذ شدن این اصول دموکراتیک، ملی و مترقی پلنا به کام فراخی است در جهت تامین حیات سعادت مند، معشون و مطمئن و خوشبخت برای همه مردم شریف افغانستان. مآذر حالیکه تصویب این اصول اساسی را نمایانگر انقلابی بودن، دموکراتیک بودن و ملی بودن حزب، دولت و حکومت ج. د. افغانستان می دانیم آنرا به هموطنان تبریک می گویم. زنده باد مردم

دندری پر هختگ...

دغه رسم اوس دو ارسا په ملی موزیم کی موجود دی اود پو لنډ دیو مشهور نقاش «انتولی پردوسکی» واسطه رسم شویدی.

ختگه چی: ددی رسم د کینلو ختگه خه کم دوه سوه کاله تیر پزی اوس نو تاسو ددی پته لکولی شی چی دیو لیند په هیواد کی خومره ترقی او پر مختگو نه دهغه هیواد دوگرو په ژوند کی منځ ته را غلشی دی

بنا کوو نکواو جوړوو نکو یو سکین رسم کړی او بیا هغه سکیل یسی دډول او شکل او ما هیث له مخی دودی وگرځولی ترڅو دهغه له مخی وکولی شی چی ژوند دا تیا ولری کولو ته یی پسه کار واچوی تاسی چی دا پور تنی څیره گوری داد یو هلک پور تربیت (رسم) دی چی په خپل لاس کی یوه کو تره لری او په (۱۷۸۲) کال کی ترسیم شویدی

د ۳۳ مخ پاتی

از پنج تا ده سال ...



دول تربیوی که دارند مساله کمبود پر سول با تربیه دو کتو را ن جوان تکتیشن - لبرانت ها طی دوره های معینه ترینگ جبران میگرد چه دسته یی از استاذان متخصص دسپلین های مختلفه طب طی دو سال گذشته یا جام شپاد نوشیده اند و یا از وطن و کشور متواری گشته ویا از ساحه طب و طبابت کنار کشیده شده اند روی ایسن اصل دسته یی از دو کتو را ن که از دم سا طور امین خون اشام در قید حیات با قیما ند اند واز مسلك بدور نگه داشته شده بودند وایسن به ادای و جایب مسلکی ووظیفوی ایشان گماشته شده اند و برای ازبین بردن سابعات علمی و فرهنگی تعداد قابل ملاحظه یی از سول تابع پروگرامهای تربیوی فوق الذکر قرار گرفته اند در شرايط کتونی دو کتو را ن ما در رشته های آتی زیر تربیه قرار داده شده اند:

رشته جراحی عمومی - ارتو پیدی - جراحی عصبی - جراحی قلبی و جراحی اطفال - رشته داخله عمومی - داخله اطفال - امراض ساری بشمول توپر کلسوز ربوی -

رشته طب عدلی و ینی رشته چشم - رشته عقلی و عصبی و هم چنین در دسته های رادیو لوژی وخدمات لا براتواری و انستیزی و پنا لوژی و مدیکل ریکارد نیز پر سونل در داخل خدمت زیر تربیه میباشند.

غالباً مراجهان مراکز معالجوی کشور و خاصاً مراجهان شفاخانه های و لایات شکایاتی دارند که میتوان انگیز عمده ترین موارد آنرا در کمبود متخصصان و کادر مسلکی - کمبود دوا و بستر و وسایل لابراتواری - غرضه خدمات نا کافیه ناقص برای بیماران و مقداری هم بی مبالایی و بی توجهی کارکنان ایسن مراکز خلاصه کرد بدون شك تجویز شفاخانه ها به وسایل مورد نیاز بسط و توسعه ساحه خدماتی آن و افزایش بودجه و پرسونل بایک مراقبت جدی از نحوه کار میتواند در رفع این شکایات موثر

باشد شما برای از میان برداشتن این نواقص چه طرح عملیاتی را برای تاسیسات معالجوی و شفاخانه ها پیش بینی کرد اید؟

برای است طب معالجوی هدا بتداده شده تا در این زمینه عملیاتی علمی را که در آن درحد امکانات بتوانیم مشکلات مراکز معالجوی را رفع سازیم در دست اجرا بگیرد.

لکات مهم این پلان در این موارد خلاصه میگردد:

همه موسسات صحی معالجوی ولاراتی و مرکزی کشور را از لنگاه وضع تسهیلات تربیوی سامان و آلات طبی، ادویه، و قوای شری وضع مالی و بودجوی زیر ملاحظه بگیرد.

نا بسا مانی های ار معان های شوم قبلی را دو باره مورد ملاحظه قرار داده و با اسانس خدمات ها و لیت ها تا جایککه امکانا ت میسر باشد پر سونل مسلکی واداری وادویه تهیه بدارد.

از آنجا یکک خالیگاه علمی در ساحه پروگرامهای تربیوی بخصوص دو کتو را ن جوان طب طور متبازر محسوس بود یک گروپ از دو کتوران (۶۱) نفر در رشته های مختلفه طب در موسسات مرکزی که دول تربیوی را به سوبه تخصصی عهده دار میباشند تحت پر وگرام مرتبه ترینگ قرار داده شوند بر علاوه برای دفع نیازمندی پرسونل طب دندان و همچنین ده نفر در مکتب عالی طب دندان و همچنان یک گروپ در چوکات فاکولته طب دندان جهت ترینگ گماشته شده اند. در ساحه پذیرش متعلمین در رشته خدمات ترینگ در ساحه طب دندان نیز ندا بیر عملی اتخاذ شده است.

هم چنین - تدویر کورس انستیتوت رادیو لوژی - تدویر کورس در ساحه تکنولوژی طبی -

طرح پروگرام تربیوی تخصصی در رشته انستیزی برای دو کتوران و گروپ از ترسها.

متن مرکز ساختن سرویس های ساری در چوکات «اینستیتوت ساری ناسی و غی روغتون» بمنظور عرضه خدمات موثر برای مریشان مبتلا با امراض ساری و پیشبرد سیستماتیک و عملی کردن پروگرام های تربیوی دو کتوران و سایر کتواری پرسونل مورد نیاز در شمار کارهای انجام شده میباشند.

برای تو حید و منجم ساختن امور مربوط به احصایه صحی فعالیت هستی موسسات صحی معالجوی طرح و پروگرام کورس تربیوی رشته میدیگل ریکارد دوام دارند به خاطر پیشبرد پروگرام های تربیوی پر سونل مورد ضرورت ولایات کشور و بمنظور عرضه خدمات طب عدلی - بیماران آوردن یک واحد منظم اداری در چوکات ریاست طب معالجوی دولی دست است.

و ادغام شعبه پتالوژی انستیتوت ملی لابراتواری های مرکزی به دیپارتمنت پتالوژی پوهنهی طب کابل، جهت فراهم آوری تسهیلات بهتر و موثر برای ترینگ دو کتوران جوان و عرضه خدمات مربوطه بشمول خدمات در ساحه طب عدلی، متناز پنج پا به دستگاه اکسریز (بشمول نصب یکپایه دستگاه اکسریز پتالوژیون) در انستیتوت ملی را دیو - لوژی و نصب یک دستگاه اکسریز در روغتون علی آباد در جمله کارهای دیگری است که بزودی به انجام خواهد آمد.

تدویر شعبه طب دندان برای اطفال در چوکات ریاست ستو مانی تو لوژی و متناز یک دستگاه نداوی دندان در کلینک

سوم ریاست ستو مانی تو لوژی،

طرح و تطبیق لایحه مواد غذایی و رژیم غذایی مریشان، پرسونل بادر نظر داشت پر سونل تو کوریول روغتون های مرکزی ولایات.

و طرح و ترتیب لایحه ینی بر کمیته تنظیم و عرضه خدمات صحی موسسات مربوط.

بقیه صفحه ۱۹
نگرشی کوتاه ...

های رنگی در کاغذ چلادر که به فراوانی در متن مجله به چاپ رسیده و حتی یک سوم آنرا احتوا میکنند قیمت مجله را بلند میبرد که این در شرايط اقتصادی کتونی نمیتواند مورد تأیید قرار بگیرد و از سوی دیگر این گمان را به وجود میآورد که گردانندگان «طفل و مادر» - به فورم و شکل نسبت به چگونگی ارائه محتوای مجله ارزش گذاری بیشتر می کنند.

تو مطلبی که پیرامون ارزش دیکوراد سیون دیکورشن و تأثیر آن بر روح - اسباب بازی با لای کودکان «نقش بازیچه ها در انکشاف ذکای کودک» به نشر رسیده است نشان میدهد که توجه کمتری به وضع اقتصادی و سوبه زندگی همگانی مردم ما شده است چه آنچه در این دنگارش مطرح گردیده و مخصوصاً کلیشه های رنگینی که از اسباب بازی

طب معالجوی و تجدید نظر در مورد مقرره پرکتس شخصی اطباء و منسوبین طب در دست اجرا بوده و یقین دارم با عملی شدن ایسن کار بخشی عمده یی از شکایات در زمینه حل و رفع گردند.

وفورم دیکور اناقی ها به چاپ رسیده است فقط میتواند مورد پریش یک اقلیت کوچک نیم فیصد جا معال قرار گیرد و پس وجه خوب بود که در این مورد سطح اقتصادی عمومی مردم مادر نظر گرفته می شد.

نشر و چاپ مجله وزین «طفل و مادر» به وزارت تعلیم و تربیه، ریاست کودکستانها کارکنان آن و همه یی اهل مطبوعات صمیمانه شاد باش میگویم و آرزو داریم این مجله در شمار ه های بعدی خود بادرک شرایط ذهنی و عینی جامعه و خصوصیات فرهنگی واجتماعی و اقتصادی که دارد با شناخت هر چه بیشتر عوامل تارمایی در میان خانواده ها و آنچه که سلا منی و پرورش طفل و مادر را ملزم میزند و با نشر مطالبی پیرامون «سبب صحت» - بهبود نامحالات بدنی روانی و اجتماعی - هر چه بیشتر روی هدف نشراتی خود استوار باشند و در زمینه های آموزشی و پرورش نقش ارزشمند خود را برای مادران و خانواده ها به ایفا گیرند.

خرید نان

خانمی برای همایه اش درد دل میکرد :
 راستی خواهر میدانی چه بلای به سرم
 آمده است ؟
 - تا حال درست يك ماه میشود كه شوهرم
 برای خرید نان رفته و هنوز نمانده است .
 - عجب حوصله ای داری اگر به جای تسو
 می بودم دیگر منتظرش نمی ماندم خودم میرفتم
 نان می خریدم !

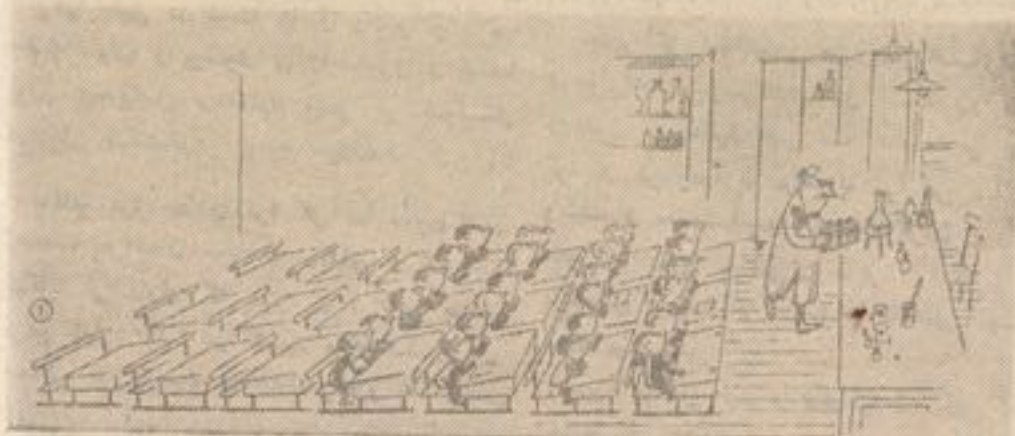


بدون شرح

عیب ندارد

خوبی بکنند ...
 در رستوران قنادی ناگهان مشتری چشمش به
 یکی از کارسوز ها افتاد و دید كه می خواهد
 بشقاب هارا با دستمال جیبش پاک میکند ...
 او را صدا زد و گفت :
 - آقا این چه کاری است ؟
 مگر دیوانه شده اید ؟
 - نخیر قربان عیب ندارد !
 - چطور عیب ندارد !
 - آخر دستمال هم خودش كشیف است !!

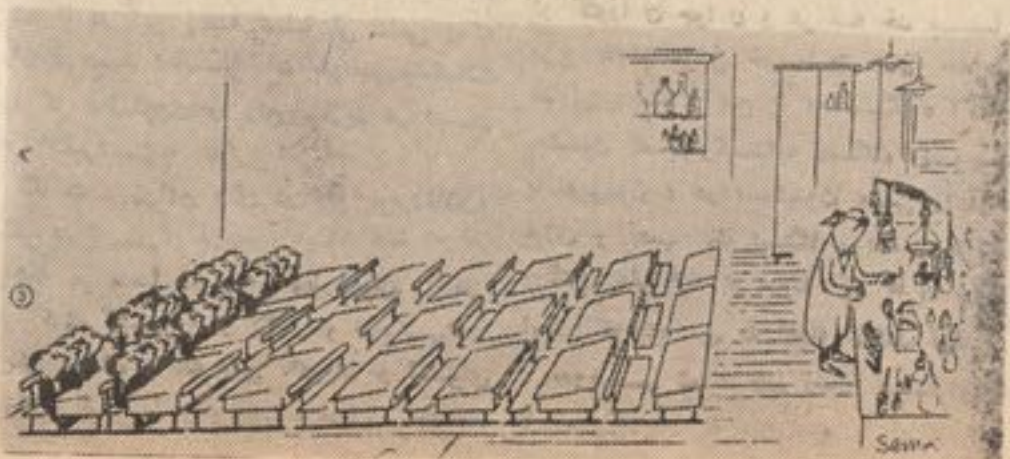
داكتر به خانم ... شوهر شما احتیاج به
 استراحت دارد !
 لطفا این نسخه را كه چند تابلیت مسكنی
 است از دواخانه بگیرید .
 - زن - آقاى داکتر ... شوهرم چه وقت باید
 این تابلیت ها را بخورد ؟
 داکتر - خانم این تابلیت های مسكنی
 را خودتان باید بخورید تا شوهرتان استراحت



يك تجربه كیمیاوی



بدون شرح



از بالا به پایین بدون شرح



دلیل قوی

احمد كه برای دیدن اسپه پای خود به طویل
 رفته بود، دید نوكرش بیده بسیار خراب و
 پدی برای اسپه خریده است ... باعصبانیت
 او را صدا زد و گفت :
 - این چه قسم بیده است كه خریده ای ؟
 نوكر جواب داد !
 آقا ... بیده بسیار خوب است !
 احمد گفت :
 - نخیر ... بسیار خراب است .
 نوكر قدری از بیده ها را بر داشته و نزدیک
 دهان اسپه برد و اسپه به استه آنرا خورد .
 نوكر گفت :
 قربان ، ملاحظه کنید .
 اسپه باید بیده را بشناسد نه ها و شما

گریه و ازدواج

دو مرد راجع به زندگی گذشته شان صحبت
 میکردند .

یکی از آنها گفت :
 راستی از دوران طفولیت تا اکنون گاهی برای
 اتفاق افتاده كه گریه كنى ؟
 مرد دومى قدری فكر كرد و بعد جواب داد !
 نه تا بحال اصلا چنین موردی برای من
 پیش نیامده خوب ، خودت چطور ؟
 مرد دومى سری تكان داد و گفت :
 من از بچگی تا حال دومر تبه گریه كرده ام .
 - چطور دو بار ؟
 - يكبار خودم وقتی كه زن گرفتم ، و دفعه
 دیگر هم برای دامادم ، موقعی كه با دخترم
 ازدواج كرد !!

داستان خوشو

رئیس محكمه پرسید :
 فرمودید شوهر شما كم شده است ؟ بلی
 آقای رئیس !
 چند روز میشود ؟
 - سه روز یعنی از روزی كه مادرم بمنزل
 ما آمده و گفت خیال دارد يك ماه پیش ما
 بماند شوهرم مفقود الاثر شده است .
 رئیس محكمه فكری كرد و گفت : بیزحمت تا
 بیست و هفت روز دیگر مراجعه كنند . اگر
 خبری نشد، آنوقت مجددا مراجعه فرمائید .



بچه بیلی اجازه میمن ساندویج را بخورم !!

دختر متجدد

یکی از دختر ها پرسید :
 - خوب ... پس ازدواج تو با احمد چه
 شد ؟
 دختر دومى جواب داد .
 - من تصمیم گرفته ام كه دیگر شیخو قت
 با او ازدواج نكنم .
 دختر اولی با تعجب پرسید .
 - چرا ... برای چه ؟
 دختر دومى آهی سوزناك كنید و جواب داد .
 - برای اینکه هر چه سعی و كوشش كردم
 نه نتوانستم او را وادار كنم كه از من خراست
 كند !



بچه مادر جان يك مرده ... بالاخره من شكس آن دورا گرفتم

خانم اسمیت ، در لباس سیاه ، اشک ریزان وارد اسلحه فروشی شد و حقوق کتان به اسلحه فروش گفت:
 -اوه مستر، دیدی چه به سرم آمده... شوهری چاریم دیشب رفت وزیر موترشد و جا به جا علاک شد .
 اسلحه فروش حاج وواج گفت :
 -بسیار متاسفم هستم ... تسلیت عرض می کنم ... ولی از دست من چه کاری برای شما ساخته اس ؟
 -لطفا تفنگچه را که پریشب از تان خریدم پس بگیرین .

گفت و شنودها

خانم -بینیم ... تو میدانی که شوهرم باسکرتو جدیدش سرو سری پیدا کرده است .
 پیشخدمت -نی خانم ... این غیر ممکن است شما برای اینکه من حسادت کنم ایسن حرف را میزنید !

...
 مریض - آقای داکتر ...
 این عملی جراحی بسیار خطرناک است:
 داکتر -نی جانم ... مگر باسیصد افغانی میتوان عمل جراحی خطرناک را انجام داد ...

بچه اولی - در اینصورت بدینا آمده ای ...
 برای تو قصه بگویند ؟
 بچه دومی -بلی بسیار دوست دارم .
 بچه اولی - در اینصورت بدین آمده ای ...

بدون شرح



استخدام

رئیس موسسه پس از آنکه معرفی نامه ها واوراق واسناد مردی که برای استخدام به آنجا مراجعه کرده بود دید سری تکان داد و گفت :
 -بسیار خوب . شما از هر جهت برای کاری که مادر نظر داریم مناسب هستید . ولی من نمی توانم شما را استخدام کنم .
 چرا آقای رئیس برای چه ؟
 - برای اینکه شما ازدواج نکرده اید .
 مستخدم من ازدواج نکرده ام ؟
 -بلی جانم . چون من کارمندی که به اطاعت کردن عادت کرده باشد ضرورت دارم .

عشق زود گذر

پس فیضی هفده ساله وارد معاینه خانه داکتر شد و گفت :
 داکتر جان نجاتم بپوش چی شد ؟
 -دخترک گریه کنان گفت :
 داکتر من عاشق پدرم شدم ولی او متاسفانه قبلا ازدواج کرده .

در صنف

معلم : فصل رختم را برای تان می گویم گوش کنید :
 معلم به شاگرد ان تشریح کرد .
 -یکی از شاگردان حواسش جای دیگر بود و به حرف معلم گوش نمی کرد .
 معلم : حسن از اینکه گفتم چه فهمیدی ؟
 حسن : فهمیدم همه رفتند ، فقط من و شما ماندیم !

شماره ۹





سرگرمی هاد مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کبیر

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱- دشمن خطرناک زحمتکش جهان - براعظم است - امریای تپی - مرکز یکی از ولایات کشورما - واحد پول خارجی - ۲- اله انتشار اخبار - کشتی بان - از آنطرف از شعری مقدم کشور ما - فوت نشده - زهره - بی سرفه شده یک حرف در دو خانه - ۳- سرش را قطع سازید تمامه کوچک شود - مرکز یکی از ممالک اروپایی از آنطرف نوعی از سنگها است - از حروف مفاره انتخاب کنید - ناقل آب - نصف حیرت - محبت خودش - نصف کردن - ۴- ضد خیر - جدید - منظم آن اهدا است - ضمیر اشاره - از آنطرف دو پانزده - منظم آن در هاست - تکرارش آب مقدس است - ۵- حالا به پشتو روز اول آن بنام کارگر تجلیل میشود ماتم دارد - خلال پراکنده - نشر نشده - نوعی از گوسفندان خان درهندستان شروع اعداد - ۶- مکتوب - نوونا تمام - منسوب به یمن است - سال - از کتابهای مقدس - یک حرف و دو خانه - ۷- رهنمایی به جوجان منسوب است - در ردیف اول افقی قرار دارد - رفیق سوزن - از کشور های امر -

یکایی - ۸- آگاه - اسپ به پشتو - از شهر های شوروی - از مراکز افریقائی - ۹- از آلتار تاریخی کشور ما - از خواننده گان ایرانی - دوستاره سینمای هند - یکی از انواع کریم ها - سرزمین فلاسفه - ۱۰- بین دو خانه - جسم کوتاه - ۱۱- نصف اسم نویسنده کتاب مادر - ردیف تیز است - سر حد بین کشور ما و اتحاد شوروی - از ممالک اروپائی - از فزیکدانان مشهور جهان - ۱۲- نویسنده کتاب اعترافات - در مکتب خوانده میشود - در گوشت میباشد - خودما - از حروف آهنگر انتخاب کنید - ۱۳- یک حرف و دو خانه - تیز نامکمل - بین غزنی و زابل - تنبل به زبان عوام - نداف سر بریده وقت آن گذشت - مرکز اروپائی - خوک بی سر - ۱۴- بایک حرف ولد میشود - از آن طرف محل کارسکرت را گویند - پوش درختان شکر معکوس - با تغییر حرف چهارم برای میشود - ۱۵- اسم بی آغاز از آنطرف یکی از وزارتخانه های کشورما - از ولسوالی های بدخشان - دست به پشتو - قصر - از کشور هایی شرقی - ۱۶- دو ولایت از کشورما - رفیق شبان -

عمودی :

۱- از اسمای دخترانه - جمع مجلس - ۲- از آنطرف داور است - مرکز تحقیقات علمی و هنری - ۳- درنده - آسمان عربی - جز نیست - ۴- با امن از آنطرف علاقه نلی پشتو - عمر - آغاز و انجام توت - ۵- به معنی آنچه وهم و گمان متوجه آتشود - ردیف جلد - حرف ربط - ۶- واحد پول یکی از کشور های آسیایی - از کوه های مشهور عربستان - یک حرف و دو خانه - ۷- از آن طرف از غله جات - از نام موجی انتخاب کنید - عریضی دارد - ۸- وادی غیر منظم - راه کوتاه - ۹- کاشف میکروب سل - ۱۰- حرف نفی عربی را با نوع از سازها یکجا سازید - ۱۱- اگر پایش را قطع کنید یکی از خواننده گان رادیو کابل میشود - نصف رباط - ۱۲- خود یارها - از آنطرف دوهترمند سینمایی هند - ۱۳- از آواز خوانان مشهور هندوستان (بدون حرف آخر) - ۱۴- ۱۵- از ممالک اروپایی که شکل موزه را دارد - ۱۶- دیوار یک بر پنج عربی - ۱۷- دو حرف مختلف در دو خانه - فوری و لحظه موجوده را گویند - ۱۸- از جمله براعظم هاست - شیر عربی - از آنطرف یک پرندة خوشخبران - ۱۹- از آنطرف چوروچپاول

این شخص کیست؟



مایو گرافی یکی از شخصیت های جفا ترا برای شما شرح میدهم بعد از خواندن بیوگرافی و مشاهده فوتویش اسم او را برای ما بنویسید: مردی که شهره عام و خاص است و شما خواننده گان عزیز نیز حتما با نام او آشنایی دارید زیراهمه ساله جوایز بزرگی را به مختصر عین و مکتشفین و همینطور به داکتران به بهترین نویسنده گان و یابا اشخاصی که در راه صلح در جهان گام نهاده اند تعلق میگیرد - ۱۰ و در سال ۱۸۳۳ در کشور سوید متولد گردیده او هوش و لیاقت را از پدر خود اما نویل که بوظیفه مهندسی تعمیرات مشغول بود آموخت - مدت کمی به مکتب رفت و تحصیلات کلاسیک را ادامه داد اما تاسن شانزده سالگی بطور خصوصی به تحصیل علم مشغول بود و در سن بیست و یک سالگی بدون اینکه کدام شهادتنامه به دست بیاورد در رشته کیمیا لیاقت خود را نشان داد و هم با لسانهای فرانسوی - انگلیسی - آلمانی و روسی تسلط داشت - با آنکه علاقه او به ادبیات بود اما بیشتر توجه خود را صرف تحقیق در باره مواد منفجره (نیتر و گلسیرین) کرد تا آنکه موفق به اختراع دینامیت گردید چندی بعد یعنی در سال (۱۸۷۵) (دوالتین منفجره) را اختراع کرد که قدرت انفجار آن از دینامیت بیشتر بود - سیزده



طرح از خالده عالمی صنف نهم و سیده عالمی صنف هشتم کیسه جهان ملکه ولایت غزنی -

شکل (۵) نشان میدهد: شما حتماً و یا فرضاً به یک مهمانی میروید و در مهمانی شوهرتان باید یک دختر زیبا سرگرم میشود و حرف های خوش می شنوند و میگویند در آن وقت چه عکس العمل را نشان میدهید؟

الف: همانجا از او باز خواست میکنید و برایش چنین درسی میدهید که هیچ گاه آنرا فراموش نکند.

ب: با مردی دیگر آنقدر میرقصید تا شوهر متوجه شما شده و حسد ببرد.

ج: تا وقتی که در آنجا هستید اتفاقی نمی افتد پس ناراحت نشده و هم بگذارید تا هر قدر دلش بخواهد تفریح کند.

۱۰- شوهرتان از شما میخواهد مانند یک خان از او بد برای کنید و همیشه خدمتکاری باشید مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست؟

الف این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید و عقیده دارید که هر کس مسؤولیت خود را خودش انجام دهد.

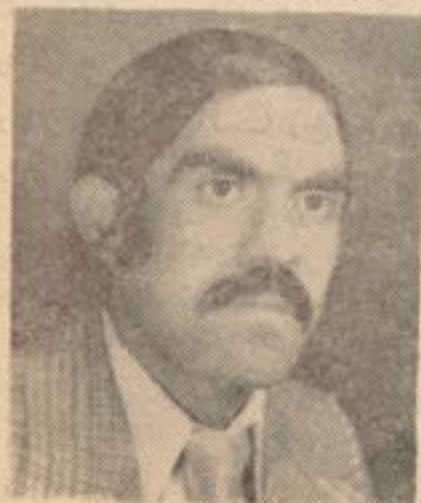
ب: اگر شوهر شما هم مثلاً عمل کند باکی ندارد زیرا خدمت دو جانبه است.



ج: از خدمت کردن به شوهرتان لذت فراوانی میبرید و در مقابل هم توقع از او ندارید چرا که یاد گرفته به آدرس مجله زوندون باید یک قطعه فوتوی خویش برای مادر سال دارید و هم تا گفته اند که این تست تنها برای زنان و دختران نامزد میباشد.

حل کنندگان

حل کنندگان جدول و مسائل شماره های قبلی زوندون عبارت اند از: حمیده، محمود، سمیرا، ولی العزیز، عطاء الله، روح الامین، گل احمدی و غیره که از جمله فقط فوتوی گل احمدی و گل برای ما رسید که در این صفحه چاپ نمودیم.



گل احمد (بویل)

واز دستشان بگیرد.

ج: سرخ شدن مردها معنی بخصوص ندارد زیرا هم بعضی اوقات زود سرخ میشوند. اما به نظر شما کدام یک از ادعاهای زیر واقعیت دارد؟

الف: وقتی که زن با شوهرش کاملاً رفتار مادرانه داشته باشد شوهر آنقدر رام و انعطاف پذیر میشود که زن میتواند او را مطیع و فرمانبردار خود بسازد و هر چه را که بخواهد بدست بیاورد.

ب: مردهای بی ملالتی دوستان خوبی میباشند.

ج: مردها طالب حقیقت شناسی هستند و آرزو دارند از کارهای خود داجا تعریف و تمجید کنند حتی اگر قابل تعریف و تمجید هم نباشند.



۶- در شکل (دوم) سه مدال طلا را که به شکل مدرن ساخته شده میخواهید به مناسبت روز تولد و یا عروسی خود با زنچیر طلایی در کردن شوهر خود به اندازه یک کدام یک را انتخاب میکنید:

الف: ب یا ج را؟
۷- در شکل (۳) سه شکل هندسی را مشاهده میکنید که هر کدام سمبول یک رمز است فرض میکنیم که شروع اسم شما (ظ) و اسم شوهرتان



(ب) باشد کدام علامت را انتخاب میکنید که علامت روز نامزدی تان باشد. الف: ب و یا ج را؟

۸- شما و شوهرتان به اتفاق یک زن و شوهر دیگر از دوستان و یا همکاران او که آنها را تا بحال ندیده اید و نمی شناسید به مناسبتی به یک مهمانی دعوت میشوند. مجلس رقص و یا یکوی آغاز میگردد. مردها جمع میشوند و همسران خود را یکی فراموش میکنند مانند شکل (۴) در آن شرایط چه عکس العمل از خود نشان میدهید؟

الف: مهمانی را ترک و بخواه میروید.
ب: نزد مردها میروید و به آنها سرگرم میشوید.

ج: گوشش میکنید تا با زنان دیگر سرگرم شوید.

۹- فرض کنید در شرایطی قرار میگیرید که



شکل (۱)

میشوند و دنبال زنان دیگر میروند چیست؟

الف: آنها میخواهند انکای بنفس بیشتری داشته باشند و به این منظور جذابیت خود را آزمایش میکنند و یا به منظور اینکه در بین زنان دیگر محبوبیت دارند و یا به خصوص در مورد انتقاد همسر و یا نامزدشان تیراگر گرفته و بیشتر در ترس و هراس شده اند.

ب: چون دیگر علاقه به همسر و نامزدشان نداشته و مایل اند در کنار معشوقه ای دوست داشتنی دیگر وقت خود را بگذرانند.

ج: چون زن با او بدام می اندازند؟
۳- کدام رفتار مرد را نمیتوانید نادیده بگیرید:

الف: به شما اهمیت قابل نباشد.
ب: وقتی که او دوستانش را بخانه بیاورد و به خوشگذرانی با آنها بپردازد.

ج: در وقت بیکاری از خانه خارج نشود و داجا بیش تلویزیون بنشیند و در عین حال او آرزو دارد همسرش چپو راست به او خدمت کند بدون آنکه متوجه باشد که همسرش از او توقعاتی دارد.

۴- به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی شان سرخ میشود و به اصطلاح خجالت میکشند؟

الف: چون دروغ میگویند و خودشان از دروغ خود خجالت میکشند.

ب: چون میترسند کسی به اسرارشان فهمیده



شکل (۲)

شکل (۳)

سال بعد او موفق به اختراع (بالستیت) شد که اولین باروت بیود نیترو گلسرین می باشد و در سال ۱۸۹۶ دیده از جهان فرو بست ولی یکسال قبل از مرگش وصیت نامه مشهور خود را

که از بزرگترین وصیت نامه های تاریخی میباشد تنظیم کرد و دو وصیت نامه ای تاکید کرد که بیش از ۳۱ میلیون کرون لروتن را به صورت نقد در آورده و آنرا بعنوان سرمایه بکار برند که از عواید آن برای اشخاصیکه متشابهترین لایحه برای بشر بوده اند جوایز تهیه گردد.

زمینه که وی مایل بود در آنجا مهرک پیشرفت شود عبارت از فزیک سکیمیا فزیولوژی و یا طب ادیان و صلح. در وصیت نامه خاطر نشان کرده که جوایز بین شایسته ترین افراد هر کشور

داده شود و امر توزیع آن به سه موسسه سریندی و یک کمیته مخصوص منتخب پارلمان نروژی واگذار گردید این زندگی مردی بود که در زمان حیات خویش کلیه وقتش را صرف ساختن و بدست آوردن مواد منفجره کرد در حالی که قصدش از این کار فقط و فقط این بود که از این مواد برای خورد کردن سنگها و کوه ها و راه یافتن بداخل آنها و استخراج معادن و کارهای ساختمانی استفاده شود. او هیچگاه نمیدانست که اختراعات او روزی برای از بین بردن بشر نیز بکار می افتد و از جمله مهم ترین و سیله حرب شمار می رود. حالا اسم او را برای ما بنویسید

یک تست بسیار جالب برای زنان و نامزد ها

این رامیدانیم که هر زن آرزو دارد که عشق و علاقه او و شوهرش عشق دایمی و جاودا نه باشد و همیشه کانون زندگی مشترکشان را گرم و پایدار نگهدارد برای آنکه گل عشق همیشه

سازد و روح نواز باشد لازم است همراه احساسات ظریف زنانه از خردمندی و عقل بهره ور بود و به کمک زیر کی از چالشها و موفقیتهای خوب برای حفظ عشق استفاده نمود. درین مورد مهم اینست که تعادل میان پیروی از احساسات و منطق را در زندگی خود حفظ کنید شما به تست ما جواب بگویید تا بگوئیم که تاجه حد زیرک و دانا در زندگی زنا شوئی خود هستید. ما یک سوال مینمائیم به آن سه جواب داده شده است شما هم یک جواب را انتخاب کنید ۱۰ پرسش هم سوالات:

۱- تصور میکنید کدام اشخاص از دیدن شکل (۱) لذت میبرند؟

الف: مردان احساساتی مهربان و آرام.

ب: مردانی که همیشه خود را خشن و سرسخت نشان میدهند تا نقاط ضعف خود را بهتر پنهان کنند.

ج: همه مردها بطور کلی.

۲- به نظر شما علت آنکه مردها خیانتکار

۶۰۷ فرقه آلمان نازی و متحدین آسرا قسما از بین برد و قسما اسیر گرفت نیروهای بریتانیا و آمریکا یکصد و هفتاد و شش فرقه دشمن را در عملیات جنگی در آفریقا و اروپا تا ختم جنگ شکست داد.

پیروزی جنگی اتحاد شوروی نیرومند توپخانه ای سیستم حکومتی اجتماعی و سیاسی سوسیالیستی قاطعانه بر ملامت دولت شوروی یک دولت طرفدار نوین است تهداب اجتماعی آن را اتحاد ناگسسی طبقه کارگر با دهقانین، منورین و اشخاص مسلکی تشکیل میدهند که البته در آن نشانی طبقه کارگر عمدتاً است. چنان و حدی در آن حکمران است که در کشور های سرمایه داری و انحصار بورژوازی وجود ندارد. لیونید بریتوف طی سخنرانی در یک گرد هم آیی انتخابی در حوزه باومن مسکو بنا ریخت و دو فروزی ۱۹۸۰ در زمینه چنین گفت: «یکبار چه گامی و وحدت جامعه سوسیالیستی نروت بی نظیر سوسیالیسم را تشکیل میدهند که نیروی گرانبها و شکست ناپذیر ما است دشمنان ما بایستی در سپاه تاریخ را بیاد داشته باشند بگذار این دشمنان بدانند که وحدت خلق های شوروی مظهر توانایی خاص در هنگام تهدید است».

ایجاد سیستم مترقی و شرایط مطلوب برای پیشرفت قاطع جنبش آزاد بخت ملی و زوال سیستم استعماری امپریالیزم یک روند مهم پیروزی شوروی و جنبش وسیع انقلابی آن درخیم جنگ و سالیان اول بعد از جنگ به شمار می آید. تحولات عمده که در صف بندی نیروهای جهان به قطع سوسیالیسم پدید آمد و منجر به انحطاط شیوه امپریالیزم گردید و دیگر امپریالیزم را مجال نخواهد داد تا سرلشکر ملل کوچک را به بازی بگیرد و مجبور است با نیروی روزافزون کشورهای سوسیالیستی میاست خارج توپخانه و همبستگی اکثر سوسیالیستی شان برای صلح و ترقی کنار بیايد.

با آنها قوای ارتجاعی امپریالیستی نمی خواهد در عین تاراج را مد نظر بگیرد و تلاش دارد مسیر تاریخ را به عقب برگرداند امپریالیست های ایالات متحد و کشورهای اروپای غربی دست بدست هم داده بلافاصله تجاوزگر را بوجود آورده اند که بیشتر متوجه شوروی و کشورهای دیگر بلاک سوسیالیستی است و اطراف این کشورها را با زنجیر صیدها یا یگان نظامی و بحری حلقه کرده اند که با این عمل شان تب و تلاش

دارند ذخایر مرمی های ذروی را افزایش داده نیروی ضربه بحری را در تمام ابحار بکار انداخته و مرمی های با لستیک و میدان های هوایی بحری را به منظور انتقال طیاره ها به مملکت ذروی اعمار نمایند.

در حالیکه معایع همه مردم شوروی متوجه حل برابری ها بوده و آنها مصروف ساختن جامعه نوین می باشند و همواره برای حفظ صلح و کاهش مسابقه تسلیحاتی در تلاش اند حزب کمونیست اتحاد شوروی نوعیت تجاوزگرانه امپریالیزم را نیز مد نظر دارد. تدارکات نظامی آنها را نادیده نگرفته با تمام قوای خود می کوشد ظرفیت دفاعی خود و نیروی مسلح خود را افزایش بخشد.

بحر به شوروی قطعات جنگنده فوق العاده جدید در اختیار دارد که مشتمل است از تحت البحری ها کشتی های غازی، قوای هوایی بحری، مرمی های ساحلی، قوای

عشق به انسان

«هولکا» پسان سایر کودکان سوالاتی در مورد چگونگی ترکیب رنگهای آتش در مورد اینکه آتش چنان هم روشنایی و هم حرارت تولید می دارد ... در مخیله اش چنان میگردید که آتش به شکل شاخه های خشکیده را به آتش می انداخت و از سوختن آن خیلی ماضی میبرد. انکار جهان او غیر از جهان دیگران بود. پسرک با تعجب میگریست که بعضی افقیدن علف های خشکیده روی آتش موجب آتش به بالا می رود و سپس این موج دوباره فروکش مینماید.

«پیوتر» و «تلیانیکوف» دیگر مرزی میان خویش نمیدیدند، آندو مصروف خوردن شوربای ماهی گردیدند، و سخنان شانرا دنبال کردند، از هر طرف سخن زدند ... از غلبه بر فاشیزم و شکست ننگین هتلسری ها - «تلیانیکوف» از پیوتر پرسید: راستی تو در دوران جنگ با فاشیزم در کجا بودی؟

- درجه ... من در دسته تروپ کارگران بودم، من در جنگ نقش ارزنده داشتم.

- یقیناً قلبه بر دشمن و پیروزی با فاشیزم برای هر فردی که مایک افتخار است، افتخاراتی که همه بدان می بالند حتی آیندگان.

لختی هر دو دوست تازه آشنا مکسوت کردند. خاطرات گذشته و لذت لحظات پیروزی ها یکبار دیگر در وجود پیوتر زنده گردید.

تو بخانه، تسلیحات انجیری را در یویی والانت کنترل که کمپیو نری و الکترونی اکتون به یما نه و وسیع در بحر به شوروی از آن استفاده می شود.

اتحاد شوروی بحر به جدیدی را بوجود آورده که البته به منظور تجاوز نبوده و مانند

کشورهای امپریالیستی در ابحار در حرکت نیست بلکه به منظور حراست کشورهایها و کشورهای دیگر مترقی در حال آماده باش است ملاحان شوروی می گویند که کشتی های جنگی شان به مقصد جنگ طلبی و تجاوز در هیچ بحری و بحیره در حرکت نیست. بحر به شوروی کماکان منحصراً عمل حفظ صلح در دریای زمین و استحقاق مناسبات اتحاد شوروی با مردم اکثر ملل و قاره ها فعالیت می کنند.

قوای مسلح شوروی هما نظور یکدیگر در حفظ امنیت سرزمین خود بیدار اند در عین زمان در حال آماده باش است تا هر تجاوز و حمله را از هر جا که با شد عقب زده و با اعتماد کامل امنیت شوروی و کلیه جامعه سوسیالیستی را تأمین کند.

مکسوت، مکسوت تر گردید، از فرط این خلوت و سکوت، جز آشوب ماهیان بحر و صدای پرندگان دریایی موضوع شنیده میشد و دیگر هیچ صدایی نبود که این سکوت را مزاحم گردد.

آندو درین هنگام کوی به صلح و آرامش جاودانه می اندیشیدند و می بالیدند، همه جا صلح و آرامش برقرار بود، در زمین و در آسمان ... باین سکوت هولکای کوچک هم سکوت کرد چون او هم صلح را دوست داشت، آری انسان های با عاطفه و حساس همه صلح را دوست دارند ... و صلح و آرامش آورنده خوشبختی ها برای بشریت است. هوا تاریک و تاریکتر شده میرفت، شب

از راه رسیده بود ... از دور متارگان در دل آسمان شفاق چشمک میزدند. پسرک حساس که همه چیز را از الفاظ موثون و نگاه های بر مفهوم کاکاز تازه آشنایش را درک کرده بود، زیر لب زمزمه میزد:

- صلح، صلح ... چه کلمه خوشایند و مقبولی! بایستی انسان ها را دوست داشت بایست انسان های خوب، تأمین کننده صلح و آورنده خوشبختی و در فرجام همه موجودات نافع را دوست داشت.

و در نهایت برای هولکا یک چیز روشن شده بود، آن اینکه پیوتر نمیخواست از سنگدلی کار بگیرد، اگر او فقط بایر افروختن بازوت اکتفاء میکرد، برای این بود که آرزو نداشت بخاطر سرگرمی و مصروفیت یک پسر

مقصود از دواج...

تأمین احساس را در آنها بوجود آورد که شخصیت مطمئن و ثابت داشته باشند زیرا گاهی دید می شود که دختر و پسر خورد سال با بزرگترها دوست می شوند و در جمع بازی و صحبت آنها می بینند مگر در میان همسالان خود احساس بیگانگی و مایوسی به آنها دست میدهد که پدر و مادر پاید این عقیده را در فرزند خود از بین ببرد و برایش بفهماند که با همسالان خود پیوند و هم به خاطر نشان بسازد که پدر و مادرش به او علاقه و دلچسپی دارند و حرفهایش را می شنوند و متوجه کردار و رفتارشان هستند و باید همیشه کارهای نیک و موفقیت شان را تحسین نمایند.

هنگامی اتفاق می افتد که دختران و پسران نوجوان مردم می آیند و دید آنها را قبل از رهنمایی نمود که در چنین مواقع بازیها و سرگرمی های دست بزدانه مناسب به اقتضای سنشان باشد.

آندو مقابل فرزندان والدین بگوشتند تا از تقلید های بیجا، لاف زدن و ساختن کارها حتی المقدور بپرهیزند.

و در آخر باید گفت که در انتخاب فیلم های سینما و کتب قصه و زمان آنها را نیز رهنمائی و مراقبت نماید. زیرا اکثر فیلم های تها رتی و کتب غیر علمی برای بزرگسالان و از آنرا میگردند و دشمنان فیلمها و خواندن چنان کتابها جز اینکه جوانان را به بیراهه بکشاند سر مشق دیگری برایشان شده نمی تواند و آنها زنده گی خود را مانند هیرو یا هیرو- نین فیلم و کتاب عیار میسازند که باعث بدبختی خود، اندوه خانواده و تبااهی جامعه می گردند.

خردسال زندگی زنده جانی را که چوچه هایش منتظر بر گشتنش بودند از او بگیرد وی این الهام را از بی عطوفتی و قسری قلبی فاشیست های هتلسری، عدا گرفته بود ... او میخواست در هر کجایی از جهان بایستی صلح حکمفرما باشد.

دو مرد مذکور و آنکه «هولکا» را بخاطر احساس نوع دوستی اش بوسیدند و قایم شایانرا بصوب منزل خویش برگردانده، رانند.

... هولکا در همچو لحظات خیلی هایشان و صبر حال میشود.

پایان

توای دریا

توای آمو !
توای جوینده بهر خلق زحمتکش
توای غرند و رستاخیز توفانی
توای سوزنده غم ها
توای منزل که شوریده قریبا
توای آرام که روح نشاط ما
ترا داند مرز خوشدلی های زمان ما
ترا گویند رمز یکدلی اند میان ما
که از هر قطره اشک
خروشد مهر انسانی
و ، روئید تخم همکاری
میان خلق ما و مهدشورا ها
صدای دوستی تو ،
رود تا کپکشان ، تا مشتری ، تا خانه الوار
اگر در سطح آرامی
ولی در عمق پراز موج ها
تو مینازم ای گنج گهرخیز زلال ما
تو میگویم ای آمو !
تو میبالم ای دریا .

چه کردند؟...

خفا شایکه خون خلق خوردند
بجزاز نام زشت باخود چه بردند؟
سپه روی و ذلیل و سر تگون باد
جلا دانیکه مردم را فرد نند
عزاران لعنت و نفرین برایشان
که دست باندشمن میهن فشرده
جان بیرو جوان بیگناه را
بغاک لیره باخرمان سپردند
عدالت را یکی پامال کردند
وزالت را فر و خدمت شمرده
«شفق» را خون دل کردند باخون
شپیدا نیکه بر ناحق بهردند
شعراز : میر حبیب الله «شفق»

برگزیده‌هایی از

میان نوشته‌های شما

از محمدا قاصر «نصیب»

سیر بهاران

از سازمان سبزه و گل جوش خرم
بالد به گوهسار بوسف دیار بزم
وارسته طغیای طبیعت ز خشم تی
سرشار و شاد خوار !
در منصفه ی بهار !

• • •

رخشنده اختران فلکناز شامگاه
در هر کنار پهنای آبی و نیمرنگ
با جست و خیز صحنه ی زرین آفتاب
خیزد فرا سحاب !
با طره آب و تاب !

• • •

لفظ زمان صفای شگوفای سبگون
در پیشگاه حسن دلای لاله زار

بر رسم از صفای بهاران کند نثار
در پای آفتاب !
با ذوق و افتخار !

• • •
وین ابر های تندو گهرریزو فیض بخش
از جلوه های عشق و نشاط حیات ساز
مارا پر مز کارو عمل سازد آشنا
ارزنده سهم کار !
به عمران این دیار !

• • •
مسرور باش زمره دهقان دلچسب
هستی روان تو بزرگو شانان بسوی کار
سامان بنو کار شاید نهی ز کف
بستن کتون کمر !
به محصول بیشتر !

از غفار «عریف»

رنج شب

شب بود سرد و خاموش ...
سرا پا خوف و وحشت !
به هنگام نیمه شب
از زرقنای خیره گسی های دلگیر ،
از اعماق ظلمت و سکوت ،
قانون تنگ دار غدارانه ی صدا !
بر فامیل بی گنا هر شب خون زدند ...
فریاد جانسوز تن غمگسارمادی پیچید
لاله شب گیر قلب محزون خواهری سوخت ،
توفان اشک چشم کودکی بوسید ،
و در میانه دهشت و خشونت !
جوان نیرومندی را :
از بستر گرم خواب

از آغوش پر مهر مادر مستعدیده ای
از خر من محبت خواهر عزیزی
از الفت معصومانه کودکی
قربانی درازی شب سیاه کردند !
چو آن لب به اعتراض نگشود ...
مرگ شرافتمندانه ، افتخار جاوید نصیب شد .

قلعه جدید - زندان دهمزلنگ

صفحه ۵۱

از آفرینندگی و خلاقیت تا دنبال

روی و بی هدفی ♦ ♦ ♦

• چرا نتوانستیم در سینمای ملی خود تیپ آفرینی داشته باشیم.

♦ ♦ ♦

• سینمای ما فاقد حتی یک نفر سناریست و فیلمنامه نویس حرفه‌ای است.

♦ ♦ ♦

• چرا سینماگران ما دنبال و روش های ارائه تجاری سینما

هند و ایران هستند ؟

♦ ♦ ♦

• وسایل فنی سینمایی افغانستان برای تهیه فیلمهای هنری بلند پرو-

دیوسهای کوتاه مدت خبری میخورد.

♦ ♦ ♦

اما در سینمای معاصر این دایر کتر است

که میسازد بیشتر کارگردانان امروز چهره های مورد نظر خود را از کوچه و بازار انتخاب میکنند و با تشخیص خصوصیت های آنها تیپ مورد نظر خود را به وسیله شان می پروراند باین طرز تفکر مساله کمبود بازیکن حرفه وی خود بخود رد میگردد ؟

شیوه که توازن آن یاد کردی مورد علاقه فراوان خودم هم هست ، اما دایر کتری که چهره مورد نیاز خود را با توجه به خصوصیت های تیپ که می خواهد ارائه دهد از میان مردم برمیگزیند برای هر يك از لحظات فیلم خود هم مدت کار میکند و برای ثبت آن «تک» های فراوان میگیرد تا یکی را از آن میان برگزیند و این کار هم پول فراوان می خواهد و هم امکانات فنی مساعد که ما آنرا نداریم - مثل که خیلی چیزهای دیگر را که نیاز داریم ، نداریم

ما تا کنون فاقد يك سناریست خوب و فیلمنامه نویس خوب هستیم و سایل کافی ادیت پیونده نداریم - استودیو های مجهز نداریم و ساحه این این نداریم ها آنقدر وسیع است که مجال ارائه

هر گونه کار خوب را از ما میگیرد .

ما به تجربه سینمایی نیاز داریم - دایر کتران و دیگر دست اندر کاران سینمای ما باید در فستیوال های سینمایی شرکت داشته باشند تا فیلم های خوب را ببینند و تجربه های شان افزونی گیرد - باید وسایل اطلاعاتی کافی در اختیار داشته باشند تا بیشتر بخوانند و بیشتر بدانند - باید در کنفرانس ها و سمینار های سینمایی که در سطح جهانی بر گزار میگردد - انعقاد مییابد شرکت جویند تا بازی فکری شان بیشتر گردد با چنین زمینه سازی های، البته نواقص که تو با داور آن میگردی به آهستگی رفع گردد .

موضوع دیگری که می خواهم پیرامون آن باشما بحث کنم این است که سینمای ما به پیمانه وسیع زیر تا تیر سینمای تجارتی کشور های هند ، ایران و پاکستان قرار گرفته است این دنبال رویی سینما گرمارا و امیدارد تاجش

بسته خود را در بین واقعیت های حاکم بر زندگی اجتماعی خود نگه دارد سازسوی دیگر این گونه برداشت عاجل و غیر خلاقیت ها و آفرینش های هنری میشود که شما بیشتر از آن یاد کردید، چرا چنین می کنید ، چه احتیاجی دارید که روگردان ابتذال های سینمای دیگران را به خورد مردم خود دهید ؟ در این زمینه من هم نظر شما نمیباشم - مادر پرداخت های سینمایی خود الهام گرفته ایم اما کاپی نکرده ایم - بهترین مشاهد این ادعا در این زمینه نو شته «لایل بیرون» منتقد شناخته شده جهانی و یکی از نثریه های بر تیراژ خارجی است که می نگارد ، سینمای نویسی افغانستان کمتر انکابه کاپی گرایی میکند .

- با آن هم من تاکید میکنم که ممکن است آقای لایل بیرون فرصت نیافته باشد که به صورت مقایسوی مروری بر فیلم های افغانی و هندی و ایرانی بکند و متوجه برداشت های شان از همدیگر گردد و گر نه حداقل بعد از دیدن چند فیلم افغانی به سهولت متوجه میگردید که چگونه زمینه سازی ها، حادثه پروری ها، فرمان آفرینی ها و حتی تیپ سازی ها در این فیلم ها و جوهر اشتراکی با فیلم های هندی و ایرانی دارد ؟

ممکن است مقداری وجوه اشتراکی در این فیلم ها موجود باشد - اما من بهر صورت کاپی گری را کاری دوست نمی دانم .

- صرف نظر از دفاعیهی که شما به خاطر شرایط نا بسامان دو گری با سینمای تولیدی ما به بیان آوردید - فیلم های هنری ما معایب دیگری هم دارد که به جای تار سازی های فنی از بی توجهی و شتابزدگی در کار تکمیل فیلم مایه میگیرد از این گونه بی مبالانی ها چگونه دفاع می کنید ؟

- واضح - نود رواقع مرابه محاکمه هنری

کشانه ای - خوب مشخص تر انتقادات را ساز که ببینم چه جوابی به آن دارم . - به عنوان مثال در صحنه ی از فیلم «غلام عشق» که گناه کار گردانی آن هم بگری خودت است هیرو و هیروین فلم رامی بینیم که در کنار چوی بزرگنویا رودی که در سوار بری جریان دارد مشغول صحبت هستند آنها دیا لوک ها چنان در گوش هم فریاد میزنند انگار در کنار آبشار نیا کارا قرار دارند و حالیکه جریان آب آهسته است و صدای آن

هیچ مزا حتمی رادر گفت و گوی آنها ایجاد نمیتواند این یکی در مورد صدا برداری نمونه دیگر را از همین فلم در زمینه ادیت «پیوند» ذکر میکنم غلام که با صحنه کشته شدن مادرش مواجه گردید ، با عجله نزد پدرش در زمین های زراعتی میرود و او را از جریان می آگاهاند بعد از این شات هیچ شات دیگری وجود ندارد که خاطر با فلش بك برای پدر تداعی گردد و تماشاگر در جریان اندیشه او در شناسایی قاتل قرار داده شود - دیا لوک هم کمکی نمیکند در حالیکه بلا فاصله پدر غلام را زیر چوب

ارباب یعنی قاتل مادر غلام می بینیم که برای افساء نشدن موضوع وی رانیز در زیر چوب به قتل میرساند - باین شات های گنگت بینند چطور بفهمد که پدر غلام با خاطره های که داشت است قاتل را شناخته ، نزد او رفته و بالاخره نیز همین موضوع انگیزه قتل وی شده است .

- این معایب قابل دفاع نیست ، اما گناه آنرا باید باز هم به کمبود وسایل فنی حواله کنید - ما تا کنون وسایل صدا برداری مجهز برای فلم های هنری نداریم و آنچه در افغان فلم داریم به شمول وسایل دیگر مانند وسایل ادیت و لابراتوار همه برای فلم های کوتاه مدت میباشد، این است که گاهی در صدا برداری فلم ها نواقص از نوعی که شما یاد کردید دیده میشود و در موضوع تار سازی های ادیت فکر بولی مارا در نظر بگیرید ما از وسایل افغان فلم به صورت گرای استفاده می کنیم و هر لحظه کارما مجموع پرداخت مارا بلند میبرد و چون پول کافی نداریم با شتابزدگی کار می کنیم تا صورت مصرف خود را بلند نبرده بانیسم - این عجله موجب میگردد که نتوانیم دقت کافی در پیوند فلم و سایل لابراتواری داشته باشیم هر چند چنین اشتبا ها تی کم اتفاق می افتد که شما هم مرض انتقاد دارید که فقط انگشت روی تار سازی ها میگذارد و پس -

سارانه تصاویر در حالت کلوز اپ «درشت نما» در تاکید سینما گر روی خصوصیات عاطفی

از سوی دیگر مساله رقابت کشور های تولید کننده فرا آورده های سینمایی در سطح جهانی مطرح است ، کشوری که فلم تهیه میکند نامزیر است برای آن بازار یابی کند و وقتی بازاری را برای فروش بلد ست آورد آنرا آسان از دست ندهد . اکنون سال هاست که کشور ما بازاری فروش فلم های تجارتي هند و ایران و فلم های دیگر در همین ردیف

فی رفع مردم و افغان فلم از امکانات بیشتر برای تهیه های هنری سینمایی برخوردار شود ،

فرسه های بالکی برای سینماگران باید افزایش داده شود و تکت پولی آن به منظور رشد و انکشاف سینما تقلیل یابد ، مواد خام تولید شده یا کالا از محصول معاف گردد و یا لا اقل تخفیفی برای آن در نظر گرفته شود .

فیصدی سینما پائین آورده شود و برای فروش فلم های تولید شده در کشور های خارجی بازار یابی شود .

و کارهای دیگری در همین ردیف که تاکنون به هیچ وجه عملی نشده است .

آقای شلق شهادت جای از صحبت خود از

برابر بودن تهیه کنندگان فلم های هنری با مشکل باز یکن های زن بودید ، من فکر میکنم سینمای تولیدی مابه دلایل گوناگونی

که بی تو چپی در انتخاب بعضی چهره ها را میتوان در شمار آن یاد کرد به پیمانه وسیع بدنام شده و اکنون کمتر خانواده بی به خود

اجازه میدهد به اعضای فامیلی اجازه شرکت دریک فلم هنری را بدهد ، برای رفع این دشواری نخست باید سینما از چهره های

نامطلوب از دیدگاههای اخلاقی پاکسازی گردد تا محیط سالم آن بتواند موجب جلب اعتماد

خانواده ها گردد ، شما دواين مورد چگونه فکر میکنید و این طرز تلقی را چقدر وارد میدانید؟

حرف های شما را قبول دارم ، اما فراموش نکنید که دست اندر کار های اولی سینمای

تولیدی ما هم به خاطر برابر بودن باچنین تعصبانی بوده است که مجبور شده اند هر

متناسی زن را برای ایفای نقش های فلم های خود بپذیرند تهمود شلق فلم میگویم و

اصرار میورم که باتمام امکانات خود کوشیده ایم از استخدام هر فردی که در میان مردم به

نحوی بدنام باشد جلوگیری کنیم و این مشورا برای همیشه نیز دنبال می کنم .

اجازه بدهید صحبت امروز را در همین جایان دهم تا فلم «جنايتكارانه» شما به اكران

آید ، آنرا به نقد آوریم و احیاناً با شما نیز صحبت دیگری به صورت اختصاصی دوباره این

فلم داشته باشیم فعلا با تقدیم سپاس از جانب ژوندون الله یار میگویم و به امید دیدار .

است و تولید کنندگان همین فلم ها هستند که باتمام قوا میگویند از بیای استاده شدن سینمای

افغانستان جلو گیری کنند آنسها برای ناکام ساختن فعالیت های تولیدی در کشور ماشیوه

های زیادی را به کار می بندند قیمت مواد خام را بلند میکنند ، در باره فلم های تولید شده

در افغانستان تبلیغات سوء و جارو جنجال بیا می کنند که تماشاچی را از دیدن فلم منحرف

سازند . ماشین کارهای سینما را می خرند و ازار شان می سازند که خط سوند فلم را سوزن

کاری کنند ، برای تکت فروششان پول میدهند تا به تماشاچی خریدار تکت بگویند

برادر چرا پولت را حرام میکنی ؟ و از دیدن فلم منحرفش بسازند و خیلی کارهای دیگر از این قبیل .

به همین دلایل است فلم های تولید شده در کشور ما هیچ يك حتی فروشی که بتوانند جوابگوی مصرف خود باشند نداشته اند .

پس دراین صورت چگونه توانستید به فعالیت های تولیدی خود دوام دهید ؟

تعدادی از دوستانان سینما با سر مایه گذاری های بسیار کوچولو قبول درسک میگویند سینمای ما را بیا ایستاده دارند سحره فلم

که تولید میگردد پیش از پانزده نفر و گاه بیشتر از بیست هزار افغانی تا یکصد هزار افغانی

سرمایه میگذارند . مقداری هم از فرسه های بالکی استفاده میگردد اما نتیجه صفر است

همین اکنون تهیه کنندگان فلم های هنری مانا گلو در قرص غرق هستند و بازم به کار خود دوام میدهند .

سازنظر شما این نارسایی ها و نابسامانی های اقتصادی چگونه حل میگردد ، دولت چه

کام های برای جلوگیری از رکود و توقف فعالیت های سینمای ما میتواند ؟

کار های زیادی هست که اگر به انجام آید میتواند پایه های تکمیل و توسعه سینمای

تولیدی ما تلقی گردد . به نظرم نخست باید مشکل کمبود وسایل

کار های زیادی هست که اگر به انجام آید میتواند پایه های تکمیل و توسعه سینمای تولیدی ما تلقی گردد .

به نظرم نخست باید مشکل کمبود وسایل برای جلب بیننده بد آموز شده ، باید سگس

داشته باشیم ، برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم . زود خورد های

هیچانی داشته باشیم با شیم که جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما

نفس باید قوی و آزموده باشد سحر نقش خود و در تمام لحظات بازی اش حاکمیت داشته باشد

تا بتواند تاثراتش را درمایم چهره خود انعکاس دهد . من غالباً در صورتی از دادن نماهای

درشت تصویری چهره دوری گزیده ام که موفق نشدم حالت هارا در چهره باز یکنان نقش ها

ایجاد کنم و اکنون هم از همین مشی پیروی میکنم خواه مرادوست کلو زاپ بخوانید و یا دشمن آن .

به اجازه شما کمی هم روی مسایل پولی و تجارتي تولیدات سینمایی صحبت کنیم ؟

بفرمایید ! حاضر ید در این زمینه بدون حاشیه و بی ریا صداقت صحبت کنید ؟

حکمر تاکنون صداقت کلام نداشته ام !! منظورم این نیست مواردی هست که جزء

اسرار به شمار میاید شما هم اگر از من پرسید تیراز ژوندون چقدر است ممکن است

بگویم بیست هزار در حالیکه رقم واقعی تیراز احتمالاً ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکر شده باشد .

سراستی تیراز ژوندون چقدر است ؟ عددی را نمیگویم ، اما با صداقت میگویم که تیریراز ترین مجله کشور هاست .

خوب سوالت را طرح کن میگویم با شیوه خودت جوابت را بدهم ! فلم های که تاکنون پرودیوس کرده ای

نظر عاید چطور بوده است ؟ بسیار ناچیز ، ناخدی که حتی موفق نشدید مصرف فلم را نیز عاید کنیم ؟

چرا ؟ فلم های تجارتي توريد شده از کشور های هند و ایران که پرشتری ترین فلم ها

در کشور ما میباشد . تماشاگر سینمای ما را بد آموز ساخته اند به گونه ای که اگر فلمی فاقد

خصوصیت های این گونه فلم ها باشد فروش کافی ندارد و بعد از چند نمایش سالون های

سینما خالی میماند . برای جلب بیننده بد آموز شده ، باید سگس

داشته باشیم ، برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم . زود خورد های

هیچانی داشته باشیم با شیم که جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما

گربارسالت غیر ممکن است .

گوتند برای ارائه تصاویر درشت باز یگر

و تاثرات گر کتر ها و ستاندن آن به بیننده نقش بزرگ دارد . ساز این دو کارگردان هادر

تمام مواردی که ایجاد میکند تاثرات ناخود و یانا شاد دلیقی تر تصویر آنرا در حالت

کلو زاپ قالب می کنند ، اما شما دو فلم های ساخته خود بیشتر به لاتکشات تصویر از دور

و مدیم شات و تصویر های نه درشت نمائونه خیلی از دور تمایل دارید تا جای که بعضی شما

را دشمن کلو زاپ میگویند ، چرا چنین ، و دلیل عدم رغبت شما به نما های درشت تصویری چیست ؟

من انتقاد شما را کاملاً قبول دارم . تصاویر در حالت کلو زاپ خصوصیت این را دارند

که بیننده را در جریان تمام نکات ریز يك نیسی قرار دهند و از همین دو ولسی چهره ی در حالت

کلو زاپ تصویر بندی میگردد ، بازدهی عواطف و نمایاندن عمق احساس گر کتر سینمای ایران

میگردد و انتقال مفاهیم ساده صورت می گیرد اما این تصاویر باید همراه باتمام خصوصیات

مورد نیاز مایم چهره باشند نگاه و حالت باید قدرت بازدهی تاثرات را داشته باشند و گر نه

يك چهره فاقد حالت هیجان را نمیتواند باز گو کنند برای ارائه تصاویر درشت باز یگر



ترا طرح
م بگر
نیش
د سراز
د آنهار
می زند
شارند
های آن
ایجاد
ی-نمو
میونس
مادر
مین های
ند بعد
خاطر
تماشاچی
تل
یکند
بر جوب
که برای
چوب به
بیشند
که داشت
بالاخره
است
اما کنار
حواله
م مجیز
در افغان
وسایل
و تا میند
بر داری
دیدند
یت فکر
افغان
و هر
میرد
کار
نبرده
توانیم
راتواری
قی کم
داریده
وبس
شت نما
ماطفی



سلام به خوانندگان و همکاران عزیز !
به آرزوی سلامتی و سعادت شما می‌فرستیم
به جواب نامه ها :

دوست عزیز فخرالدین پایمرد محصل
فاکولته حقوق :

چند پارچه ربای شما رسیده خرسندیم
که همکاری میکنید و دعا میکنیم که این
همکاری قلمی از گزند با دو یاران مصئون بماند.
اینک نمونه یی از اشعار تان :

گل لرگی شگوفه باز کرده
بیانش لقمه بلبل ساز کرده
چو با چشمان دلدارم شبیه است
مرا با بلبلان همسراز کرده

تگسارم رفت و اشعارم بدستش
گل لرگی خسارم بدستش
دور از چشمان مست و دلخوشش
تو گسویی چشم دلدارم بدستش

خوب است که چشم دلدار تان شبیه ترکی
است و گرنه شما کجا و بلبل هزار داستان
کجا. چه کاری شد که دلدار شما اشعار را ببرد
و به دلدار دیگری سپرد .. حوصله داشته
باشید عجله کار شیطان است و دلدار فقط
دل سدار است و راز دار ... خدایا تان ...

دوست عزیز عبدالغنی یوسفی مأمور اداری
مدیریت تعلیم و تربیه ولایت فراه :

عرض ارادت میکنیم ولی راستش « قبلا
در هر جاییکه باشیم یکی بوده ایم » نبوده ایم.
شاید منظور تان قلبا بوده باشد که سکه
قلب است و راستش اش چیه است و درستش
قلب است . بهر حال از قلب و دل بگذریم
و بیاییم سر اصل مطلب . مضمون « انسان
یک موجود کنجکاو و ممتاز » شمارا به متصدی
صفحه دوستان مهربانم که از نظر بگذرانند
و در چاپش بکوشند ، موفق باشید .

دوست عزیز محمد نوروز سلطانی متعلم
مکتب سعدالدین انصاری !

نوق و شوق تان را سپاس میکنیم و از
اینکه شعر « بیری » سروده طبع شما از چاپ
بازماند معذرت میخواهیم . مشوره میدهیم
که شعر بسیار بخوانید تا بیشتر بفهمید به
راز و رموز شعر گوئیم . موفق باشید .

دوست عزیز انوری شاعر معروف !
نامه یی شما به اداره رسید و از اینکه روح
شمار آرامگاه ابدی هم آرام نیست متأسفیم
و جز نشر اعتراض و شکایت شما چه میتوانیم
کرد که شمارا خوش آید و بندگان خدا را نا
خوش افتد .

« نامه ای از انوری شاعر خراسان :
شعر دزدی و شاعر دزدی :

روزی در خراسان از بازاری میگذشتم ،
جمعیتی را دیدم که بدور مردکی گرد آمده ،
واو هم با کمال حرارت ، با صدای بلند شعر
میخواند . چون خودم شاعر بودم ، علاقمند
بشنیدن شدم ، اما زود دریافتم شعر ها ی
که این مرد میخواند ، از من است .
پرسیدم ، برادر این شعری را که خواندی
از کی بود ؟
گفت از انوری .

گفتم اگر منظورت از انوری همان شاعر
معروف است آن که منم . مرد با کمال دیده
در آیی به پاسخم گفت : دیگرش را نمیدانم ،
این شعرا ز من است و نام من انوری است ،
از شنیدن این جواب گستاخانه ، گنج شدم
و گفتم شعر دزدی شنیده بودم اما شاعر دزدی
هم دیدم و فی البدیهه فرد ذیل بر زبانم جاری
شد :

دزد قباله دزد بدیدمست هر کسی
یاران حذر کنید ز دزد مقاله دزد

از همان وقت به بعد ، در برابر اشخاصی که
دست به سرقت ادبی میرند سخت حساسیت
دارم ، زیرا این بی مایگان بهتر است دست
به گدایی بزنند تا مضمون دزدی .

ولی با کمال تأسف باید بگویم که گاهی
در عالم ادواح خبر میشوم که دامن این عادت
فکوحیده هنوز بر چیده نشده ، و درین قرن که
بسیارش مینامند ، نیز کسانی یافت میشوند
که دست به انواع دزدی ادبی (که عین بی ادبی
است) میزنند .

یک مثل سابقه است که میگویند : سرمه
را از چشم میزدند . همینطور گاهی میشنوم
که حتی مضمون چهل نویسن دیگری را از
روی میز بر میدارند و آنرا در جای دیگر بنام
خود نشر میکنند و گاهی نیز دوده شده که
داستانی را از زبان دری واپس به زبان دری
ترجمه کرده اند که این یک شاهکار است
بالاخر از انوری دزدی .

صرف نظر از این ، اخبار سرقتهای خرد و بزرگ
چون فقره دزدی ، جمله دزدی ، پاراگراف دزدی
فکر دزدی که از شمار بیرون است .
بهر صورت توصیه من به جوانانیکه واقعا
میخواهند هنرمند شوند اینست که هرگز
گردانگونه اعمال نادرست نگردند ، زیرا
علاوه از اینکه در نهایت هیچ سودی از این
کار نخواهد برد در صورت گیر آمدن سرقت
شان سبب مرفقندگی نیز خواهد بود .

در اینجا باید بگویم که هنر را مستی
در خلایق است و ایجاد تازه ها .. و اما سارق
ادبی مانند کسی است که دیوار خوشنمایی
را که قلا بدست معمار هنرمندی بنا شده ،

خراب کرده و از خشت و گل آن دو بسازد
همان دیوار را با کمال بی هنری آباد میکند .
درین صورت علاوه از اینکه چیزی بر دیوار
نمیافزود ، به بافت و نقشهای هنری آن لیس
صدمه زده است .

جواب نویسن نامه ها چه عرض کند به انوری
انوری ، بگذار تا دیگران از دستبرد قلم حرف
بزنند و نشست رسوایی دزدان ادبی هر چه
محکمتر و بر صدائی از فراز بامها به زمین
کوبیده شود و نقاب از رخ بی رخ سارقان ادبی
برافتد .

کاتب ظالم به منان قلم
دزدی بی تیر و کمان میکند

دوست عزیز علی آقا همدرد از سرک دوم
شاه شهید :

خوشحالم که به مجله ژوندون علاقمندید .
از شرح حال منیاه موی جلالی که اندک بود
و مختصر گذشتیم و اینک چند دوبیتی ارسال
شما که در کاغذ قشنگی نگاشته بودید :

اگر از دزدی از بام آیم
اگر هر صبح زنی هر شام آیم
دوایم دایری گر تابه زانو
به سینه گر نیایم بیوفایم

چرا ای دوست عزیز ، از در بزنید و باز چرخ
هر صبح مورد لٹ و کوب کردی و سر انجام
چرا دویایت را آن یار نامهربان خدا ناخواسته
قطع کند که چون سوسمار به سینه پیشروی
و با ریختن اشک تمساح گونه یی اودا
خدا کند .

به قربان هسو چشمان مست
لکش سگرت میان هر دو دست
لکش سگرت که رسم عاشقی نیست
به قربان دل عاشق پرست

مگر با انگشتان پای سگرت بکشد که
رسم عاشقی باشد و ترا پسند آید ...

دل غرق خون است باکی گویم
غم از حد فزون است باکی گویم
عزیزان این دل شوریده من
شور و غرق خون است باکی گویم

به دلدار محبوب و معشوق خود بگویند که چاره دل
را نماید ...

دوست عزیز ، دوبیتی های را که می گزینید ،
کوشش به خرج دهید که درست و کامل و
صحیح و تمام بگیریید و اضافه بر آن تنها دو
بیتی های یی قرار یی دل را در دل نیارید
و به نظر من بلکه دوبیتی های کسه سوژه
اجتماعی و در دزدگی دارد به ما بفرستید که
به نشر بپردازیم در غیر ... خدا حافظ .

دوست عزیز شمس الدین آردین از دواخانه
صالحی - ولایت هرات !

سلام میفرستیم و ما هم آرزو داریم که
همیشه و بیوسته موفق و کامروا باشید . مطالب
ارسالی شمارا خواندیم و اینک قسمت از آن :
« دو قطعه نوت هزاری و چند چک اینچاق
که مفقود شده بود در بکس حسرم پیدا شد ،
بیخود دنبالش نگردید . »

شما خود ، بیخود خانم عزیز تا آنجا جسر
نهدید و سبب آزارش نکردید . از خیال پلو
بی گشت نیز بگذرید که نه نوت هزاری
افغانی داشتید و نه چک چند ملیونی و نه کسی
به جستجوی آن بود .

همین مرغوب در بهترین نقاط هرات
باقیست مناسب برای قدم زدن شما آماده است ،

ناگران نشده بیایید قدم بزنید یا
متعال و قادر یی نیاز از آن روز بترسیم
قدم زدن بالای زمین نیز قیمت پیدا کند
دوست عزیز محمد عثمان متعلم لیسه
با سلام عرض شود که پارچه شعر
ای و طنه یی شما نواقص بسیاری دارد
یکی آن همان است که در بالا از زیر
من خاک بازیان شکسته و بسته انوری فرمود
دزد قباله دزد بدیدمست هر کسی
یاران حذر کنید ز دزد مقاله دزد

و فعلا یاران حذر کنید ز دزد شعر دزد که
و شاهد آن صفحه کلهای سرخ است
شعر شما از آنجا بسیار آب خورده و بیرون
یافته است . خدا حافظ
دوست عزیز سعیده عالمی و زینب
عالمی از لیسه جهان ملکی ولایت غزنی !
مطالب ارسالی شما رسید و آنرا سبب
به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیها
ترتیب اثر میدهد و بالاخره شکایت تان که
نگاشته آید « دوست عزیز متصدی صفحه
سر گرمیها ، کله داریم ، که چرا جدول
ماراکه از مدت دو سال به اینطرف پیش از این
جدول ارسال کرده ایم فقط دو جدول
چاپ شده است و پس ، خواهش میکنیم
سر ب المثل دزدیده که دزدیده هم به وارد
رامدنظر گرفته و در چاپش اقدام نمایند
اگر لیاقت چاپ را نداشته به ما بگویند
در طرح دیگر جدول سعی نماییم . »
ما هم همچون شما همین حرفها را با متصدی
صفحه مسابقات و سر گرمیها گفتیم و آن
داریم که پاسخ شمارا تهیه بدارد و چرا
نشرش نکوشیده است .

والسلام

یادونه

دوژوندون مجلی دتیری گهی پدیدیم
می د ا خ ، د ر ک د ر ک ز ی گیتی دعو می
د ا د ج د ا ن ق ل ا ب ی شورا و تیس او صدراع
بیرک کارمل دویا ددوم ستون ددیارل
گرتی خفه وروسته دی دغه جمله زیاته
... فاشیزم دیر لوی قوت شوروی انج
دستر قدرت به واسطه و گول شو اوله مبتد
لاد خوشحالی هیله ده جی گوان لوستون
یدی هکله زمون معذرت و منی .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرم
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری واپ - جوار
ریاست مطابع دولتی

تلفون مدیر مسوول : ۳۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات : ۳۶۸۵۹

دولتی مطبعه

ژوندون





شعبه ۳ جزا ۱۳۵۹

۲۴ می ۱۲۸۰

شماره نهم

سال سی و دوم

قیمت یک شماره ۳۳ افغانی

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library